



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اخلاق و خاندان



روزگار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق در خانواده و تربیت فرزند

نویسنده:

سید محمد نجفی یزدی

ناشر چاپی:

شکوری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	اخلاق در خانواده و تربیت فرزند
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	مقدمه
۱۳	وظایف زن یا شوهرداری
۱۳	۱- آرامش بخشیدن
۱۴	۲- به شوهر خود در امور دین و دنیا کمک کنید
۱۴	۳- امانتداری
۱۵	۴- کم خرج باشید
۱۶	۵- اطاعت
۱۷	۶- آراسته بودن
۱۷	قسمتی از روایات اسلامی در کیفیت شوهرداری
۱۷	جهاد زن
۱۷	غسل توبه
۱۷	این زن کارمند خداست
۱۸	پاداش زن صبور
۱۸	زن و رضایت شوهر
۱۸	علاقه به شوهر
۱۸	وضع اقتصادی و شوهرداری حضرت زهرا علیه السلام
۱۹	فاطمه بانوی نمونه اسلام
۲۰	جهاد فاطمه علیهاالسلام
۲۰	فاطمه از دیدگاه پیامبر اکرم (ص)
۲۱	وظایف مرد یا آداب زن داری

- ۲۱ وظایف مرد یا آداب زن داری
- ۲۱ فرمان خدا در مورد بانوان
- ۲۱ زن گل است با او مدارا کنید
- ۲۱ با همسر خود خوب رفتار کنید
- ۲۱ با زن‌ها ، زیبا صحبت کنید
- ۲۲ اذیت و آزار به همسر مجازات دارد
- ۲۲ صورت نورانی و لبهای چرکین
- ۲۲ زن خوب سعادت است
- ۲۲ دست روی همسر بلند نکنید
- ۲۲ خشونت و محبت؟!
- ۲۳ گذشت و مروت
- ۲۳ عفو حق زن است
- ۲۳ پاداش مرد صبور
- ۲۳ مهربانی و محبت به بانوان
- ۲۳ شیرینی جاودانه
- ۲۳ سفارش نسبت به زن
- ۲۳ با غیرت باشید
- ۲۴ این مرد جهنمی است
- ۲۴ بهشت بر او حرام است
- ۲۴ از اعدام تا شهادت به خاطر پنج خصلت
- ۲۴ بی غیرتی پستی است
- ۲۴ همسرانتان را حفظ کنید
- ۲۴ بیشترین خیر در زنهاست
- ۲۵ سه نعمت بی حساب

- اینجا اطاعت نکنید ۲۵
- به سخن این زن گوش ندهید ۲۵
- مشورت با همسر شایسته او را سعادت‌مند کرد ۲۵
- خیر دنیا و آخرت در چهار چیز است ۲۶
- صفاتی که زنان در مردان می‌پسندند ۲۶
- چهار چیز کمر شکن ۲۶
- این زن نفرین کرد و خودش مرد ۲۷
- طلا باشید نه خاک ! ۲۷
- پیری زودرس ۲۷
- دستورهای بیجا ندهید ۲۷
- بر زنها هم حرام است ۲۷
- سه چیز شوم ۲۷
- جزای سرکوفت زدن بر شوهر ۲۸
- زن و تقاضای طلاق ۲۸
- واسطه ملعون ۲۸
- خداوند از طلاق نفرت دارد ۲۸
- صفات پسندیده و ناپسند شوهر ۲۸
- صفات پسندیده و ناپسند زن ۲۸
- محبت اساس موفقیت خانواده ۲۹
- نیاز به محبت ۳۰
- راه کمک به همسر و دلگرمی در زندگی ۳۰
- انسان نیازمند و تشنه محبت است ۳۱
- با توقعات و روحیات نامطلوب چگونه باید برخورد کرد ؟ ۳۲
- هر سخن جائی و هر نکته مقامی دارد ۳۲

- این همسر اشتباه می کند ۳۲
- کیفیت محبت و ابعاد آن در انسان ۳۳
- معیار و اندازه محبت در زن و شوهر ۳۳
- اینگونه همسر قابل سرزنش است ۳۴
- برخوردهای تند مقطعی معیار بی محبتی نیست ۳۴
- در محبت توقع بی مورد نداشته باشید ۳۴
- عوامل محبت در احادیث اسلامی ۳۶
- عوامل مهم کدورت که باید از آن اجتناب شود ۳۸
- برنامه زندگی از موسی ابن جعفر علیه السلام ۳۹
- ده دستور برای خوشبختی در ازدواج و خانواده ۴۰
- قسمتی از روایات اسلامی در مورد آداب زندگی ۴۷
- والدین موفق ۵۰
- تربیت فرزند در مکتب اهل بیت علیهم السلام ومسائل محرم و نامحرم ۵۴
- فرزند و والدین ۵۴
- بارداری و شیر دادن ۵۴
- دعا و استغفار برای بچه دار شدن ۵۵
- ارزش بارداری و شیردادن بچه ۵۶
- احتیاط در آمیزش ۵۶
- نکات لازم برای فرزند سالم ۵۶
- بچه زیبا ۵۷
- خرما برای زن هنگام زایمان ۵۷
- خاصیت خوردن کندر برای زنان باردار ۵۷
- لقمه حرام در طفل اثر می گذارد ۵۷
- حالات و روحيات مادر در روان طفل اثر می گذارد ۵۷

- ۵۷ صفات روحی مادر هم سرایت می کند
- ۵۸ کنترل جمعیت راحتی در جمعیت کمتر
- ۵۸ فرزندش او را بد عاقبت کرد
- ۵۸ اول فکر کن بعد انجام بده
- ۵۹ عقل و تدبیر هم نعمت خداست
- ۵۹ پدر و مادر مسئول تربیت فرزندان هستند
- ۵۹ اداره زندگی مشکل است
- ۵۹ کم باشد ولی اندازه ، بهتر است از
- ۶۰ زن و بچه شمارا به حرام نیندازد
- ۶۰ جلوگیری از باد داری
- ۶۰ بهترین شیر برای بچه
- ۶۰ به فرزند خود جفا نکنید
- ۶۱ مادر شیخ انصاری او را به وضو شیر می داد
- ۶۱ ارزش مادری که به فرزند خود شیر می دهد
- ۶۱ فرزند و تربیت او یکی از دو راحتی
- ۶۱ آیا سالم است ؟
- ۶۲ گل خوشبو
- ۶۲ دختر سود خالص است
- ۶۲ چه بسیار دختر که از پسر بهتر است
- ۶۲ اذان و اقامه در گوش نوزاد
- ۶۳ ختنه مفید و لازم است
- ۶۳ عقیقه لازم است
- ۶۳ اولین هدیه به فرزند
- ۶۳ اهمیت و برکت نام محمد و فاطمه در خانواده

- ۶۳ از نامه‌های زشت پرهیز کنید
- ۶۴ نامه‌های زشت را تغییر دهید
- ۶۴ به پیامبر جفا نکنید
- ۶۴ امام حسین علیه السلام نام علی را دوست می داشت
- ۶۴ اثر نامه‌های نیکو
- ۶۴ حقوق و تربیت اولاد
- ۶۴ حقوق پسر بر پدر
- ۶۵ حقوق دختر بر پدر
- ۶۵ روح طفل مثل جسم او لطیف است ، مواظب باشید
- ۶۵ اخلاق و ارزشها را با رفتار خود به طفل تلقین کنید
- ۶۵ فرزندان خود را از نظر روحی واکسینه کنید
- ۶۶ تربیت دختر با پسر فرق دارد ، آنها را برای آینده آماده کنید
- ۶۶ وای به حال فرزندان آخر الزمان
- ۶۶ پدر و پسر نمونه
- ۶۷ قربانیان حسینی ، فرزندان نمونه ، کربلا جوان نمونه
- ۶۷ نوجوان نمونه کربلا
- ۶۸ به همسر و کودکان خود ظلم نکنید
- ۶۸ خشم الهی
- ۶۸ مسائل شرعی مربوط به زدن اطفال یا دیگران از توضیح المسائل
- ۶۹ فرزندان خود را نماز آشنا کنید
- ۶۹ نماز را سبک نشمارید
- ۶۹ نماز شرط قبولی اعمال است
- ۶۹ در نماز خواندن عجله نکنید
- ۷۰ بچه های ده ساله جدا بخوابند

- تیراندازی و شنا ۷۰
- گویاتر از زبان ۷۰
- عفت را در خانه مراعات کنید ۷۰
- تساوی میان اطفال ۷۰
- پدر و مادر هم عاق فرزند می شوند ۷۱
- به دختر شایسته خود افتخار کنید ۷۱
- خداوند به بانوان مهربانتر است ۷۱
- گل‌های پیامبر اکرم ۷۱
- با فرزندان خود مهربان باشید ۷۱
- پیامبر اکرم به شدت اطفال را مراعات می کرد ۷۱
- فرزندانتان را شاد کنید ۷۱
- نصایح اهل بیت علیهم السلام در مورد فرزند ۷۲
- نصایح اهل بیت علیهم السلام در مورد فرزند ۷۲
- راه تاءدیب ۷۲
- نفرین مکن ۷۲
- انار برای کودکان ۷۲
- دختر بهتر است ۷۲
- احترام و ادب ۷۲
- آقا و عبد و وزیر ۷۲
- بهترین اعمال ۷۲
- با بچه ها خوش قول باشید ۷۳
- پیامبر و پدر بی رحم ۷۳
- رفتار با بچه ها ۷۳
- پیامبر بر بچه ها سلام می کرد ما چطور ؟ ۷۳

- ۷۳ مسئولیت والدین و پدر و مادر ناموفق
- ۷۴ آنچه سودمند است عمل است
- ۷۴ مقدار کار و تلاش در زندگی
- ۷۵ چرا محبت والدین بیشتر است
- ۷۵ این پدر به وسیله پسرش عاقبت نه بخیر شد
- ۷۵ مراتب احترام و خدمت به پدر و مادر
- ۷۵ اشاره
- ۷۶ پدر و مادر بر زن و فرزند مقدم هستند
- ۷۷ احترام فوق العاده به مادر
- ۷۷ به پدر و مادر پیر خود شخصا کمک کنید
- ۷۷ چند دستور مهم برای مقابله با بلاها و مشکلات
- ۷۷ مقدمه
- ۷۸ ۱ - گناه انسان را مبتلا می کند
- ۷۸ ۲ - صدقه بلا را دور می کند
- ۷۸ ۳ - رسیدگی به فامیل عمر و روزی را زیاد می کنند
- ۷۹ ۴ - دعا گنجینه پر ارزش و مؤثر می باشد
- ۷۹ محرم و نامحرم
- ۸۴ زنان و مردان آخر الزمان
- ۸۶ فرزندان موفق
- ۸۸ فرزندان ناموفق
- ۸۹ پی نوشتها
- ۸۹ ۱ تا ۱۵۰
- ۹۱ ۱۵۱ تا ۳۶۱
- ۹۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

اخلاق در خانواده و تربیت فرزند

مشخصات کتاب

سرشناسه: نجفی یزدی محمد، ۱۳۳۷ - عنوان و نام پدیدآور: خلاصه‌ای از مطالب اسلام در مورد: روابط زن و مرد یا اخلاق در خانواده محمد نجفی یزدی. مشخصات نشر: قم شکوری ۱۳۷۹. مشخصات ظاهری: ۱۵۸ص. شابک: ۹۶۴-۹۶۲۷۲-۴-۶؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ دوم) یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است یادداشت: چاپ دوم: پاییز ۱۳۸۵. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴ موضوع: زناشویی (اسلام) -- احادیث موضوع: زن و شوهر رده بندی کنگره: BP۱۴۱/۵/ن ۸۵/۳ ۱۳۷۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۴۴۲۵

مقدمه

اهمیت اخلاق و روابط سالم در خانواده بسم الله الرحمن الرحيم ((الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و اهل بینه الطیبین الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین .)) یکی از افتخارات بزرگ آئین مقدس اسلام، توجه خاص و تاءکید فراوان در مورد نظام خانواده است اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و برقراری روابط سالم میان زن و مرد، والدین و اولاد، امروز بر کسی پوشیده نیست. جامعه یک مجموعه است متشکل از افراد که طبق قوانین خاصی با هم زندگی می کنند، اگر افراد آن جامعه، دارای استعداد های خوب و سپس اخلاق و روحیات عالی باشند، آن جامعه نیز موفق خواهد بود. خانواده پایه اساسی هر فرد در جامعه محسوب می شود، بطوریکه اگر افراد خانواده بتوانند با روابطی شایسته و مناسب، روح و جسم یکدیگر را آرامش بخشند و زمینه شکوفا شدن صفات و استعداد های درونی را آماده کنند، جامعه ای موفق بوجود خواهد آمد. اگر زن و شوهر، با تفاهم کامل و دوستی و صمیمیت، محیطی با صفا در خانه ایجاد کنند، آنها نه تنها با این کار، فرزندان شایسته و با ادب پر استعداد پرورش می دهند، بلکه خودشان نیز از این محیط سالم نیرو می گیرند و زندگی آنها همواره پر فروغ و با نشاط خواهد بود. مرد و زن، همواره از دیدن یکدیگر لذت می برند، و در کارهای مربوط به خود نشاط و آمادگی بیشتر برای حل مشکلات و یا استقامت در مقابل آنها خواهند داشت، چرا که فضای محبت و امید، همواره نشاط آفرین و پویا خواهد بود. محیط سالم خانواده، فضای بسیار مناسبی است برای شکوفا شدن استعداد های فکری و روحی و جسمی فرزندان، تا بتوانند، به سعادت خود و اجتماع کمک کنند. به امید اینکه جوانان و افراد یک خانواده در راه سعادت و خود و اجتماع اسلامی کوشا باشند. ((مابنی بناء فی اسلام احب الی الله عزوجل من التزویج)) پیامبر گرامی اسلام فرمود: هیچ بنایی در اسلام، نزد خداوند عزوجل، محبوبتر از (کانون) ازدواج نیست. (۱) قم حوزه علمیه، سید محمد نجفی یزدی ۱۰/۱۰/۱۳۷۰

وظایف زن یا شوهرداری

۱- آرامش بخشیدن

((و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها)) خداوند می فرماید: از نشانه های پروردگار این است که همسری از خودتان آفرید تا نزد او آرام گیرید. نظام خانواده به تناسب روحیات و توان زن و مرد، برنامه ریزی می شود، یکی از وظائف مهم بانوان، تعدیل عواطف و مهیا کردن فضای آرام و با صفا در میان خانه است، بانوان به لحاظ لطافت و حساسیت روح، مسئول تنظیم آرامش و صفای خانواده می باشند. اگر مردی بر اثر ضعف نفس، و یا برخورد با مشکلات و سختی روح و یا به هر دلیل

موجه یا ناموجه، عصبانی شد، بر یک بانوی فهمیدم لازم است، بیش از آنکه خود را رقیب حساب کند، همانند یک پرستار دلسوز، به فکر آرام کردن روح و روان شوهر و اهل خانه باشد، تا پس از فروکش کردن گردو و غبار خشم و به کار افتادن عقل و فکر، آن موقع با هم صحبت کنند و این کار اگر چه از دو طرف لازم است ولی مسئولیت بیشتر به عهده زن است، و به همین لحاظ است که در روایات متعدد به زنان توصیه شده است. تا تلاش کنند رضایت شوهر را بدست آورند، و دیدیم که قرآن از زنها بعنوان آرامش دهنده یاد نموده است، در روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: وقتی به زهر نگاه می‌کردم، هر غم و غصه‌ای که داشتم برطرف می‌شد. همچون گل شکفته، شادی آفرین باشید زنان باید شادی آفرین خانه باشند، سنگ صبور خانه زن است، همیشه می‌باید نبض عواطف و جو اخلاقی خانه را معتدل نگاه دارد، پیامبر اکرم (ص) در آن حدیث زنی را شایسته و پرسود دانست که گاه مرد به او نگاه کند و شادمان شود، پس گره از ابرو باز کنید، و با استقبال گرم و صورت خندان، گل‌های محبت را در زندگی شکوفا کنید، چرا که حضرت علی علیه السلام فرمود: زن گل است (۲) پس باید همچون گل شکفته، در گلستان خانواده شادی آفرین باشید. همه روزه اگر غم خوری غم مدار چو شب غم گسارت بود در کنار

۲- به شوهر خود در امور دین و دنیا کمک کنید

((ثلاثة للمؤ من فيها راحة . . . و امرأة صالحة تعينه على امر دنیا و الآخرة)) (۳) امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز برای مؤمن راحتی است، از جمله فرمود: زن شایسته‌ای که کمک کار او در دنیا و آخرت باشد. یک بانوی فهمیده کسی است که علاوه بر انجام مسئولیت خانه و امور تربیتی فرزندان، و وظائف دینی خود، به شوهر خویش در راه انجام کارهای نیک پسندیده نیز کمک کند، زن می‌تواند بهترین تشویق کننده مرد در انجام واجبات و ترک محرمات، و بالاتر از آن، انجام مستحبات و ترک مکروهات باشد. پذیرا شدن میهمان با روی باز از طرف زن و یا توصیه به صله رحم و یا انفاق به نیازمندان، دقت و مراقبت در انجام امور دینی مثل نماز و روزه و خمس و مانند اینها همراه با قناعت و ایجاد فرصت کار خیر، می‌تواند کمک مهمی به شوهر باشد. زن می‌بایست از حساسیت موقعیت خود، در راه انجام امور اخروی و معنویات استفاده کند، تا خود و شوهر و فرزندان خود را در کانونی سرشار از معنویات و منور به نور الهی قرار دهد، در روایت است که بعد از عروسی حضرت فاطمه و حضرت علی پیامبر اکرم از حضرت علی علیه السلام پرسیدند خانواده خود را چگونه یافتی؟ ایشان جواب داد: ((نعم العون على طاعة الله)) فاطمه را بهترین کمک در راه فرمانبرداری خدا یافتم. (۴) اینطور نباشد که بانوان در امور دنیا صرفه جو و کمک کار باشند، اما در امور آخرتی دریغ کنند، و یا مانع شوهر باشند. شوهر و فرزندان خود را به نماز به روزه و به انفاق، به قرائت قرآن، به مسجد و جماعت و جلسات و دوستی و صفا دعوت کنید.

۳- امانتداری

زن باید نسبت به اموال و اسرار شوهر امین باشد ((و زوجه مؤمنة تسره اذا نظر اليها و تحفظه اذا غاب عنها في نفسها و ماله .)) (۵) پیامبر اکرم (ص) از خداوند عزوجل نقل می‌کند که فرمود: وقتی بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گرد آورم (چهار چیز به او می‌دهم اول) دلی متواضع و با پروا (دوم) زبانی که با ذکر گوید، (سوم) بدنی که بر بلا صبر و استقامت کند (چهارم) زن با ایمانی که چون به او نگاه کند، خوشحال و شاد شود، و در نبودن شوهر عقیف و در اموال شوهرش امین باشد. یکی از صفات مهم که بانوان باید آن را به شدت رعایت کنند امانت داری است، طبیعت و صمیمیت زندگی مشترک ایجاب می‌کند که زن و مرد، نسبت به برخی اسرار یکدیگر آگاه شوند و می‌بایست، تا آخر عمر آن را در سینه نگاه دارند. حفظ عفت برای زن در وقتی شوهر غایب است و دوری از نامحرم و با دیگران سخنان تحریک آمیز نگفتن، مقتضای امانت و عفت است. اسرار خانوادگی

همانند کمبودهای اقتصادی، یا روحی و اخلاقی و یا نواقص جسمی، همه و همه باید مثل یک امانت نگه داری شود، زن یا مرد که نتواند زبان خود را کنترل کنند و نسبت به آبروی خود و همسر خود و یا خانواده بی اعتنا باشند، زندگی موفق نخواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ((المجالس بالامانة)). (۶) مجلسها امانت است، هر چه در خانه می گذرد و یا گفته می شود، مخصوصاً مسائل زناشویی قابل بازگو کردن نیست، هر چند طرف شما پدر یا مادر و مانند اینها باشد. در این میان مواظب باشید، هنگام عصبانیت و خشم مبادا سخنی بر زبان آرید و یا رازی را پیش دیگران فاش کنید که دلالت بر پستی و سردی رابطه شما کند، که در این صورت صلح و صفا را بر روی خود بسته اید. بعد دیگر امانت داری که بیشتر به بانوان اختصاص دارد، حفظ اموال شوهر در خانه است، تمامی اموال مرد، در دست همسرش امانت است، و می باید به قانون امانت با آنها رفتار کند، بنابراین استفاده نابجا از وسایل زندگی، عدم مراقبت از ابزار و اثاث خانه، و عدم دقت در استفاده از آنها و بی توجهی در پخت و پز، که موجب خسارت و صدمه بر اموال می شود، خلاف امانتداری است. یک بانوی آگاه هیچوقت بی اجازه و بدون رضایت شوهر چیزی به کسی نمی دهد، بیش از حد معمول میهمان دعوت نمی کند، در مراقبت از لباسها و ظروف دقت می کند، و خلاصه در زندگی اعتماد کامل شوهر را نسبت به خویش جلت می کند. آیا مثل این زن پیدا می شود؟! اصمعی می گوید: در بیابان می رفتم که به خیمه ای رسیدم، بانویی از خیمه بیرون آمد که در زیبایی چون آفتابی بود که از افق طلوع می کند یا چون ماه که از پشت ابر تیره نمایان شود، پیش آمد و (به رسم میهمان نوازی) به من خوش آمد گفت: سپس اشاره کرد به مکانی که فرود آیم، از مرکب، پائین آمدم و ظرف آبی در خواست کردم، گفت: شوهری دارم که بی اجازه او نمی توانم در آب و نان او دست بزنم، و از او هم اجازه نگرفته ام که میهمان را ضیافت کنم، بله خودم اجازه دارم که چون تشنه و گرسنه شدم به مقدار احتیاج مصرف کنم اما اکنون تشنه نیستم، و گرنه سهم آب خود را به تو می دادم ولی شربتی از شیر که غذای من است به تو می دهم، و سپس ظرف شیری را پیش من نهاد، اصمعی می گوید من از عقل و زبان گویا و ملیح وی متحیر ماندم. در این هنگام عربی سیاه چهره از گوشه بیابان پیدا شد با صورتی بسیار زشت، وقتی مرا دید مرحبا گفت، زن پیش دوید و عرق پیشانی وی را پاک کرد و چنان او را خدمت کرد که زنان برده به صاحبان خود نمی کنند، فردا که خواستم بروم به آن زن گفتم، عجب است که زیاروئی مثل تو به زشت روئی مثل شوهرت، چنین دل بسته است و با وجود این زشتی، به او این همه خدمت می کنی؟ زن گفت: حدیثی شنیده ام که رسول الله (ص) فرموده است: ایمان دو نیمه دارد، نصف آن صبر است و نصف دیگرش شکر، چون خداوند به من زیبایی عطا کرده است، من سپاسگذاری می کنم و در مقابل آن سختی که از نا زیبایی صورت شوهرم متحمل می شوم، صبر می کنم تا تمام ایمانم سالم ماند، اصمعی گوید از این سخن بسیار تعجب کردم و در عفت و پارسائی مثل تو ندیدم. (۷)

۴- کم خرج باشید

((المرأة الصالحة احد الكاسين . (۸)) پیامبر اکرم (ص) فرمود: همسر شایسته یکی از دو کاسب است. یکی از وظائف مهم زن، تعدیل خواسته های خویش نسبت به در آمد زندگی می باشد، زن نباید تنها به خواسته های خود و یا فرزندان و یا مخارج زندگی نظر کند، و امکانات و مخارج مرد را نادیده بگیرد، و با ناراحتی و خشم و بهانه گیری را تلخ و سخت نماید. آری طبق آن حدیث شریف، هرگاه زن با عقل و سلیقه خود خوشبختی خانواده را تأمین کند، اثر کار او کمتر از کسب و کار شوهر نیست، زیرا حفظ درآمد همانند تلاش برای درآمد ارزشمند است. و در روایتی حضرت فاطمه به حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر به من فرمود: از پسر عمویت (حضرت علی) چیزی مخواه، اگر آورد که خوب و گرنه از او درخواست مکن (۹) (یعنی او را تحت فشار قرار نده). زن با برکت ((من برکت المرأة خفة مؤمنه و تيسيز ولدها)) (۱۰). امام صادق علیه السلام فرمود: از برکت زن این است که کم خرج و آسان زا باشد، و پر خرج بودن و مشکل زا بودن او شوم اوست. بنابراین بانوان برای هرچه بیشتر شدن این برکت

باید تلاش کنند، البته، تنگ نظری نابجا، و صرفه جوئی های احمقانه، که موجب آبرو ریزی و مریض شدن و سخت گیریهای بی مورد می شود، با قناعت و اعتدال در زندگی فرق دارد. سخن در تناسب درآمد و مخارج است، نه بخیل بودن و با وجود امکانات، بخاطر حرص و بخل، خود و خانواده را تحت فشار قرار دادن. زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا برو پنج نوبت بزن بر درت چو یاری موافق بود در برت

۵- اطاعت

((اذا صلت المرأة خمسها و صامت شهرها و حجت بیت ربها و اطاعت زوجها و عرفت حق علی (علیه السلام) فلتدخل من ای ابواب الجنان شئت (۱۱)) امام صادق علیه السلام فرمود: زن وقتی (پنج کار را انجام دهد بهشتی است) نمازهای پنجگانه را بجا آورد و ماه مبارک رمضان را روزه بگیرد و حج خانه خدا را (در صورت استطاعت) انجام دهد و از شوهرش نیز اطاعت کند، به حق حضرت علی علیه السلام نیز آگاه باشد، از هر دری از درهای بهشت که خواست وارد شود. اطاعت و فرمانبرداری، لازمه مدیریت مرد در خانه و لازمه صفا و صمیمیت محیط خانواده است، این اطاعت، نسبت به مسائل جنسی و اموری که مربوط به مسائل زناشویی و کامیابی، و هر چه مربوط به این مسئله است جنبه واجب دارد، همچنانکه در خروج از خانه نیز واجب است زن از مرد اجازه بگیرد. اما در امور دیگر جنبه توصیه و لازمه نظم و سعادت خانواده و موجب صفای بیشتر خواهد بود، البته مسأله اطاعت در بسیاری از موارد جنبه متقبل دارد، و تا آنجا که شرع و عقل مجاز می دانند و مسائل ضد اخلاقی در بر نداشته باشد، توجه به خواسته های بجای همسر فهمیده مانعی ندارد، و چه بسا موجب افزایش محبت است. البته سخن در اطاعت جائز است، و گرنه اگر زن یا مرد، درخواست نامشروع و حرامی داشته باشند، چه در امور جنسی و چه در امور دیگر قابل پذیرش نیست، و هیچ بانویی حق ندارد، بخاطر شوهر خود را به حرام آلوده کند، حجاب و عفت او نیز از واجبات است، و اگر شوهری در اثر بی غیرتی، همسر خود را وادار به بی حجابی و یا بد حجابی و یا وارد شدن در مجالس حرام و غنا و اینگونه امور کند، بر زن حرام است که از او اطاعت کند، بلکه می باید شوهر خود را از حرام باز دارد. اطاعت های واجب ۱- مسائل جنسی ۲- خروج از منزل بر زن واجب است که در مسائل جنسی همواره و در هر شرایطی (جز در حرام مثل آمیزش در حال روزه و یا حیض) خود را در اختیار شوهر قرار دهد و او را منع نکند. برای خروج از خانه نیز حتما می بایست بدون اجازه شوهر اقدام نکند، و این دو مسأله در روایات متعدد تذکر داده شده است و ما در جلد اول در فصل آمیزش جنسی آن را توضیح داده ایم. امام باقر علیه السلام فرمود: زنی نزد پیامبر اکرم (ص) آمده عرض کرد: یا رسول الله حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمود: او را اطاعت کند و نافرمانی نکند، از خانه او چیزی صدقه ندهد و روزه مستحبی نگیرد مگر با اجازه شوهر، که اگر بی اجازه خارج شود، ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب همه او را لعنت می کنند تا برگردد. آن زن پرسید: یا رسول الله چه کسی بیش از همه بر گردن مرد حق دارد؟ حضرت فرمود: پدر، چه کسی بیش از همه بر زن حق دارد؟ حضرت فرمود: شوهر (۱۲) - الحدیث. در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) به زنها فرمود: نماز خود را طول ندهید تا شوهرهای خود را مانع (کامیابی) شوید (۱۳) و در روایت دیگری حضرت راجع به زنی که شوهرش با او کار دارد اما او آنقدر معطل می کند تا شوهر به خواب رود فرمود: این زن همواره در لعنت ملائکه است تا شوهرش بیدار شود (۱۴) در خانه بنشین و از شوهرت اطاعت کن در زمان پیامبر (ص) مردی از انصار بخاطر کاری به مسافرت رفت و با زنش عهد کرد که از خانه بیرون نرود تا او برگردد، در این میان پدر آن زن مریض شد، به پیامبر پیغام داد که شوهرم به سفر رفته و با من عهد کرده که از خانه بیرون نروم تا برگردد، اما اکنون پدرم مریض شده آیا دستور می دهی به عیادت او بروم؟ حضرت فرمود: نه در خانه ات بنشین و حرف شوهرت را گوش کن، تا این که پدرش مرد، آن زن به پیامبر پیغام داد یا رسول الله پدرم مرد آیا دستور می دهی (در مراسم) او حاضر شوم؟ حضرت فرمود نه در خانه ات بنشین و از شوهرت

اطاعت کن ، وقتی پدرش را دفن کردند ، پیامبر شخصی را نزد آن زن فرستاد که به او بگوید ، همانا خداوند تو را و پدرت را به خاطر اطاعت تو از شوهرت آمرزید(۱۵) اختیارش با شوهر است در روایت است که یهود مدینه که در همسایگی حضرت فاطمه علیه السلام بودند ، مجلس عروسی داشتند ، نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و از حضرت تقاضا کردند به خاطر حق همسایگی ، اجازه دهد دخترش حضرت فاطمه علیه السلام به مجلس آنها آید و مجلس آنها را رونق دهد ، پیامبر اکرم (ص) فرمود : فاطمه همسر علی بن ابیطالب است ، و در اختیار اوست ، (۱۶) (یعنی زن هر چقدر هم با فضیلت باشد برای خروج از خانه باید از شوهرش اجازه بگیرد .)

۶- آراسته بودن

زن همواره باید برای شوهر آراسته باشد . لا ینبغی للمرأة تعطل نفسها و لو تعلق فی عنقها قلاده - الحدیث . امام باقر علیه السلام فرمود : برای زن سزاوار نیست که (رسیدگی به) خود را رها کند ، گرچه با انداختن یک گردنبند باشد(۱۷) . پیامبر اکرم (ص) نیز به زنی که از حقوق شوهر پرسیده بود فرمود : بر زن است که با بهترین عطر ، خود را خوشبو کند ، و بهترین لباس خود را بپوشد ، و با بهترین زینت خویش ، خود را زینت دهد و هر صبح و شب خود را بر شوهر عرضه کند . (۱۸) آری روایات اسلامی در این باره متعدد است ، و یک بانوی آگاه متوجه است که ، مبنا و اساس زندگی مشترک بر محبت و ارضاء غریزه جنسی استوار است ، و این دو مهم هر دو احتیاج به زیبایی و آراسته بودن دارد . راجع به آراسته بودن زن و مرد در جلد اول توضیح بیشتری داده ایم ، به آنجا مراجعه شود .

قسمتی از روایات اسلامی در کیفیت شوهرداری

جهاد زن

((جهاد المرأة حسن التبعل .)) امام هفتم (ع) فرمود : جهاد زن به نیکو شوهرداری است (زیرا زندگی و سامان دادن به آن و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات مادی و معنوی کمتر از جهاد نیست) . (۱۹) رضایت شوهر برای بانوان اصل است زنی نزد پیامبر اکرم (ص) آمده بود کاری داشت حضرت فرمود ، مادران مشتاق و با محبت به فرزندان خود ، اگر نبود برخورد تند آنها به شوهرانشان به آنها گفته می شد بی حساب وارد بهشت شوید(۲۰) (بانوان در گفتار و رفتار در خواسته‌های خود همواره باید توجه داشته باشند که رضایت شوهر برای ایشان یک اصل است که سعادت آنها تا حد زیادی به آن بستگی دارد لباس و خانه و اثاث و سایر اشیاء اگر با خشم شوهر همراه باشد بی ارزش و ناچیز است) .

غسل توبه

امام صادق علیه السلام فرمود : هر زنی که شب بخوابد در حالی که شوهرش بر او به حق خشمگین باشد ، هیچ نمازی از او قبول نیست تا اینکه شوهرش از وی راضی گردد ، و هر زنی که برای غیر شوهر خود را خوشبو کند ، خداوند هیچ نمازی از او قبول نکند تا اینکه از خوشبو کردن غسل کند همچنانکه از جنابت غسل می کند . (۲۱)

این زن کارمند خداست

مردی به پیامبر(ص) عرضه داشت : همسری دارم که چون وارد خانه می شوم به استقبالم می آید و هنگام بیرون رفتن بدرقه ام می

کند، و چون مرا غصه دار ببیند می گوید: چرا ناراحتی؟ اگر به خاطر روزی است که دیگری (خدا) عهده دار است و اگر به خاطر آخرت است، خدا غصه ات را زیاد کند (تا بیشتر به فکر قیامت باشی و مرتکب حرام نشوی). پیامبر اکرم (ص) فرمود: همانا خداوند کارمندی دارد که این زن از کارمندان خداست برای او نیمی از اجر شهید است. (۲۲) کرا خانه آباد و همخوابه دوست خدا را به رحمت نظر سوی اوست همه روز غم خوری غم مدار چو شب غمگسارت بود در کنار

پاداش زن صبور

((من صبرت علی سوء خلق زوجها اعطاها مثل ثواب آسیه بنت مزاحم.)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی که بر بد اخلاقی شوهرش صبر کند مانند پاداش آسیه به او عطا می کند (آسیه همسر فرعون بود که ایمان آورد و زیر شکنجه‌های هولناک شوهرش جان داد). (۲۳) چو از گلبنی دیده باشی خوشی روا باشد از بار خارش کشی درختی که پیوسته بارش خوری تحمل کن آنکه که خارش خوری

زن و رضایت شوهر

((ویل لامرأة اغضبت زوجها و طوبی لامرأة رضی عنها زوجها)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر زنی که شوهر خویش را به خشم آورد، خوشا به حال زنی که شوهر از وی خوشنود باشد. (۲۴)

علاقه به شوهر

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم از جنگی که در آنها عده بسیاری از مسلمانان آسیب دیده بودند برمی گشت، عده ای از زنها به استقبال آمده از شهدای خود می پرسیدند، زنی نزدیک شد و گفت یا رسول الله فلانی چه شد؟ حضرت فرمود با تو چه نسبتی دارد؟ گفت برادرم است حضرت فرمود: خدای را سپاس گوی (بخاطر توفیق شهادت برادرت) و استرجاع کن (بگو انا الله و انا الیه راجعون یعنی ما همه برای خدائیم و به سوی او بر می گردیم) همانا او شهید شد، آن زن نیز سپاس گفت و استرجاع کرد، سپس عرض کرد: یا رسول الله فلانی چه شد؟ حضرت فرمود با تو چه نسبتی دارد، عرض کرد: شوهرم است. حضرت فرمود: خدای را سپاس گوی و استرجاع کن که او شهید شد، زن (که به شدت ناراحت شده بود) عرض کرد وای از ذلت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: گمان نمی کردم زنی اینقدر راجع به شوهرش غصه دار شود تا این زن را دیدم. (۲۵)

وضع اقتصادی و شوهرداری حضرت زهرا علیه السلام

امام باقر علیه السلام روایت کند که حضرت فاطمه علیه السلام کارهای خانه و خمیر کردن و نان پختن و جاروب کردن را به عهده گرفت، حضرت امیر عهده دار شد که کارهای بیرون از خانه مثل آوردن هیزم و غذا را انجام دهد. روزی حضرت امیر علیه السلام به حضرت فاطمه (س) فرمود: آیا چیزی (از غذا و خوراکی) نزد شما هست؟ حضرت زهرا گفت: سوگند به آنکه حق، تو را گرمی داشت، سه روز است که چیزی نداریم تا بیاورم. حضرت امیر علیه السلام فرمود: چرا به من نگفتی؟ عرض کرد: پیامبر مرا نهی فرموده از اینکه از شما چیزی بخواهم و به من فرمود: از پسر عمویت چیزی نخواه، اگر چیزی آورد که خوب و گرنه از او درخواست مکن، و در روایتی آمده است که فرمود: از خدایم حیا می کنم که شما را وادار کنم به چیزی که در توان نداری، امیرالمؤمنین از خانه بیرون آمد، از شخصی دیناری قرض گرفت تا چیزی تهیه کند، وقتی برمی گشت هوا تاریک بود، در میان راه مقداد ابن اسود (از یاران با وفای پیامبر صلی الله علیه و آله) را دید (که شب هنگام در کوچه سرگردان بود) حضرت از او

پرسید: چرا این وقت بیرون آمده‌ای؟ مقداد گفت: ای امیرالمؤمنین سوگند به آنکه حق تو را بزرگ داشته است به خاطر گرسنگی بیرون آمدم، از امام باقر علیه السلام سؤال شد آیا آن زمان پیامبر زنده بود؟ فرمود: آری. حضرت امیر به مقداد فرمود: من نیز بخاطر همین بیرون آمده‌ام، و یک دینار قرض کرده‌ام ولی تو را بر خود مقدم می‌دارم، آن پول را به مقداد داد و برگشت، همینکه به خانه آمد، دید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته‌اند و حضرت فاطمه (س) نماز می‌خواند و در مقابل ایشان ظرفی سرپوشیده قرار دارد: حضرت فاطمه بعد از نماز سرپوش را از ظرف برداشت، ظرف آبگوشی بود که نان و گوشت در آن بود. حضرت امیر علیه السلام پرسید: ای فاطمه این را از کجا آورده‌ای؟ حضرت زهرا عرض کرد: از نزد خداست، خداوند به هر که بخواه بی حساب روزی می‌دهد! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیر علیه السلام فرمود: می‌خواهی راجع به همانند تو و او بگویم؟ عرض کرد: آری، پیامبر فرمود مثل تو همانند زکریا است که چون نزد مریم در محراب عبادت رفت، دید غذایی نزد مریم است، پرسید ای مریم این غذا از کجاست؟ مریم گفت: این از نزد خداست، خداوند هر که را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد. امام باقر علیه السلام فرمود: سپس همگی تا یک ماه از آن می‌خوردند و این همان ظرف است که حضرت قائم علیه السلام از آن غذا می‌خورد و اکنون نزد ماست (۲۶). ای گرامی دخت سالارم همسر و هم‌خواه جیل‌المتین از تو جسته سکه عصمت رواج عصمت بگرفته از عفت خراج با وجود چون زن در احترام دیگر از مردان نباید برد نام کوه مس را می‌کند کان (۲۷) طلا- خاک پای فضا ات چون کیمیا آبروی مریم از خاک درت ساره و هاجر به خدمت دربرت گرتوئی زن ای سرفراز زمن کاش مردان جهان بودند زن آنچه قدرت داشت ذات کردگار حمله را بردست در ذاتت بکار بیش از اینم نی به وصفت دست رس گرتو بود در خانه کس یک حرف بس

فاطمه بانوی نمونه اسلام

او دختر پیامبر اسلام است، شوهرش علی بن ابیطالب بعد از پیامبر نظیر ندارد، گرچه حوادث روزگار نگذاشت تا بتوانیم از کمالات و معنویات حضرتش، آن طور که باید مستقیماً درس بگیریم و در مدت کوتاهی راه شهادت را پیمود اما کسانی که با عظمت امیرالمؤمنین آشنا هستند می‌توانند از این راه به عظمت زهراء مرضیه پی ببرند، چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر علی علیه السلام نبود برای زهرا همتائی نبود، زهرا همتای علی علیه السلام است و همتای علی علیه السلام بودن عظمتی می‌خواهد که در تصور نمی‌گنجد، در دورانی ازدواج کرد که اوج جهاد اسلام بود هر لحظه شیپور جنگی نواخته می‌شد و این شوهر والا مقام بود که با فداکاری خود قامت اسلام را راست نگاه می‌داشت و این فاطمه علیه السلام بود که در این راه مقدس، شوهر را کمک می‌کرد و هرگز تاریخ نشان نمی‌دهد که از شرکت شوهر در این نبردها اظهار نگرانی کرده باشد، و درست در همان زمان که فقر و فشار اقتصادی شدیدی بر زندگی مسلمانها مخصوصاً خاندان پیامبر حاکم بود، او با آغوش باز جهاد را و فشار اقتصادی را که گاهی موجب می‌شد تا چند وعده فرزندانش غذا نمی‌خوردند و با بهانه آنها را می‌خواستند برای پیشبرد اسلام پذیرا می‌شد، جهاد و فقر نه تنها او را از اسلام دور نکرد که برعکس بر عبادت و راز و نیاز دائمی او افزود، گرفتاریهای اقتصادی و مسائل سیاسی و خانوادگی هرگز او را از خدا راز و نیاز می‌کرد و از همان لحظات شیرین نیرو می‌گرفت، ارزش را به دارائی نمی‌داد و نداری را علامت بدبختی نمی‌پنداشت با اینکه دختر پیامبر بود هرگز به این نسبت فخر و تکبر و بر شوهر نکرد با آن عظمت، در خانه کار می‌کرد و کار در منزل را عار نمی‌پنداشت و بعنوان روشنفکری و ارزش بدنبال کار در خارج از منزل و یا خودنمایی نبود. و مهمتر از همه فرزندان او به جامعه تحویل داد مانند امام حسن و حسین و زینب و کلثوم، که جهان اسلام به وجودشان افتخار می‌کند. امام حسین به دامن مادر افتخار می‌کند آری آنگاه که به سالار شهیدان حسین ابن علی (ع) فرزند فاطمه علیها السلام پیشنهاد بیعت با یزید را می‌کنند پاسخ می‌دهد که این زنازاده (عبیدالله ابن زیاد) فرزند زنازاده مرا میان دو کار

مخیر کرده است، مرگ و ذلت و هیئات منا الذلّة، و چه دور است از ما ذلت خدا و رسول او و مسلمانان و دامنها پاک و پاکیزه و سرهای پر حمیت و جانمایی که هرگز طاعت فرومایگان را بر کشته شدن مردانه ترجیح ندهند، برای ما ذلت نپسندند، او به دامن پاک که او را پرورش داده یعنی دامن مادر بزرگوارش زهرای مرضیه استدلال می کند که دامن زهرا زبونی نمی پذیرد.

جهاد فاطمه علیها السلام

حضرت زهرا(ع) در حالی که شوهرش را به جهاد می فرستاد و در میان خانه کار می کرد و زندگی را سر و سامان می داد و با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم می کرد و عبادت خدا را به بهترین وجه انجام داده و فرزندانش را هم برای جهاد تربیت می کرد، با این همه خود نیز به جهاد پرداخت، جهادی مقدس و بزرگ، بگونه ای که امروز هر کس برای نگارش زندگی زهرا قلم بدست بگیرد ناچار است مبارزه او را با ستمگران بنگارد و آن حوادث افتخار آفرین ولی دردناک را بازگو کند و با صراحت حکومت ستمکاران را رسوا کند، و چنان سیاستمدار و متفکرانه جهاد می کرد که سفارش کرد بعد از شهادتش هم مراسم تدفین او مخفیانه باشد تا این لکه ننگ همیشه بر دامن دشمنانش بیفتد که چرا تنها بازمانده پیامبر بعد از پدر چند ماهی بیش زندگی نکرد و مظلومانه شهید شد و چرا مظلومانه تشییع و مخفیانه دفن شد و قبرش هم مجهول ماند، و آفرین بر این جهاد و جهادگر.

فاطمه از دیدگاه پیامبر اکرم (ص)

و این چنین بود که پیامبر با آن عظمت و بزرگواری چنان در مقابل زهرا احترام می کرد که انسان را مبهوت می کند امام صادق (ع) فرمود: پیامبر فاطمه را بسیار می بوسید عایشه اعتراض کرد پیامبر فرمود: ای عایشه وقتی مرا به آسمان بردند در معراج وارد بهشت شدم، جبرئیل مرا نزد درخت طوبی برد و از میوه آن به من داد خوردم خداوند آن میوه را در صلب من نطفه کرد و چون به زمین آمدم از آن نطفه خدیجه باردار شد و نطفه فاطمه منعقد گشت، هیچگاه او را نمی بوسم مگر اینکه بوی درخت طوبی را استشمام می کنم (۲۸) و فرمود فاطمه حوریه ای است در صورت انسان و مکرر از پیامبر روایت کرده اند که پیامبر نمی خوابید تا اینکه روی فاطمه را ببوسد یا میان سینه او را می بوسید و گاهی صورت خود را بر سینه فاطمه قرار می داد (۲۹) گاهی دست فاطمه را گرفته می فرمود: هر که این را می شناسد که می شناسد هر که نمی شناسد او فاطمه دختر پیامبر است او پاره تن من است، او قلب من است که میان دو پهلوی من است، هر که او را اذیت کرده است (۳۰) هر گاه به سفر می رفت آخرین نفری که میدید زهرا بود و هر گاه از سفر می آمد اولین نفر زهرا بود وقتی وارد مجلس می شد پیامبر بر می خواست و سر او را می بوسید و زهرا را در جای خود می نشاند (۳۱). آری فاطمه دختر نمونه نبوت، و همسر نمونه ولایت است، اگر فاطمه و همسر والامقامش، بر اولاد گرامی او باد. فاطمه ای که حق بر، او سلام می کند ادای ذکر نام او به احترام می کند کسی که پیش پای او، پدر قیام می کند بر در خانه اش سلام، صبح و شام می کند شرق بین که خانه اش، برده سبق ز طور هم حیابین که پوشد او، چهره خود ز کور هم فاطمه ای تو بازگو، فلسفه حیات را ساخته جد و جهد تو سفینه النجاة را زنده نگاه داشتی و آتوالزکاة را حی علی الفلاح را حی علی الصلاة را مزرعه عفاف را ز اشک، آب داده ای به بانوان ز شرم خود، درس حجاب داده ای ای که خدای بی مثل، به کوثر مثل زد دم از جلال و قدر تو قادر ذوالجلال زد نبی زمهر، بضعتی، به سینه ات مدال زد حلقه به باب خانه ات دست علی و آل زد یافته است پرورش، خون خدا ز شیر تو شیر خدا به مرتبت، نظیر تو، بشیر تو به حسن تو که می کند جلوه گر آفتاب را به اشک تو که بشکند قیمت در ناب را به کوی تو که دلم ربوده صبر و تاب را عرض سلام کردم و منتظرم جواب را دریغ از جواب ما به خاطر خدا مکن دست تو سل مرا ز دامت جدا مکن قسمتی از قصیده: سید رضا مؤید

وظایف مرد یا آداب زن داری

وظایف مرد یا آداب زن داری

مرد بعنوان سرپرست خانواده و تنظیم کننده برنامه زندگی، دارای وظائفی است، که باید آن را مراعات کند، از نظر اقتصادی، مرد مسئول تأمین مخارج همسر و فرزندان می باشد و باید در حد توان خود به این مهم پردازد، اما مسئولیت مهم او همان تربیت و اخلاق پسندیده در خانه است، که در بحث خانواده توضیح خواهیم داد، اینک پاره ای از روایات و دستورات اسلامی در رابطه با وظائف مرد نسبت به همسر خویش ذکر می شود.

فرمان خدا در مورد بانوان

((عاشروهن بالمعروف)) خداوند راجع به رفتار شایسته با همسر می فرماید: با زنهای خود به نیکوئی رفتار کنید. (۳۲) آری، این جمله در حین کوتاهی، حدود برخورد با همسر و کیفیت رفتار با او را تعیین می کند و می فرماید مرد نباید در رفتار نسبت به همسر، از حد اعتدال خارج شود، ظلم و بد اخلاقی و بخل و سختگیری، خلاف دستور خداست، همچنانکه رها کردن همسر، مراقبت او نبودن، مطیع کامل زن بودن و خرجهای بیهوده و سستی های ناپسند نیز درست نیست، مرد باید با همسر از حد اعتدال خارج نشود، نه ظلم کند و نه خود را رها و در اختیار همسر قرار دهد. حضرت علی علیه السلام فرمود: هر مردی که امور او را زن بگرداند ملعون است (۳۳)

زن گل است با او مدارا کنید

((فان المرأة ریحانه و لیست بقهرمانه.)) امیرالمؤمنین در ضمن سفارشات خویش به فرزندان محمد حنفیه فرمود: ای پسر من وقتی قوی بر طاعت خدا قوی باش (ظلم نکن، به مردم خدمت کن) و چون ناتوان شدی از معصیت خدا ناتوان باش (حقوق مردم را ضایع مکن) اگر بتوانی که زن را بیش از آنچه مربوط به خود اوست، اختیار ندهی، انجام ده، چرا که این کار جمال زن را پیوسته و خاطرش را آسوده و حال او را نیکو می کند، همانا زن گل است نه قهرمان، با او به هر حال مدارا کن و نیکو برخورد نما تا زندگی تو با صفا شود. (۳۴)

با همسر خود خوب رفتار کنید

((رحم الله عبدا احسن فیما بیته و بین زوجته)) امام صادق علیه السلام فرمود: رحمت خدا بر آن بنده که با همسرش به نیکوی رفتار کند، همانا خداوند زن را در اختیار او قرار داده و او را سرپرست وی کرده است (۳۵) (پس باید با این امانت به خوبی برخورد کند)

با زنها، زیبا صحبت کنید

((فداروهن علی کل حال و احسنوا لهن المقال لعلهن یحسنن الفعالم)) امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن بیاناتی که راجع به صفات ناپسند (برخی) بانوان همانند خودپسندی و تکبر، ناشکری و بی صبری و مانند اینها ایراد نمود و توصیه فرمود که مراقب زنها باشید تا به هلاکت نیفتند و سرپرستی خانواده را به آنها نسپارید فرمود: با زنها در هر حالی مدارا کنید (سخنان تند و زشت بر زبان نیاورید) شاید (در اثر این رفتار نیکویی شما) آنها کارهای خود را درست کنند (۳۶)

اذیت و آزار به همسر مجازات دارد

بزرگی از علماء اعلام و سلسله جلیله سادات که شاید از ذکر نام شریفش راضی نباشد نقل فرمود: وقتی پدر علامه ام را در خواب دیدم و پرسشهایی از ایشان نموده و پاسخهایی شنیدم، پرسیدم: ارواحی که در عالم برزخ معذبند، عذاب و سختیهای آنها چگونه است؟ در پاسخ فرمود: آنچه برای تو که هنوز در عالم دنیا هستی از عذاب برزخ و ناچاری آن می توان بیان کرد مثل آن است که در دره ای باشی و از چهار سمت کوههای بسیار مرتفعی که هیچ توانایی بر بالا رفتن از آنها نباشد تو را بر گرفته باشد و در آن حال گرگی هم تو را دنبال کند و هیچ راه فراری از او نباشد (عذاب برزخ هم چنین است) پرسیدم: آیا خیراتی که در دنیا برای شما انجام داده ام به شما رسیده و کیفیت بهره مندی شما از خیرات ما چگونه است؟ در پاسخ فرمود: بلی تمام آنها به من رسیده است و اما کیفیت بهره مندی از آنها را هم با ذکر مثالی برای شما بیان می کنم. هرگاه در حمام گرم و بسیار پر جمعیتی باشی که در اثر بخار و حرارت، نفس کشیدن سخت باشد در آن حال گوشه درب حمام باز شود و نسیمی خنک به تو برسد چقدر شاداب و راحت و آزاد می شوی؟! چنین است حال ما هنگام رسیدن خیرات شما!

صورت نورانی و لبهای چرکین

ایشان می گوید: چون بدن پدرم را سالم و نورانی دیدم و تنها لبهای او زخمی و آلوده به چرک خون بود از ایشان سبب زخم بودن لبهایش را پرسیدم و گفتم اگر کاری از دست من بر می آید برای بهبود لبهای شما بفرمائید تا انجام دهم؟ در پاسخ فرمود: تنها علاج آنها بدست علویه مادر شما است، زیرا سبب اهانتی بود که در دنیا به او می نمودم و چون نامش سکینه است و هر وقت او را صدا می زدم خانم سکو می گفتم، او رنجیده خاطر می شد، اگر بتوانی او را از من راضی کنی امید بهبودی هست. ایشان از خواب بیدار شده گوید: این مطلب را به مادرم گفتم در جواب گفت: بلی پدر شما هر وقت مرا می خواند از روی تحقیر می گفت خانم سکو و من سخت آزرده و رنجیده می شدم ولی اظهار نمی کردم و احترام ایشان چیزی نمی گفتم و چون فعلا گرفتار و ناراحت است او را حلال نموده و از او راضی هستم و از صمیم قلب برایش دعا می کنم (۳۷)

زن خوب سعادت است

((من سعادة المرأة الزوجة الصالحة)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از خوشبختی مرد، داشتن زن شایسته است (۳۸) زن خوب فرمانبردار پارسا کند مرد درویش را پادشا چو مستور باشد زن خوب روی به دیدار او در بهشت است شوی

دست روی همسر بلند نکنید

((انی اتعجب ممن يضرب امراته و هو بالضرب اولی منها)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: تعجب می کنم از مردی که همسرش را می زند در حالی که خویش مستحق تر است به کتک خوردن. (۳۹) (خود دهها خطا را انجام داده است اما تحمل یک خطا را ندارد).

خشونت و محبت؟!!

((ایضرب احدکم المرأة ثم یظل معانقها)) پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که همسرش را نمی زند چگونه دست در گردن او می کند. (۴۰) (وقتی کانون زندگی باید با شعله های محبت گرم باشد، زدن همسر به شدت از این صمیمیت می کاهد).

گذشت و مروت

آورده اند که مردی زن زیبایی داشت ، چند سالی با کمال خوشی با هم زندگی نمودند ، تا اینکه ناگاه زن در اثر آبله صورتش از زیبایی افتاد . شوهر جوانمردی وی برای اینکه مبادا همسرش از این حادثه خجالت کشد و غمگین شود ، روزی چون سر از خواب برداشت ، شروع کرد به فریاد کردن و گریستن و بر سر و صورت می زد ، زن پرسید چه شد است ؟ گفت : دریغا که هر دو چشم من نابینا شده و جایی را نمی بینم ، و مدت بیست سال باقیمانده عمر خود را با این حال سپری کرد ، تا مبادا همسرش از زشتی رخسارش خجالت کشد .

عفو حق زن است

اسحاق ابن عمار می گوید : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : حق زن بر شوهر چیست ؟ حضرت فرمود : او را سیر کند ، لباس بپوشاند ، و اگر خطائی کرد از او در گذرد . (۴۱) حضرت هود و همسر ایشان حضرت هود یکی از پیامبران الهی است ، او همسر بدی داشت ، اما برایش دعا می کرد ، از علت این کار پرسیدند ؟ فرمود : خداوند هیچ مؤمنی را نیافرید ، مگر اینکه دشمنی دارد که او را اذیت می کند ! دشمن من هم همین زن من است ، اگر دشمنم در اختیار خودم باشد بهتر از این است که من در اختیار دشمنم باشم (۴۲)

پاداش مرد صبور

((من صبر علی خلق امراء سینة الخلق و احتسب فی ذلک الاجر اعطاه الله ثواب الشاکرین)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : هر مردی که اخلاق بد همسر خود را به خاطر پاداش آن ، تحمل کند ، خداوند پاداش شاکرین به او عطا خواهد نمود . (۴۳)

مهربانی و محبت به بانوان

((العبد كلما ازداد للنساء حبا ازداد فی الایمان فضلا)) امام صادق علیه السلام فرمود : بنده هر چه محبتش به بانوان زیادتر شود ایمانش بیشتر فضیلت می یابد (۴۴)

شیرینی جاودانه

((قول الرجل للمرأة انی احبک لا- یذهب من قلبها ابدا)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : شوهری که به همسرش بگوید دوستت دارم ، این سخن همیشه در دل زن خواهد ماند (۴۵) (زیرا بانوان دوست دارند خود را محبوب شوهر ببینند و این اظهار محبت ، نشان دهنده علاقه و موجب محبت نیز می شود .)

سفارش نسبت به زن

((اوصافی جبرئیل بالمرأة حتی ظننت انه لا ینبغی طلاقها الا من فاحشة مینة .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : جبرئیل آنقدر راجع به زن به من سفارش کرد که گمان کردم جز در کار زشت آشکار نمی شود زن را طلاق گفت . (۴۶)

با غیرت باشید

((یا اهل العراق نبئت ان نسائکم یدافعن الرجال فی الطریق اما تستحون لعن الله من لا یغار)) حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای اهل عراق (ای مردم) شنیده‌ام که زنهای شما در راه رفتن با مردها برخورد پیدا می‌کنند، آیا خجالت نمی‌کشید، خدا لعنت کند بی غیرتها را (هیچ لزومی ندارد بانوان برای مسائل جزئی در کوچه و بازار تردد کنند و موجب تحریک و تهییج غرائز دیگران شوند آن هم با عدم رعایت مسائل عفت در لباس و سخن و حرکات خود). (۴۷)

این مرد جهنمی است

((من اضر بامراءه حتی تفتدی منه نفسها لم یرض الله له بعقوبه دون النار .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر مردی که همسرش را آزار دهد تا مهرش را ببخشد و جانش را آزار کند، خداوند به کمتر از جهنم او راضی نخواهد شد. (۴۸)

بهشت بر او حرام است

((حرمت الجنة علی الدیوث)) حضرت صادق علیه السلام فرمود: بهشت بر دیوث حرام است (کسی که از آمیزش همسرش با اجانب ناراحت نیست) (۴۹)

از اعدام تا شهادت به خاطر پنج خصلت

امام باقر علیه السلام فرمود: چند اسیر (مشرک و بت پرست که جز اسلام از آنها پذیرفته نشود و آنها هم اسلام را نپذیرفته بودند) نزد پیامبر آوردند، حضرت دستور داد ایشان را بکشند، لیکن یکی از ایشان را جدا نمود، آن مرد گفت: چرا مرا آزاد کردی؟ حضرت فرمود: جبرئیل از طرف خدا به من خبر داد که تو پنج خصلت داری که خدا و رسول او آن را دوست می‌دارند، نسبت به خانواده خودت به شدت غیرتمند هستی، سخاوت و خوش خلقی و راستگوئی و شجاعت داری، آن مرد که این سخن را شنید مسلمان شد و اسلامش نیکو گردید و با پیامبر جهاد کرد تا شهید شد (۵۰)

بی غیرتی پستی است

((کان ابی ابراهیم غیورا و انا اغیر منه و ارغم الله انف من لا یغار من المؤمنین .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پدرم ابراهیم با غیرت بود و من از او با غیرت ترم، خدا به خاک مالده بینی آن مؤمنی را که غیرت ندارد (۵۱) (شوهر باید تا می‌تواند همسر خود را از معاشرت نامشروع در اعمال و مجالس حفظ کند، بی حجابی یا بد حجابی، شوخی با اجانب و شرکت در محافل نامحرم بدون ضرورت، از کم غیرتی مرد است).

همسرانتان را حفظ کنید

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به پدران خود نیکی کنید تا فرزندانان به شما نیکی کنند، نسبت به زنان مردم عفت پیشه کنید تا زنان شما با عفت باشند. (۵۲) این هم صدقه است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی فرمود: آیا امروز را روزه داری؟ (گویا جمعه بوده است) گفت: نه. فرمود: به فقیری غذا داده‌ای؟ گفت: نه. فرمود: برو نزد خانواده‌ات که این خود انفاق است. (۵۳)

بیشترین خیر در زنهاست

((اکثر الخیر فی النساء)) امام صادق علیه السلام فرمود: بیشترین خیر در زن‌هاست (شکم مادر و اخلاق و پرورش او سرمنشاء استعداد و پیشرفت هر خدمتگذار و خیراندیش است). و می‌شود معنای حدیث این باشد که: نسبت به بانوان نیکی بسیار نماید. (۵۴)

سه نعمت بی حساب

((ثلاثه لا- یحاسب علیهن المؤمن من طعام یا کله و ثوب یلبسه و زوجة صالحة تعاونه و یحصن بها فرجه)) امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که بر مؤمن حسابرسی ندارد، غذایی که می‌خورد، لباسی که می‌پوشد، و زن نیکویی که او را یاری داده و شهوت خود را به او کنترل می‌کند. (۵۵)

اینجا اطاعت نکنید

حضرت امیر علیه السلام فرمود: هر که در چهار چیز به حرف زنش گوش دهد، خداوند به صورت، او را در آتش افکند، گفتند آنها چیست؟ فرمود: در پوشیدن لباس نازک، در رفتن به حمامها (زیرا رعایت عفت کلام و بدن را نمی‌کنند) در رفتن به عروسی (زیرا رعایت حجاب و جدائی زن و مرد نمی‌شود بعلاوه بد زبانیها، چشم و هم چشمی و تفاخر بی جا و بهانه جوئیها از اثرات این مراکز است) و نوحه خوانیها (۵۶) (که سابقا برای اموات خود می‌گرفتند و زنها مراعات مسائل اسلامی را نمی‌کردند، بطور کلی مرد باید مراقب رفت و آمدهای همسر خود باشد و او را از رفتن به مجالسی که زمینه ساز فساد و موجب وسوسه شیطانی می‌باشد منع کند.)

به سخن این زن گوش ندهید

((طاعة المرأة ندامة)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اطاعت کردن از زن پشیمانی آورد (۵۷) مؤلف گوید: شاید منظور از این حدیث و امثال آن، اطاعت از بانوانی است که عقل و دین آنها اسیر هواها و هوسهای بی مورد است، همچنانکه در بسیاری از افراد مشاهده می‌شود، بانوانی که توقعات بی جا از شوهران خویش دارند و بدون در نظر گرفتن ضروریات زندگی و درآمد و شئونات خانواده چه بسا روی چشم و هم چشمی و یا احيانا احساسات بی جا، در خواستهائی می‌کنند، انجام این دستورات موجب ندامت است، آن بانویی که از روی کم فکری، شوهرش را تشویق به جدائی از پدر و مادر و یا فامیل می‌کند اطاعتش ندامت می‌آورد، آن بانویی که شوهرش را وادار به حرام و مخارج حرام و یا بیهوده می‌کند اطاعتش موجب ندامت است، آن بانویی که هنگام جنگ و شهادت، شوهر و فرزندانش را تشویق به سستی می‌کند اطاعتش موجب ندامت است، آن بانویی که شوهرش را و یا دختری که پدرش را تشویق به خریدن وسائل گمراه کننده و یا تفریحات ناسالم و یا مجالس گناه و یا خریدن لباسهای ناهنجار می‌کند اطاعتش موجب ندامت است، خلاصه آنکه بانوان باید در خواستههای خود را مطابق عقل و درایت و دین قرار دهند نه طبق احساسات و هوسهای بیهوده همچنانکه مردها باید در انجام تقاضاهای بانوان طبق عقل و درایت و دین عمل کنند و زمام زندگی را خود بدست گیرند نه همسرانشان.

مشورت با همسر شایسته او را سعادت مند کرد

امام هفتم موسی ابن جعفر علیه السلام فرمود: در بنی اسرائیل مرد شایسته ای بود که همسر شایسته ای نیز داشت، شبی در خواب

دید که به او خبر دادند، عمر تو فلان مقدار است و چند سال را برای او معین کردند، و به او گفتند: خداوند مقدر کرده است نصف عمرت را در وسعت و ثروت باشی و نصف دیگر را در تنگدستی باشی، حالا خودت انتخاب کن، کدامیک را می خواهی اول بگذرانی؟ آن مرد در خواب جواب داد: من همسر شایسته ای دارم که شریک زندگی من است، با او مشورت می کنم و جواب می دهم، چون صبح شد خواب خویش را با همسرش در میان گذاشت، زنش گفت: نیمه اول را انتخاب کن، اول در عاقبت باشیم، شاید خداوند به ما رحم کند و نعمت خود را بر ما تمام کند. شب بعد، همان شخص به خواب او آمد و پرسید: تصمیم تو چه شد؟ آن مرد گفت: نیمه اول را انتخاب کردم، قبول شد، از آن به بعد دنیا از هر طرف به او رو کرد و نعمتش زیاد شد، همسرش به او گفت: به فامیلت و نیازمندان رسیدگی کن، به همسایه و برادرت خدمت کن و بخشش نما، تا اینکه نیمه اول تمام شد و آن وقت موعود فرا رسید، باز آن مرد را در خواب دید، اینبار به او گفت: خداوند متعال از این کار خیر تو تشکر نمود و مقدر نمود تا آخر عمر خود را در رفاه و ثروت زندگی کنی. (۵۸)

خیر دنیا و آخرت در چهار چیز است

نوه امام مجتبی علیه السلام از مادرش دختر امام حسین علیه السلام و ایشان از امام حسین و ایشان از پدرشان حضرت علی علیه السلام و ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: کسی که در دنیا به او چهار چیز داده شد، خیر دنیا و آخرت را به او داده اند، و بهره خود را از دنیا برده است (۱) ورع و پرهیزکاری که او را از حرام باز دارد (۲) اخلاقی که میان مردم زندگی کند (۳) بردباری که با آن نادانی مردم را دفع کند (۴) زن شایسته ای که او را در دین و دنیا کمک دهد (۵۹)

صفاتیکه زنان در مردان می پسندند

تو مرد رهی واقف راه باش ز حال زنان نیز آگاه باش ۱ - مال و ثروت، چرا که موجب رونق خانه و زندگی و زیبایی جامه و خانه می شود و این امور مورد توجه بانوان است، اما مرد می بایست با عقل و فکر در تاءمین این گونه خواسته ها اقدام کند. ۲ - قدرت و توانایی، چرا که زن و مرد را نگهدار خود می داند و می خواهد پشتیبان او قوی باشد. ۳ - مردانگی و غیرتمند بودن مرد. ۴ - استقلال در زندگی، بگونه ای که مرد آزادانه زندگی کند و زیر بار منت دیگری نباشد. ۵ - میان مردم با آبرو و با شخصیت باشد. ۶ - اهل سخن و شیرین کلام و شوخ باشد چرا که زن از مرد خاموش و بی سرو صدا رنج می برد. ۷ - وضع سر و لباس او تمیز و زیبا و مرتب باشد. ۸ - گاهی با هدیه و سوغاتی و گاهی با سخن علاقه خود را ابراز کند. ۹ - گاهی سخنان و کارهای زن را تحسین کند. ۱۰ - رعایت ادب و نزاکت را بکند. ۱۱ - خوش سلیقه باشد و نسبت به کارهای زن در خانه بی تفاوت نباشد، بلکه به آنها نظارت کند و اگر سستی یا ناهنجاری مثل کثافت و بی انضباطی دید بی تفاوت نباشد و گرنه زن نیز سرد و بی تفاوت می شود.

چهار چیز کمر شکن

پیامبر اکرم به حضرت امیر علیه السلام در ضمن سفارشات خود فرمود: یا علی چهار چیز، پشت انسان را می شکنند، (یعنی بسیار سخت و گران و غیر قابل تحمل است) (۱) پیشوایی که معصیت خدا می کند ولی حرفش را گوش می کنند. (۲) زنی که شوهرش او را مراعات می کند ولی او به شوهر خیانت می کند. (۳) تنگدستی که صاحب آن چاره ندارد. (۴) همسایه بدی که در محل اقامت دائمی انسان باشد. (۶۰)

این زن نفرین کرد و خودش مرد

مردی با زنش نزد حضرت صادق آمد و از بد اخلاقی زن خود شکایت کرد، حضرت به آن زن فرمود: چرا شوهرت از تو شکایت می‌کند، زن شروع کرد به شوهرش نفرین کردن، حضرت فرمود: اگر همینطور (بر این کنیه و بر اخلاقی و نفرین) ادامه دهی بیش از سه روز زنده نیستی، زن (با گستاخی) گفت: برایم مهم نیست که هرگز او را نبینم (یعنی بمیرم و راحت شوم) در روایت است که این زن بیش از سه روز عمر نکرد و مرد. حضرت صادق علیه السلام فرمود: این زن متجاوز بود و خداوند عمرش را کوتاه کرد و شوهرش را راحت نمود. (۶۱)

طلا باشید نه خاک!

حضرت صادق علیه السلام فرمود: زن گردن‌بند است، توجه کن چه چیزی به گردن می‌آویزی، برای زن قیمت (مشخصی) نیست، نه خوبش و نه بدش، اما خوبان‌شان را با طلا و نقره برابری نمی‌کنند چون طلا و نقره بهترند، اما زن بد، ارزش (مشتی) خاک را هم ندارد، خاک از آن بهتر است (زن خوب همواره سعادت آفرین و زن بد سبب سیاه کردن زندگی می‌شود و هیچکدام از این دو بهتر با طلا و خاک قابل مقایسه نیست) (۶۲)

پیری زودرس

((کان من دعا رسول الله صلی الله علیه و آله اعوذ بک من امراه تشینی قبل مشیی .)) امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از دعا‌های پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که خدایا به تو پناه می‌برم از همسری که قبل از پیری مرا پیر کند. (۶۳) دل آرام باشد مرد نیکخواه و لیک از زن بد خدایا پناه با این سخن اعمال زن باطل می‌شود ((ایما امراه قالت لزوجها ما رایت قط من وجهک خیرا فقد حبط عملها)) امام صادق علیه السلام فرمود: هر زنی که شوهر خویش بگوید از تو خیری ندیده‌ام، اعمالش باطل می‌گردد. (۶۴)

دستورهای بیجا ندهید

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی که با شوهر مدارا نکند و او را به آنچه نمی‌تواند وادار کند، خداوند هیچ کار خوبی از او قبول نمی‌کند و خدا را در حالی که بر او خشمگین است ملاقات می‌کند. (۶۵) بلای سفر به که در خانه جنگ تهی پای رفتن به از کفش تنگ بلای سفر به که در خانه جنگ به زندان قاضی گرفتار، به که در خانه بینی بر ابرو گره در خرمی بر سرایی ببند که بانگ زن از وی برآید بلند کسی را بینی گرفتار زن مکن سعد یا طعنه بروی مزن تو هم جور بینی و بارش کشی اگر یک سحر در کنارش کشی

بر زنها هم حرام است

((اشتد غضب الله علی امراه ذات بعل ملات عینها من غیر زوجها)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خشم خدا شدید است بر زن شوهرداری که چشم خویش را با نگاه به اجانب پر کند. (۶۶) (نگاه زن هم به نامحرم مثل نگاه مرد به زن اشکال دارد).

سه چیز شوم

راوی گوید نزد امام صادق علیه السلام سخن از شوم بودن می کردیم ، حضرت فرمود : شومی در سه چیز است در زن و اسب و خانه ، اما شومی زن در زیاد بودن مهر او و ناراحت کردن شوهر است و اما اسب ، شومی او را رام نبودن او و چموشی آن است و اما خانه شومی آن در تنگ و کوچک بودن آن و بدی همسایه ها و عیوب زیاد داشتن است . (۶۷)

جزای سرکوفت زدن بر شوهر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : اگر تمامی آنچه روی زمین از طلا و نقره را زنی به خانه شوهر ببرد ولی یکروز بر شوهرش سرکوفت زند و بگوید تو چه کاره ای مال خودم است ، اعمال او باطل می شود و لو از عابدترین مردم باشد مگر اینکه توبه کند و برگردد و از شوهرش معذرت خواهی کند . (۶۸) و در حدیث دیگری فرمود : هر زنی که بر شوهرش بخاطر مالش منت گذارد و بگوید تو از دارائی من می خوری ، اگر تمام آن مال را در راه خدا صدقه دهد خداوند از او قبول نمی کند مگر اینکه شوهرش از او راضی شود . (۶۹)

زن و تقاضای طلاق

((ایما امراء ساءلت زوجها الطلاق من غیر بئس فحرام علیها راتحة الجنه .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : هر زنی که به دلیل از شوهرش تقاضای طلاق کند بوی بهشت بر او حرام است . (۷۰)

واسطه ملعون

من عمل فی فرقه بین امراء و زوجهان کان علیه غضب الله و لعنته فی و الاخره .)) پیامبر اکرم (ص) فرمود : هر که برای جدائی زن و شوهری گام بردارد خشم و لعنت خدا بر او است در دنیا و آخرت . (۷۱)

خداوند از طلاق نفرت دارد

همانا خداوند جائی که در آن عروسی واقع شود دوست می دارد و جائی که در آن طلاق واقع شود دشمن می دارد ، خداوند از هیچ کاری مثل طلاق نفرت ندارد . (۷۲)

صفات پسندیده و ناپسند شوهر

پیامبر اکرم (ص) فرمود : از بهترین مردان شما مرد با تقوی و پاکیزه و دست باز است که نگاه او سالم باشد (به نامحرم نظر نکند) و به پدر و مادرش مهربان بوده و عیان خود را به دیگری محتاج نکند و فرمود : از بدترین مردان مرد تهمت زننده ای است که بخیل و بد دهن باشد ، تنها غذا خورده ، میهمان دوست نباشد ، همسر و خدمتکار خویش را بزند و عیال خویش را به دیگری محتاج کند و پدر و مادرش را اذیت نماید . (۷۳)

صفات پسندیده و ناپسند زن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : آیا به شما بگویم بدترین زنها کیست ؟ زنی است که در میان خانواده خودش خوار بوده ولی نزد شوهرش تکبر می کند ، نازا و کینه توز است ، از کار زشت پرهیزی ندارد ، وقتی شوهرش نیست زینت خود را به دیگران

نشان می دهد، ولی بر شوهرش امتناع می کند، به سخن شوهرش گوش نمی کند و اطاعت او نمی نماید، وقتی شوهر با او - در کامیابی - خلوت می کند، همانند مرکب چموش امتناع می کند، همو که نه عذری می پذیرد و نه از خطائی می گذرد. و فرمود: بهترین زنهای شما زنی است بچه زا و مهربان و با عفت باشد، نزد خانواده - پدر و مادر - عزیز و نزد شوهر متواضع باشد، زیبایی و زینت خود را وقف شوهر کند و از دیگران بپوشاند، سخن شوهر را گوش کند و از او اطاعت نماید، و چون شوهر با او خلوت کند خواسته او را انجام دهد، و همانند مردها اظهار شوق در زناشویی - نکند (بلکه خود را نگه دارد و متین باشد تا نزد شوهر عزیز گردد). (۷۴)

محبت اساس موفقیت خانواده

اعضاء یک خانواده که رکن مهم آن زن و شوهر هستند، گذشته از ضرورت‌هایی که آنها را دور هم جمع می کند، باید از پیوندی مقدس و درونی که همان محبت و احساس علاقه به یکدیگر است، برخوردار باشند. زن و شوهر نباید به حکم ضرورت، با هم زندگی کنند، در هنگام ساختن یک بنا، میان آجرها هرگز علاقه در کار نیست، فقط به حکم ضرورت در کنار هم قرار گرفته اند. ولی در کانون خانواده چطور؟ آیا در زندگی مشترک آنها هم باید به حکم ضرورتها و ناچاریها با هم باشند؟ مسلماً خیر، کانون خانواده باید از بنیاد محکمتری که همان علاقه و محبت است، برخوردار باشد، حکمت متعالیه حضرت حق، در یک حسابرسی و نقشه کشی دقیق بهترین فرصت را برای پی ریزی این بنیاد در اوائل ازدواج ایجاد کرده است، شور و نشاط جوانی، شهوت و احساس محبت بسیار به همسر در اوائل ازدواج، فرصت طلائی است که همراه با پیوند جنسی، پیوند دو قلب هم انجام گیرد و این عروس و داماد هستند که باید از این فرصت و بهانه، نهایت استفاده را بکنند، و با انجام عوامل محبت آن را به گونه ای گسترش دهند که تا پایان عمر همدیگر را دوست و دلسوز هم بدانند. اخلاق در خانواده: فرصت طلائی برای پیوند جاودانه عروس و داماد باید توجه داشته باشند آن شور و عشق اولیه ازدواج که به خاطر مسائل جنسی و تازگی آن موجب علاقه شدید آنها نسبت به یکدیگر شده است تا آخر عمر خود بخود باقی نمی ماند، اگر از این فرصت طلائی برای ایجاد پیوند عمیق دوستی و حقیقی میان خود در ماورای مسائل جنسی استفاده نکنید، هنگام رنگ باختن مسائل جنسی، دچار مسائل عدیده ای خواهید شد که چه بسا تا آخر عمر دست به گریبان شما خواهد بود. این شور و علاقه اگر فقط بر مبنای مسائل جنسی باشد پس از مدتی نه چندان طولانی حساسیت خود را از دست می دهد و واقعیت زندگی بعد مهم زندگی می شود، زیرا آن هیجان‌ها و تحرکات شهودی و جذبه های اولیه از کار افتاده و آن میل شدید کاسته شده و کسانی که موفق شده باشند در آن فرصت محبت خود را در دل یکدیگر جا کنند، پشتوانه ای محکم جایگزین آن نموده اند که تا آخر عمر ضامن اجرائی سعادت آنان خواهد بود. و مادر این مبحث بر آنیم که توفیق الهی راههای ایجاد این محبت را که پایه یک زندگی شیرین است جستجو کنیم، تا بتوانیم اعضای خانواده را مثل دو دوست در کنار هم داشته باشیم و دوست نداریم که پس از گذشت مدتی از سر آغاز ازدواج، وقتی که واقعیات زندگی نمایان شد و گرد و غبار شهوات کاسته شد، زن و شوهر خود را نسبت به یکدیگر بی علاقه ببینند. زندگی نباید بگونه باشد که با هم بسازند، سازش بوی جنگ و سپس تظاهر به صلح از روی ناچاری می دهد، باید با هم بجوشند، غمخوار یکدیگر باشند، از دیدن یکدیگر لذت ببرند، نشاط می یابد، سرمست می شود و روحیه می گیرد - خلاصه دلها باید با هم باشد نه جسم تنها، آن خانواده ای که اساس آن بخاطر ناچاریها است زندان است نه خانه، آن زن و شوهری که به خاطر فرزندانشان با هم هستند و می ترسند اگر جدا شوند فرزندانشان ضایع گردند، خانه آنها اداره است، میان زن و شوهر اگر غیر از محبت چیز دیگری سبب اجتماعشان گردد موفق نخواهند بود، و اعضای خانواده چه زن و چه شوهر به سختی باید مراقب باشند و این حقیقت را با تمام وجود درک کنند و بپذیرند که خانه، زندان نیست و آنها هم سلولی نیستند، خانه اداره نیست و آنها مثل دو کارمند نیستند، خانه

میدان جنگ نیست و آنها در مقابل دشمن قرار ندارند، اینها هیچ نیست، خانه کانون گرم صفا و محبت است و در یک کلمه خانه محیط دوستانه زندگی است و ازدواج یک اشتراک و همکاری مقدس برای رسیدن به سعادت می باشد.

نیاز به محبت

مسائل و احتیاجات زندگی نباید زن و شوهر را از توجه به نیازهای یکدیگر و شخصیت آنها غافل کند، زوجین باید دقت کنند، حتی اگر دنبال زندگی شیرین هستند باید در درجه اول همسر خود را سالم و با نشاط داشته باشند، اگر هزاران وسیله رفاهی فراهم شود اما دل خوش و نشاط نباشد زندگی شیرین نیست. حتی اگر یکی از طرفین از روی کومه فکری به فکر سعادت و رفاه خود بیش از طرف دیگر هم باشد باز باید کاری کند که نشاط و سلامتی روحی و جسمی همسر خود را به بهترین وجه فراهم کند، گرچه اساس این تفکر که همسر خود را فقط به خاطر بهره‌وری و سودجویی یکطرفه خواستن، فکری خام و ابلهانه است. در این راستاست که باید به شدت مراقب باشند، تا حقیقت هستی و رنگ حساس همسر خود که همان روح و روحيات اوست نه تنها لطمه نخورد که از نشاط و سلامتی بیشتری برخوردار شود. همه می دانیم زندگی مشکلات دارد، موانع و سختیها در راه خواسته های به حق یا ناحق موجود است و مهمترین عامل موفقیت در مبارزه با مشکلات، استقامت و همت و دلگرمی است، روحیه شخص خود باخته و دلسرد و بی رمق در مقابل کوچکترین حوادث از گاهی کوهی می سازد، تا چه رسد به کوه مشکلات، اینجا چه باید کرد؟ یک همسر شایسته مخصوصا بانوان چه باید بکنند؟ آیا باید صرف نظر از مشکلات شوهر و مسائل درونی و بیرونی او، به فکر توقعات خود اگر چه بجا هم هست، باشند؟ و نه تنها موجب دلگرمی نشده که روحیه او را خرابتر گردانند؟ هرگز. در این موارد بیش از خواسته های خود سعی کنید به فکر همسران باشید، با محبت و ملاحظت و اظهار لطف و صفا و انجام نمودهایی از تواضع و خوش رفتاری، روح او را آرامش داده و موجب شوید خانه محیط آرام بخشی برای او باشد و شما باعث تجدید قوای روحی و جسمی او باشید - حالا که بسیاری از مردم اجتماع بر خلاف دستورات دین و مکتب اهل بیت علیهم السلام و بر خلاف وجدان و عقل خود، گرگ صفتی پیش گرفته اند، و منتظرند با کوچکترین بهانه، یکدیگر را پاره کنند، و همچون گرگها بر سر منافع مادی به جان یکدیگر افتاده اند، سعی کنید که محیط خانه برای وی جای امنی باشد به دور از این جنگ و گریز.

راه کمک به همسر و دلگرمی در زندگی

خستگی مال روح است نه جسم و نه مشکلات، درد و رنج مال روح است نه بدن، ترس و بزدلی مال روح است نه بدن، خود باختگی مال روح است نه بدن، خلاصه مرکز اصلی اغلب صفات انسان روح است، گرچه زمینه آن در مسائل مادی ایجاد می شود، مشکلات در خارج وجود انسان پدید می آیند، ولی روح خسته می شود. آنچه سخت است وجود مشکلات نیست، بلکه سختی در خستگی روح است، والا روح بلند و پر استقامت از مقابله با مشکلات نه تنها ضرر نمی بیند که آبدیده تر هم می شود و بر تجربیات خود نیز در مقابله با مشکلات می افزاید. مشکل حقیقی این است که سختیهای زندگی روح کسی را افسرده و خسته و بی طاقت کند، روح اگر افسرده باشد دچار بزرگترین نقصها شده است گرچه هیچ مشکلی در زندگی مادی نداشته باشد، و برعکس روح اگر با نشاط و نیرومند شد بزرگترین موفقیتها را داشته و بدست خواهد آورد، گرچه مشکلات چون کوهها بر سر راه او باشند. راه موفق شدن در زندگی برای هر کسی در مقابله با مشکلات و سختیها یکی از دو راه است: ۱- برداشتن مشکلات خارجی و موانع ۲- تقویت روحیه، راه اول، راهی است که اغلب مردم به آن می اندیشند و آن را تنها راه حل مشکل نیز می پندارند، و سعی می کنند که این مشکلهای بوجود نیاید و اگر هم آمد می خواهند همانها را برطرف کنند، و به همان نیز قانع هستند، و هر کس را نیز بدون مشکل مادی یافتند خوشبخت می دانند و طبعاً هر که مشکلات مادی دارد همچون فقر و مرض و شغل

پائین و غیره بی چاره و ناکام می‌پندارند، و این طرز فکر در عکس العمل مردم نسبت به طبقات جامعه کاملاً هویدا است. و لذا چون راه حل این مشکلات را در بر طرف کردن آن می‌دانند، اگر نتوانند مثلاً به یک بیمار کمک کنند و یا نیاز نیازمندی را بر طرف کنند، خود را ناتوان از کمک به وی می‌بینند، در مسائل خانوادگی هم اگر با این سطح فکر رفتار کنیم، چه بسا همسری بگویید من که نمی‌توانم در مسائل مالی، اداری و غیره به او کمک کنم، پس وظیفه‌ای ندارم. اما راه حل دومی نیز هست که بسیار مؤثرتر و مفیدتر نیز خواهد بود، به این صورت که انسان توجه کند، فشار مشکلات بر روح آدمی است، لذا با تقویت روحیه خود و یا کسی که درگیر مشکلات است او را در مقابله با مشکلات قدرتمند گرداند، کاری کند که خود بتواند مشکلاتش را بر طرف کند، یعنی درست از همان راهی که مشکلات فشار می‌آورند، آن را بر طرف کنیم، اینراه از جهتی بسیار آسان تر و عمومی تر خواهد بود، و بسیار نیز مؤثر می‌باشد. وقتی کسی را یافتند که در اثر مشکلات تحت فشار روحی قرار دارد نگران است و دلگرمی را از دست داده، روحیه او را تقویت کنید، تفاوت و امتیاز مهم این راه از روش اول این است که اگر بخواهیم مشکلات خارجی را بر طرف کنیم، چون مشکلات انواع مختلف دارند، یک نفر نمی‌تواند از هر جهت به او کمک کند. همچنانکه تعداد زیاد مشکلات اگر با کمک مداوم توأم باشد موجب تنبلی و وابستگی روحی می‌شود و امکان کمک هم برای امثال همسران نیست، بر خلاف روش دوم که ربطی به زیادی مشکلات و تنوع آنها و مخراج گسترده ندارد. گفتن چند جمله سنجیده و مؤثر، همراه با اخلاق و رفتار محبت آمیز و تشویق صمیمانه، بهترین کمک برای تقویت روحیه است چه از معلم به شاگرد، یا همسر به همسر، یا پدر به فرزندان و دیگران. بعد از بیان آن مقدمه عروس و داماد می‌توانند بخوبی رمز همیاری و خدمت به یکدیگر را دریابند. اگر ساختمان وجودی هر انسانی به گونه‌ای است که خواه یا ناخواه در مقابل تشویق و دلگرمی و صمیمیت و محبت قوت می‌گیرد و متاثر می‌شود. چرا از این وسیله مهم در راه موفقیت زندگی استفاده نکنید؟ با محبت و ایجاد علاقه و اخلاق خوب و مودبانه و صفا و صمیمیت می‌توانید پشوانه محکمی برای زندگی خود و موفقیت شوهر در مقابله با مشکلات و در نتیجه سعادت خود فراهم کنید.

انسان نیازمند و تشنه محبت است

انسان هر قدر هم که بزرگ باشد، چه از نظر سن و یا مقام، باز از تنهایی گریزان است، احتیاج به دوستی صمیمی و یکرنگ دارد، دوست دارد علاقه خود را برای کسی که نسبت به وی علاقه مند است صرف کند، بشرط آنکه طرف او واقعا طرف به وی علاقه مند باشد. زوجین باید سعی کنند، این نیاز را بر طرف کنند، یعنی از نظر دوستی نیز یکدیگر را غناء کنند، اگر پای محبت در میان آمد، فضای محبت و عالم دوستی و شور و هیجان محبت، عالم دیگری دارد با آثار و روشهای مخصوص بخود. خلاصه آنکه در فضای محبت معادلات و معیارها بطور کلی دگرگون می‌شود، و انسان به جهت ساختمان روحی خود مثل یک ماهی می‌ماند که در فضای محبت، نشاط می‌یابد و رشد می‌کند، خطاها، سختی‌ها، کمبودها، مرضها، همه و همه جلوه دیگری دارند، تو گوئی اکسیری است که اگر به سخت ترین مشکلات زده شود آن را راحت و زیبا می‌کند. افسوس که قدر این گوهر و ارتباط و تاءثیر آن در زندگی خانوادگی و اجتماعی ناشناخته است. انسان تشنه محبت است، اگر آب زلال محبتی از کسی یافت با تمام وجود به او علاقه مند می‌شود و انس می‌گیرد و گرنه بناچار وقتی آب زلال و شیرین نبود به آب شور هم بسنده می‌کند. برای همسران آب شیرین، و گوارائی باشید در محبت، و غذای لذیذ و خوشمزه‌ای از محبت تدارک ببینید که مشتاقانه بسوی خانه آید، نه آب شور دوای تلخی که بناچار باید خورد و تحمل کرد. شرط اول محبت، شناخت روحيات همسر است. اولین قدم برای ایجاد محبت شناخت یکدیگر و روحيات طرفین است، اینکه یک سلسله مفاهیم و دستورات را شما یاد بگیرید و بدون درک موقعیت مناسب همسران آن را بکار برید چه بسا برعکس نتیجه می‌دهد. خلاصه آنکه عقل و هوش و درایت و ذکاوت همسر در

این راه مهم‌ترین وسیله برای موفقیت است. اینکه شوهر یا همسر شما از چه چیز خوشحال می‌شود و یا ناراحت می‌شود؟ نسبت به چه کسانی یا چه کارهایی علاقه مند است؟ چه وقت خسته است؟ چه وقت باید او صحبت کرد و چه صحبتی باید کرد؟ چه موقع باید نیازهای مادی خانواده یا خود را بازگو کنید، در چه شرائطی باید گله کرد؟ چگونه باید گفت؟ اینها از اموری نیست که بتوان برای آن مقررات دقیقی وضع کرد. هر انسانی در شرائط خاص خود بسر می‌برد، چه زن و چه مرد، روحیات او در اثر خانواده و اجتماع و مدرسه و غیره به اشکال مختلف شکل گرفته است. این همسر هوشمند و عاقل است که در رهگذار زندگی باید همسر خود را درک کند، او را و موقعیت خانوادگی و اجتماعی و اخلاقی او را درک کند. همچنانکه اغلب همسران نسبت به لباس و غذا و یا کیفیت آرایش دلخواه یکدیگر آگاهی می‌یابند و سعی می‌کنند حتی المقدور آن را رعایت کنند، مثلاً یک بانوی هوشمند سعی نمی‌کند غذائی درست کند که فقط خودش علاقه مند به آن است و شوهرش از آن متنفر است. درست همین روش را باید در تمامی مسائل زندگی پیاده کرده، و این احتیاج به شناخت همه جانبه از همسر دارد.

با توقعات و روحیات نامطلوب چگونه باید برخورد کرد؟

البته معلوم است منظور روحیات فاسد و ضداسلامی همسر شما نیست در مقابل روحیات فاسد و نامناسب همسر باید ایستادگی کرد اما نه بگونه که نه تنها از آن اخلاق دست نکشد بلکه به شما هم بدبین شود خاص و موقعیت سنجی همراه با لطف و محبت می‌خواهد. اگر همسران احساس کند شما دوست او هستید، سخن دوستانه مخصوصاً از یک دوست قابل پذیرش است. ولو سخت باشد، اما اگر شخصیت او را در این راستا نادیده گرفتید، نه تنها از اخلاق نامناسب خود دست نمی‌کشید بلکه نسبت به شما نیز کم علاقه می‌شود.

هر سخن جانی و هر نکته مقامی دارد.

هرگاه خواستید چیزی تقاضا کنید، نباید فقط به فکر گرفتن تقاضای خود باشید و به هر قیمتی شده آن را بدست آورید، این کار مناسب محیط خانواده نیست بلکه به میدان جنگ و یا جنگل شبیه تر است. مثلاً شما برای خودتان یا فرزندانان لباس می‌خواهید، شوهر شما وارد خانه می‌شود، بدون در نظر گرفتن موقعیت، شروع می‌کنید به درخواست کردن، و چه بسا که عکس العمل تند او - گرچه نابجاست - روبرو می‌شوید و دنبال آن ممکن است مسئله ادامه یابد و کم کم عواقب سوء پیدا کند، و با زیاد شدن تدریجی کدورتها رشته محبت پاره می‌شود. ولی یک بانوی عاقل می‌داند هنگامی که هنوز شوهر خستگی کار روزانه را بر دوش می‌کشد و برای استراحت به خانه آمده، وقت گذاشتن کار دیگری بر عهده وی نیست، او باید صبر کند تا شوهر خستگی بگیرد، سپس با وی راجع به مسائل مختلف اندکی صحبت کند، چه بسا در امور زندگی دچار مشکلاتی باشد، اعصابش در اثر حادثه ای کوفته شده باشد، مخارج تازه ای برایش پیش آمده باشد، که اگر بی حساب و کتاب، تقاضا کند مسلماً جواب منفی خواهد گرفت، و اگر موقعیت مناسب بود با نرمی و از روی محبت، تقاضای منطقی خود را بنماید.

این همسر اشتباه می‌کند.

آن همسرانی که گمان می‌کنند اگر با سرسختی و درشتی و به زحمت انداختن همسر خود خواسته خود را تحمیل کرده به دست آورده اند، زیرک و موفق هستند، بسیار در اشتباهند، آنها مثل کسی هستند که برای خرید قند به مغازه ای رفته بود، صاحب مغازه که سنگ ترازوی او از گل پخته بود، مقداری در ترازو گذاشت، رفت تا قند را بیاورد. خریدار که به خوردن گل عادت داشت، موقعیت را مغتم شمرد و شروع کرد مقداری از آن گل در ترازو را خوردن، صاحب مغازه هم متوجه نشد و با آن گلهای

قند را کشید و تحویل داد، خریدار بیچاره خوشحال از اینکه زرنگی کرده و صاحب مغازه را فریب داده و گل او خورده است، رفت غافل از اینکه کم شدن گل موجب کم شدن قند او شده است و او به خود ضرر زده است. آری، آن همسری که خوشحال است از اینکه با سختی و ایجاد ناراحتی به خواسته خود رسیده، در حقیقت با بدست آوردن آن خواسته، سنگ زیرین زندگی که همان محبت و علاقه است را به یک یا چند خواسته فروخته است. محبتی که شیرین تر از قند است را داده و گل آلوده ای را که با ناراحتی همراه شده گرفته است.

کیفیت محبت و ابعاد آن در انسان

هر انسانی بر حسب بافت روحی عقائد و ارزشهای مسلط و یا مهمی که دارد، مسائل و اموری برای او اهمیت می یابد و به نسبت شدت و ضعف شکل گیری روح و فکر او نسبت به امور مختلف، از خود عکس العمل نشان می دهد، انتظار اینکه اگر کسی به چیزی یا انسانی، علاقه داشت تحت هر شرایط و هر شکلی محبت را حفظ کند، بدون در نظر گرفتن ارزشهای مهم و مسلط روحی و فکری وی، جاهلانه است. اینکه انسان به چه چیز باید اهمیت دهد و چه چیزی لایق است که بیش از هر چیزی محبت انسان را جلب کند و محبوب انسان شود یک مسئله است؟ و اینکه دوست و همسر یا پدر و مادر چه چیز را در درجه اول اهمیت قرار می دهند مسئله دیگری است؟ همیشه اینطور نیست که محبتها بر طبق بایدها باشد، بلکه برعکس در صد کمی از محبتها در آن درجه که باید باشد هست. مثلاً ما مسلمانان معتقدیم مسلمان باید محبتش به خدا و رهبران دینی بیش از محبت او به هر چیز دیگر باشد، ولی آیا در واقعیت چنین است؟ هرگز، زیرا محبتی که بسیاری از ماها نسبت به زن و فرزند و مال و مقام و غذا و لباس و آرزوهای خود داریم با محبتی که به خدا داریم قابل مقایسه نیست، ما برای بدست آوردن مسائل غیرالهی با شوق اقدام می کنیم و تحمل مشقت می نماییم و انتظاری هم نداریم، اما همینکه پای مخارج الهی و تحمل زحمت برای خدا پیش آید، قدمها سست می شود و دستها بخیل می گردد! این نمونه ها نشان می دهد که ما در اعتقاد خدا را قبول داریم و به او هم محبت می ورزیم، اما نه بمقداری که معتقدیم باید محبت داشت، در صدی از محبت به خدا و پیامبر و دین را هر مسلمانی دارد، اما به تناسب حالات روحی افراد و صفای روح و اخلاق حمیده و یا رذیله و مسائل فکر و ارزشهای دیگر، مقدار این محبت فرق می کند، و به تناسب همان مقدار محبت، برای دین خرج می کنند. مثلاً اگر مسلمانی به دین ۲۰ درجه محبت دارد اگر موردی پیش آید که به آن ۵۰ درجه علاقه دارد، مثلاً علاقه او به مال بیش از علاقه به دین باشد، می بینیم که مسئله دینی را رها می کند و آن کار خلاف دین را مرتکب می شود؟ البته در این بین مسائل قابل بررسی بسیار است. منظور این است که بدانیم دوستی مراتب دارد، اگر کسی در اثر برخورد با موردی، نسبت به مسئله اظهار بی علاقه گئی کرد، دلیل این نیست که مطلقاً بی علاقه است بلکه فقط می فهماند به آن چیز دیگر علاقه بیشتری دارد.

معیار و اندازه محبت در زن و شوهر

با این مقدمه آنچه بیان شد که زندگی محتاج محبت است و بدون محبت پایه های خانواده استوار نیست، منظور این نیست که زن نسبت به شوهر و یا شوهر به زن باید چنان محبتی داشته باشد که هیچ چیز را مثل آن دوست نداشته باشد، اینکه بعضی از همسران توقع دارند همسرشان باید آنها را بر همه چیز و همه کس مقدم دارد، توقع نایجائی است. توقع معقول از یک همسر آن است که محبت یک همسر را داشته باشد، یعنی همسر خود را بعنوان یک همسر پذیرفته و محبت همسری را داشته باشد، دقت کنید، محبت خاص همسر، یعنی شوهر آن محبتی که باید یک شوهر به زن داشته باشد و زن آن محبتی را که یک زن باید به شوهر داشته باشد در همان حد زن و شوهری، داشته باشد، و طبعاً این درجه مخصوص و معینی از علاقه خواهد بود. مرا بیشتر دوست

داری یا ...؟ اینکه یک زن شوهرش بیرسد مرا بیشتر دوست داری یا پدر و مادرت را؟ سؤال نامعقولی است، محبت به پدر و مادر سبک و گونه دیگری است که ربطی به زن و شوهر ندارد و اگر شوهر بگوید پدر و مادرم را بیشتر دوست دارم، نباید زن ناراحت شود که پس مرا دوست نداری یا کمتر دوست داری - هر کس باید پدر و مادر را بیش از دوست و همسایه و فامیل و همسر و غیره از مردم عادی دوست داشته باشد، و محبت هر کسی در جای خود مطلوب است، بنابراین اگر کسی پدر و مادرش را بر دیگری مقدم کند، دلیل بی محبتی نیست، توقع اینکه همسر شما، اگر شما را دوست دارد باید بر همه چیز مقدم کند، انتظار واهی و بیهوده است. گذشته از اینکه در همان محبت زن و شوهری هم افراد درجات مختلف دارند، و تا وقتی به حد افراط و تفریط نرسیده نباید توقع بیشتر داشت.

اینگونه همسر قابل سرزنش است

آری آن شوهری که فناری خود را بیش از همسرش پذیرفته، قابل سرزنش است، و یا آن همسری که لباس و آرایش را بر شوهرش مقدم می نماید قابل سرزنش است، اینکه مرد، به عیش و نوش با دوستان پیردازد و از همسرش غفلت کند، قابل سرزنش است، اینکه زن متوقع باشد که همیشه باید همراه مرد باشد و مرد را مقید کند، که در هر سفری باید او هم باشد و مرد حق ندارد با دوستانش به جایی رود یا تنهایی به یک میهمانی رود، توقع بی جاست. همچنانکه اگر مردی یا زنی بدون هیچ مصلحتی، پدر و مادر را در هر کاری خانواده خود دخالت دهد و خواسته همسر را نادیده بگیرد کار بجائی نیست، اینکه حتما باید در هر کاری پدر و مادر نظر دهند و گرنه دیگری ناراحت می شود کار غلطی است که نه فرزند باید انجام دهد و نه پدر و مادر اندیشمند باید توقع این کار را داشته باشند.

برخوردهای تند مقطعی معیار بی محبتی نیست

اگر همسر شما، در یک حالت خاص قرار گرفت و کاری کرد که شما ناراحت شدید، کسی یا چیزی را بر شما مقدم کرد، دلیل بر بی محبتی او نیست و یا دلیل بر کم محبتی او از مقداری که باید باشد بعنوان یک همسر نیست، اگر همسر شما تصمیم پدر و مادر خود را بر شما مقدم کرد و یا احیانا خواسته یک دوست را بر خواسته شما مقدم کرد، جای نگرانی نیست. کدام پدر و مادری است که فرزندش را توبیخ نکرده باشد ولی با این حال دلیل بی محبتی آنها نبوده است، اینکه یک یا چندبار تصمیم دوستی مقدم می شود قابل مقایسه با آن همه توافقی او با نظرهای شما نیست، یک یا چندبار مخالفت معیار بی محبتی و کم محبتی نیست و نباید انتظار داشت که همسر شما به شما چنان محبتی داشته باشد که تحت هیچ شرایطی با شما مخالفت نکند. مسلما یک بار مخالفت با شما برای همسر شما سبک تر است از ناراحت کردن دوستی که احیانا موجب کدورت و جدائی می گردد.

در محبت توقع بی مورد نداشته باشید

اگر همسر شما به مال و مقام و آبرو و غذا و لباس اهمیت می دهد، حتما باید رعایت خواسته او را بنمائید، زیرا هیچ معلوم نیست که محبت زناشویی و زندگی او چنان بالا و شدید باشد که بتواند از تمامی آنها چشم پوشد. و احیانا اگر به خاطر غذا و لباس و غیره ناراحت هم بشود - که نباید بشود - شما نباید این را دلیل بی محبتی او بگیرید بلکه باید متوجه باشید که او به دو یا چند چیز علاقه دارد، هم به شما و هم به مسائل دیگر، و این انتظار که همسر من نباید هیچ چیز دیگری را دوست داشته باشد یا باید مرا بیش از همه دوست بدارد بطوری که هر چیزی را فدای من کند و در سایه این محبت تمام تمایلات خود را فراموش کند و سختی ها را تحمل کند، انتظاری جاهلانه است که با شکست و ناکامی مواجه می شود، و در این راستا خشونت‌هایی که احیانا از همسر

شما در اثر غضب و خشم صادر می‌شود اگر ادامه نیابد و مقطعی باشد، چه بسا دلالت بر بی‌محبتی نمی‌کند، در حال خشم گاهی آدمی خود را و عزیزترین افراد را دشنام می‌دهد یا میزند، ولی بعد پشیمان می‌شود. معیار محبت این نیست که هیچ وقت خشم نکند، آری آن محبت بی‌اندازه که به عشق تعبیر می‌شود مانع از غضب است ولی هرگز میان زن و شوهر نباید انتظار چنین عشق عمیق داشت، علاقه و محبت زوجین به یکدیگر، در حد اعتدال کافی است. منتظر محبت نباشید، محبت کنید. حتی دشمن را هم می‌شود دوست کرد. بسیاری از افراد از جمله دو دوست یا همسران جوان و غیر جوان وقتی در اثر بروز مشکلات و مسائل مختلف که اغلب آنها ناشی از جهال طرفین است چه در مقام برخورد و چه در مقام پاسخگویی و عکس‌العمل - که می‌توانسته اند حتی آتشی را که دیگری شعله ور کرده است با پاسخ مناسب خاموش کنند اما به آتش افروزی پرداختند. به هر دلیل که میان آنها کدورت ایجاد شد، گمان می‌کنند که دیگر از دوست و همسر خود سرد شده و نسبت به او بی‌علاقه شده‌اند. و چاره جز بریدن و جدا شدن ندارند. این افراد غافلند از اینکه محبت و صفا همانطور قابل زوال و نیستی است، قابل ایجاد و برقراری هم هست، محبت مثل حیات نیست که چون برود دیگر برنگردد، حتی آهن سرد را هم دوباره می‌شود گرم کرد و جوش داد. گرچه توقع محبت و دوستی از افرادی که نسبت به هم سرد و بی‌تفاوت شده‌اند مشکل است، ولی نتیجه بسیار عالی است، شما که قبول دارید اگر این سردی موجود تبدیل به حرارت و صفا شود باز دوست و همسر خود را می‌خواهید، بسیار خوب، دست بکار شوید و با عوامل محبت از این محبت را ایجاد کنید و مطمئن باشید که موفق خواهید شد. خداوند به پیامبرش می‌فرماید: بدی را به نیکی پاسخ ده، خواهی یافت که دشمن تو همانند دوست صمیمی خواهد شد (۷۵) و چه بسیارند افرادی که موفق شده‌اند از این روش به نیکی استفاده کنند، و زندگی خود را مجدداً با صفا گردانند. محبت را باید همیشه گرم نگهداشت محبت و صفا و گرمی و صمیمیت که لازمه زندگی مشترک و رمز موفقیت خانواده است، هر چند پدیده بسیار مهم و گرانبگزی است که هرگز با معیارهای مادی قابل مقایسه نیست و آنقدر ارزشمند است که حقیقت ارزشمند مقام انسانی زیننده آن است و به هر موجودی که این اکسیر زده شود، نسبت به محبوب سر از پا نمی‌شناسد، و غافلان از محبت هرگز نمی‌توانند حال و هوای یک عاشق علاقمند را درک کنند. به هر حال هر قدر که این علاقه ارزشمند است، مثل تمام امور ارزشمند دیگر ایجاد و محافظت از آن نیز کار راحتی نخواهد بود. غرض ما این است که دوستان مخصوصاً همسران جوان بدانند که محبت خود بخود نمی‌ماند، این اکسیر ارزشمند را در وجود خود و همسران باید همواره پر حرارت نگه دارید، به علاقه و محبت سابق تکیه نکنید، تا می‌توانید محبت کنید، لطف کنید، صفا نشان دهید، و عوامل محبت که در میان شما حاکم است به سردی و ظلمت گرایش پیدا نکند. کسی که گرمی و نور نمی‌خواهد زحمتی هم نمی‌کشد و همه چیز علی‌القاعده سرد و بی‌نور است، اما کسیکه نور و گرمی می‌خواهد باید آتش روشن کند، و اگر می‌خواهد نور و حرارت باقی باشد، باید همواره این آتش را روشن نگه دارد و الا اگر غافل شود و بجای رعایت آتش سرگرم مثلاً مطالعه و مسائل دیگر شود، بناچار آتش خاموش می‌شود، نور و گرمای موجود نباید ما را از ادامه آن غافل نکند. کانون خانواده نیز همینطور است، شور و حرارتی که اول ازدواج بدست می‌آید، نباید عروس و داماد را غافل کند و بدون توجه به اینکه این حرارت و صفا احتیاج به مواظبت و نگه‌داری دارد، مشغول زندگی شوند، و چون مدتی گذشت کم‌کم آتش محبت و صفا رو به افول نهد و چون بفکر روشن نگه داشتن آن در طول زندگی نبوده‌اند، پس از مدتی کانون دل خود را سرد و بی‌رونق نسبت به یکدیگر احساس می‌کنند. پس همواره مراقب باشید، چه زن و چه مرد، نباید مشکلات منزل و خارج، کسب و کار و لباس و آرایش و مرض و سلامتی و غیره چنان ما را به خود مشغول کند که هرگز متوجه مسأله اصلی خانوادگی یعنی صفا و صمیمیت نشویم. آری گاهی هم خود را از مسائل اطراف جدا کنید و محاسبه کنید که همسران علاقه‌اش نسبت به شما چگونه است، شما نسبت به او چه علاقه دارید، اگر احساس نقصانی می‌کنید سعی کنید که آن را با ایجاد محبت برطرف کنید.

عوامل محبت در احادیث اسلامی

۱- ایمان محور محبت ((من احب لله و ابغض لله و اعطی لله فهو ممن کمل ایمانه .)) امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس به خاطر خدا دوست بدارد و به خاطر خدا دشمن بدارد و به خاطر خدا عطا کند، از کسانی است که ایمانش کامل شده است. (۷۶) امام باقر علیه السلام فرمود: اگر خواستی بدانی در تو خیری هست، به دلت نگاه کن، اگر اهل طاعت خدا، فرمانبرداران را دوست دارد و از اهل معصیت خدا بدش می آید، در تو خیری هست و خداوند تو را دوست دارد. و اگر از اهل اطاعت بدش می آید و از اهل معصیت خوشنود است، در تو خیری نیست، و خداوند از تو ناخشنود است، و (بدان) که هر کسی با دوست خود خواهد بود. (۷۷) (یعنی در قیامت دوست با دوست است). و فرمود: هر کس که معیار محبت و دشمنی او دین نباشد دین ندارد. (۷۸) آری اگر کسی شوهر و یا همسر مؤمن و با تقوایی دارد، که خداوند او را دوست می دارد، باید همسر خود را دوست بدارد، زیرا ایمان برای مؤمن برترین فضیلت است، و هرگز نمی تواند هیچ فضیلتی جانشین ایمان گردد. ۲- محبت، محبت می آورد ((بالتودد تتأكد المحبة)) با دوستی، محبت محکم می شود، (۷۹) یعنی برای پیدا کردن دوست، و دوست کردن همسر و دیگران از خودتان شروع کنید، سعی کنید دوستی کنید تا او هم با شما دوست شود. ۳- توجه و حضور قلب به خدا امام صادق علیه السلام فرمود: هر که در نماز، دل به خدا دهد، خداوند روبه او کند، دل‌های مؤمنین را هم به دوستی با او می گرداند، بعد از آنکه خدا او را دوست می دارد. (۸۰) ۴- احسان و نیکی محبت می آورد ((بالاحسان تملک القلوب .)) حضرت علی علیه السلام فرمود: با احسان و خدمت، دل‌ها را می شود مالک شد، و در حدیث دیگری فرمود: با احسان و نیکی می شود افراد را خرید و بنده کرد. (۸۱) آری فطرت و سرشت انسان به گونه ای است که وقتی به او احسان شود، مجذوب می شود و انس می گیرد. ۵- سلام کنید و محبت ایجاد نمایید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آنکه جانم به دست اوست، به بهشت وارد نمی شوید تا ایمان بیاورید. و ایمان نمی آورید تا با یکدیگر دوست باشید، آیا نمی خواهید شما را به کاری راهنمایی کنم که اگر انجام دهید، با هم دوست شوید؟ (برای ایجاد محبت) به یکدیگر آشکارا سلام کنید. (۸۲) و حضرت علی علیه السلام فرمود: زیانت را به سخن ملایم و سلام کردن عادت بده تا دوستانت زیاد شوند و دشمنانت اندک گردد. (۸۳) ۶- اظهار محبت، محبت می آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مرد وقتی به زنش بگوید دوستت دارم، این سخن هرگز از دل او بیرون نمی رود. (۸۴) مردی به امام باقر عرض کرد: من فلانی را دوست دارم، حضرت فرمود: او را از این دوستی آگاه کن، که برای دوام مؤثرتر و در الفت بهتر است. (۸۵) ۷- صورت گشاده و خندان ((حسن البشر اول العطاء و اسهل السخاء)) حضرت علی علیه السلام می فرماید: رخسار نیکو اولین هدیه و راحت ترین بخشش است و فرمود: صورت گشاده و باز تو اول نیکی تو است، و دلالت بر بزرگواری تو می کند (۸۶) و فرمود: صورت باز آتش دشمنی را خاموش می کند، و فرمود: صورت باز و گشاده ریسمان محبت است، و فرمود: کار نیک و صورت باز، محبت می آورد و انسان را به بهشت می رساند. (۸۷) و فرمود: صورت گشاده، روش هر آزاده است. (۸۸) ۸- خوش آمد گوئی و محبت حضرت علی علیه السلام فرمود: روی باز و گشاده و بخشش و نیکی و خوش آمد گفتن، موجب دوستی مردم است. (۸۹) ۹- دست دادن، محبت می آورد ((تصافحوا فان المصافحة تزيد فی المودة)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به یکدیگر دست بدهید که محبت را زیاد می کند. (۹۰) حضرت صادق علیه السلام فرمود: به یکدیگر دست بدهید که کینه را از بین می برد. (۹۱) ۱۰- هدیه دادن، دوستی آفرین است ((تهادوا تحابوا)) امام صادق علیه السلام فرمود: به یکدیگر هدیه دهید، تا دوست هم باشید، چرا که هدیه کینه را از بین می برد. (۹۲) و حضرت علی علیه السلام فرمود: هدیه محبت می آورد، و فرمود: هیچ چیز مثل هدیه، فرمانروا را ملایم و خشم را بیرون و رانده شده را متمایل و کارهای سخت را آسان و بدیها را دور، نمی کند. (۹۳) نکته مهم در هدیه و اهمیت آن به اظهار محبت و دوستی است، نه ارزش مادی

آن، بنابراین در هدیه توقعات را کنار بگذارید و ارزش واقعی آن را در نظر بگیرید تا دوستان شما و خود شما بتوانید همواره به یکدیگر هدیه ای هر چند اندک به نشان دوستی تقدیم کنید، متأسفانه این ابراز دوستی، در نزد بعضی به خاطر توقعات نابجا تبدیل به وسیله کدورت می شود و بجای تشکر و دریافت پیام هدیه، بخاطر مسائل مادی از یکدیگر دلخور می شوند. این هم هدیه است امام صادق علیه السلام فرمود: محبوبترین برادرانم، کسی است که عیبهای مرا به من هدیه ای دهد. (۹۴)، و حضرت علی علیه السلام فرمود: چه خوب هدیه ای است، موعظه. (۹۵) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مسلمانی برای برادرش، هدیه بهتر از سخن حکیمانه که یا هدایتش را زیاد کند، یا از هلاکت دورش کند، نداده است. (۹۶) ۱۱ - معاشرت نیکو ((حسن العشرة تستدیم الموده)) حضرت علی علیه السلام فرمود: معاشرت نیکو، دوستی را دوام می بخشد (۹۷)، البته تأثیر معاشرت نیکو و رعایت اخلاق در خانواده و برخورد دوستانه، مسأله ای کاملاً روشن است. ۱۲ - خوش اخلاق باشید. ((حسن الخلق یورث المحبة)) حضرت علی علیه السلام فرمود: خوش اخلاق بودن، دوستی می آورد (۹۸)، و فرمود: سه چیز محبت می آورد، خوش اخلاقی، ملامت نیکو و تواضع. (۹۹) ۱۳ - خوش گمانی، محبت می آورد. ((من حسن ظنه بالناس حاز منهم المحبة)) حضرت علی علیه السلام فرمود: هر کس به مردم خوش گمان باشد، به محبت آنها دست می یابد. (۱۰۰) ۱۴ - ملامت و نرم خوئی ((بالرفق و التودد یحبیک القواب)) امام باقر علیه السلام فرمود: با ملامت و دوستی، دلها تو را دوست دارد. (۱۰۱) ۱۵ - بی نیازی از دیگران، و محبت حضرت علی علیه السلام فرمود: خود را محبوب مردم کن، با بی رغبتی به آنچه در دست آنهاست، تا به محبت آنها برسی. (۱۰۲) مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و از حضرت سؤال کرد از جمله پرسید: چه کنم تا مردم مرا دوست بدانند، حضرت فرمود: به مردم نیکی کن و چشم به داشته آنها نداشت باش و به آن طمع مکن تا تو را دوست بدانند. (۱۰۳) (بنابراین همسرانی که بی جهت و بدون تناسب، در فکر کندن مال از شوهر خود هستند و پی در پی تقاضای نابجا دارند، از محبت آنها کاسته خواهد شد. ۱۶ - سخاوت، محبت آور است ((السخاء یزرع المحبة)) حضرت علی علیه السلام فرمود: سخاوت، محبت را می رویاند (۱۰۴) و امام صادق علیه السلام به علی فرمود: خودت را با رسیدگی به برادران محبوب گردان، همانا خداوند محبت را در بخشش و دشمنی را در امساک و ندادن قرار داده است. (۱۰۵) ۱۷ - سکوت و محبت ((ان الصمت یکسب المحبة)) امام هفتم یا هشتم فرمود: سکوت محبت می آورد، سکوت راهنمای هر چیزی است. (۱۰۶) (زیرا بیشترین اسباب دشمنی از سخن گفتن است و از آنجا که حرکت دادن زبان کاری آسان است، بسیاری با سخنان سبک و نسنجیده آبروی خود را می برند و خود را نزد مردم و خدا سبک می کنند). ۱۸ - سخن زیبا و محبت امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام فرمود: سخن زیبا، داری را زیاد و روزی را افزایش می دهد، اجل را به عقب می اندازد و انسان را نزد خانواده محبوب و وارد بهشت می کند. (۱۰۷) ۱۹ - تواضع، محبت می آورد. ((ثمره التواضع المحبة)) حضرت علی علیه السلام فرمود: نتیجه تواضع و فروتنی، دوستی است (۱۰۸) و فرمود: سه چیز محبت می آورد خوش اخلاقی، ملامت نیکو و تواضع (۱۰۹) ۲۰ - سه عامل محبت امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز محبت می آورد، قرض و تواضع و بخشش (۱۱۰) اینها نمونه ای بود از آنچه در روایات اسلامی بعنوان عامل محبت معرفی شده است، که زن و شوهر می توانند به تناسب حال خود برای دوام محبت و زیاد شدن آن، از اینها بهره مند شوند. و در این میان باید از عوامل مهمی مثل ایمان، محبت، احسان، صورت باز و خندان، هدیه دادن اخلاق خوب، شیرین زبانی و بی نیازی و کم توقعی و تواضع، بیشتر استفاده نمود. و گذشته از این امور، زن و شوهر می بایست همواره به تمیزی و زیبایی خود و خانه و فرزندان، و احترام متقابل بسیار اهمیت بدهند که در جلب محبت بسیار مؤثر می باشد. کدورت چگونه به وجود می آید؟ هر کس که به محبت و دوستی میان خود و دیگری اهمیت می دهد، مخصوصاً زن و شوهری که می دانند پایه های اصلی زندگی مشترک را محبت تشکیل می دهد، می یابد برای دوام این محبت، اموری را که موجب کدورت و یا کمرنگ شدن محبت می دانند بشناسند و از آنها اجتناب کنند. بطور کلی آنچه با روح انسان

ناسازگار باشد، روح را مکدر می‌کند، این عوامل اگر تکرار شود و بصورت دائمی درآید، انسان را از انجام دهنده آن مکدر و نسبت به او بی‌رغبت می‌کند و اگر شدید و عمیق باشد تبدیل به دشمنی نیز خواهد شد. نکته مهم در این مسأله که باید مورد توجه باشد این است که: عوامل کدورت بصورت تدریجی و آرام آرام همانند موریانه، ریشه‌های محبت را خشک، و پایه آن را سست می‌کنند. نگاه نکنید که همسر شما نسبت به فلان مسأله بی‌اهمیت است و اعتراضی نمی‌کند، آری اعتراض نمی‌کند اما دلش هم نسبت به شما خالی می‌شود و از علاقه وی نیز کاسته می‌شود، و می‌دانید که محبت و علاقه اگر برود، بر گرداندن آن به این زودی ممکن نخواهد بود.

عوامل مهم کدورت که باید از آن اجتناب شود

۱- مخالفت‌های پی در پی صرف نظر از مخالفت‌هایی که شرعا و عقلا- واجب است، و باید انجام پذیرد اصولا مخالفت پی در پی در سخن، یا عمل، زمینه کدورت و جدائی را فراهم می‌کند، مخالفت اگر پی در پی باشد، طرفین را در مقابل هم قرار می‌دهد، و مخالفت‌های پی در پی در امور جزئی، همچون موریانه‌ای بی‌خبر و آرام آرام، کار را به کدورت می‌کشد و ریشه‌های محبت را خشک می‌کند، و زن و شوهر را بصورت دو رقیب در می‌آورد. زن شوهری که به زندگی علاقه مند هستند، باید شهادت تحمل برخی سخنها یا اعمالی را که مخالف سلیقه یا نظر آنهاست داشته باشند و برای سعادت و خوشبختی خود و خانواده از انجام کارهایی که مخالفت همسر را بر می‌انگیزد اجتناب کنند. معمولا به هنگام برخورد آراء، هر کس شخصیت خود را در گرو ثابت کردن سخن خویش می‌داند و شکست را هر چند از همسر و یا دوست خود، نشان تحقیر می‌داند و از آن متنفر است، در اینگونه موارد عاقل باشید، اگر در زندگی بر همسر خود اینگونه پیروز شوید، تیشه خود زده اید، و به اساس زندگی مشترک که محبت است لطمه زده اید. سکوت و عدم مخالفت شما نه تنها نشان شکست و تحقیر نیست که علامت متانت و علاقه شما به زندگی می‌باشد و همسر شما هم آن را درک و این هوش و اخلاق شما را تحسین می‌کند. ۲- تحقیر عامل کدورت فکر نمی‌کنم شخصی یافت شود که از تحقیر و اهانت متاثر نشود، همه می‌خواهند در نظر دیگران بزرگ و محترم باشند، آدمی از تحقیر متنفر است و طبعاً از هر کسی که او را تحقیر کند نیز ناراحت می‌شود و احساس کینه می‌نماید، تا چه رسد به کسی که از او انتظار محبت می‌رود. نکته مهم این است که بسیاری از همسران جوان، بطور ناخاسته و به بهانه دوستی و یکرنگی و صمیمیت و شوخی، همسر خود را تحقیر می‌کنند و این اظهار محبت تلقی می‌کنند، این کار بسیار اشتباه است. همسرانی که در رعایت احترام متقابل را نمی‌کنند وی یکدیگر را سبک صدا می‌کنند و مخصوصاً در مقابل دیگران سبک و دارای شوخی‌های ناهنجار هستند، در حقیقت بذر کدورت را در دل همسر خود می‌پاشند. رعایت احترام در عین محبت، موجب زیاد شدن علاقه به یکدیگر است. اظهار علاقه با سخنان و رفتار سبک و ناهنجار نتیجه معکوس در بر دارد، آری درست است که صمیمی شدن مهابت را می‌برد، و عروس و داماد هرگز نباید همانند دو نفر غریبه با هم جملات ادیبانه صحبت کنند، اما این به معنای اهانت و تحقیر و تعبیراتی سبک، مثل تو به جای شما، و یا امر نهی‌های سبک نیست. محبت خود را با احترام زیاد و اخلاق خوش و گذشت و خدمت نشان دهید، حفظ شخصیت در مقابل دیگران، شما را نزد او بالا می‌برد و این احساس که شما موجب سرفرازی او شده‌اند بیش از هر چیزی او را به شما علاقه مند می‌کند. خلاصه آنکه: هرگز انتظار نداشته باشید، حقیقت و شخصیت و کسی را تحقیر کنید و به بازی بگیرید، با این عمل حال او از شما مکدر نشود. ۳- کثافت و زشتی عامل کدورت روانکاوان معتقدند غریزه زیبایی یکی از چهار غریزه فطری انسان است، و هر انسانی فطرتاً زیبایی را دوست دارد، و از زشتی و کثافت گریزان است. اگر شما به خود حق می‌دهید تا از بوی گند و کثافات متنفر باشید، پس باید به همسر خود حق بدهید، تا از سر و وضع ناهنجار شما، از بوی بد یا سرو صورت و یا لباس نامرتب بودن اوضاع زشت شما و یا نامرتب بودن اوضاع زندگی ناراحت باشد. اگر صفا می‌خواهید، محبت می‌خواهید باید به

زیبائی و آراستگی و تمیزی اهمیت دهید، مرد به تمیز کردن لباس و بدن و امور مربوط به خود اهمیت دهد، بانوان به سر و وضع خود، و خانه و اهمیت دهند، تنبلی را کنار گذارند، و همواره سعی کنند، خانه را همچون گلستانی با صفا و تمیز جلوه دهند، خانه ای که هر گوشه آن اشغال ریخته است، وضع لباسها و کفشها و اثاث نامنظم است و یا بچه ها ژولیده و کثیف و نامرتب هستند، و یا بوی گند از فرش و رختخواب و لباسها بر می آید، برای هیچکس خوشایند نیست و نشان از نالایقی همسر می دهد، تمیزی و زیبایی و نظم و تربیت، می تواند عامل خوبی جهت تحکیم تو صفا بخشیدن به کانون خانواده باشد، و این مهم برای بانوان خود را مرتب کنید، مسواک را فراموش نکنید، هرگز نباید دهان و دندانهایتان بد جلو باشد و ما در فصل آینده نسبت به نظافت و پاکیزگی صحبت خواهیم کرد. ۴- صفات زشت عامل کدورت است. راجع به زیبایی و مذمت زشتی و کثیف بودن صحبت شد، اما زیبایی باطن همان اخلاق حمیده است، که اگر تبدیل به صفات به صفت رذیله شود عامل مهم کدورت خواهد بود اگر باور دارید که یک انسان حق دارد با استشمام بوی گند و لجن صورت ترش کند و بینی خود را بگیرد، باور کنید که همسر شما حق دارد که اگر گند و بوی برخواسته از بد دهنی شما موجب اذیت او شد رخ کند و مشمئز شود، کج خلقی، حسد تنبلی، کینه توزی، بد دهنی و درشتگوئی، بی حیائی، زشتیها هستند که صاحبان آنها هرگز نباید توقع محبت از دیگران داشته باشند. وقتی کسی با دیدن این صفات آگاه شود که همسرش شخص پستی است و از اخلاق انسانی بی بهره است و صفات حیوانی بر او غلبه دارد، حق دارد که احساس ناکامی و حقارت کند و بر حکم فطرت خویش که طلب کمال و خیر است از پلیدی و زشتی بیزار باشد. آیا اگر همسر شما زیاده و پر توقع و ناشکر باشد شما ناراحت نمی شوید، آیا اگر در مقابل زحمات طاقت فرسای شما نه تنها ارج نهد بلکه توقع هم بکند شما از او مکدر نمی شوید. زیرکی و چالاکی مطلوب انسان است، آن بانویی که تنبلی پیشه می کند و از محبت همسر خویش سوء استفاده می کند و از کارهای روزمره زندگی در خانه شانه خالی می کند، تیشه به ریشه خویش می زند. برای موفقیت در زندگی تنها رفاه مادی کفایت نمیکند، مال و جمال و مقام، برای صفا بخشیدن به زندگی کافی نسبت همسر شما می خواهد که با انسان زندگی کند، مبادا که با انجام کارهای ضد اخلاقی در جامعه، مثل بی رحمی، بی انصافی، بخل و حسد و ظلم و ستم و بد دهنی و مانند اینها، خود را نزد همسر خویش جانوری انسان نما معرفی کنید، اجتماع دو انسان با صفات انسانی کمال می یابد، انسان همیشه ارزشهای اخلاقی را ستایش می کند، هر چند از آن بهر زیادی نداشته باشد. پس سعی کنید، باطن خود را مثل ظاهر خویش از صفات رذیله دور کنید تا در نظر همسر خود زیبا و دوست داشتنی جلوه کنید. تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت خور و خواب و خشم و شهوت، شغب است و جهل و ظلمت حیوان خبر ندارند ز جهان آدمیت به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد که همان سخن بگوید به زبان آدمیت

برنامه زندگی از موسی ابن جعفر علیه السلام

موسی ابن جعفر علیه السلام فرمود: تلاش کنید که دوران خود را به چهار ساعت تقسیم کنید، ساعتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای همنشینی با برادران و افراد مورد اعتماد، آنها که عیب شما را به شما تذکر دهند، و از دل برای شما دلسوز و خیرخواه هستند، و ساعتی هم برای لذت و حلال باقی بگذارید، که این ساعت کمک شما برای آن ساعت است. هرگز با خود سخن از فقر و طول عمر به میان نیاورید، چرا که هر کس به خود بازگو کند بخیل می شود و هر کس و طول عمر را به خود تلقین کند حریص می شود. برای خودتان بهره ای از دنیا قرار دهید، با برآوردن خواسته حلال نفس و از آنچه که به مروت شما لطمه نمی زند و اسراف هم نیست. و کمک بگیرید با این کار - لذتهای حلال و تفریحات سالم - بر امور، دین همانا روایت شده است که ما از نیست آنکه دنیایش راه بخاطر دینش و یا دینش را بخاطر دنیایش رها کند. (۱۱۱) با مروت باشید مؤلف گوید: این حدیث شریف نکات بسیار مهم و حساسی را تذکر می دهد، نکته مورد غفلت که این حدیث به آن عنایت فرموده است این است که

فرمود: در زندگی سعی کنید حتی کارهای حلال هم بگونه ای باشد که مروت و صفای اخلاقی را از شما نگیرد، یعنی مبادا جوانان در اول زندگی فردی پاک و با مروت و جوانمرد باشند، اما پس از چند سال بخاطر گرفتاریهای گوناگون، مروت آنها را از بین برود، دیگر رحم و انصاف نداشته باشند، بخیل و محافظه کار با دروغگو و بی حیا و سنگدل بشود، هرگز بخاطر منافع، مروت و اخلاق را از دست ندهید، هیچ معامله و درخواستی وقتی به صفات اخلاقی شما لطمه می زند سودمند نیست. زیان می کند مرد تفسیردان که علم و ادب می فروشد به نان کجا عقل، یا شرع فتوی دهد که اهل خرد دین به دنیا دهد

ده دستور برای خوشبختی در ازدواج و خانواده

موفقیت در زندگی و ایجاد یک کانون آرامش و با صفا که در آن زن و شوهر و فرزندان بتوانند، از زندگی خود حداکثر بهره را ببرند در گروه انجام دستورات که جهت راهنمایی و تذکر عزیزان به ده دستور سعادت بخش اشاره می کنیم. ۱- نظم و ترتیب ((اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم .)) حضرت علی علیه السلام در وصیتنامه خود به امام حسن و امام حسین فرمود: شما و تمام فرزندان و خانواده و هر که نوشته من به او می رسد، همه را به تقوی الهی و نظم در کار وصیت می کنم. (۱۱۲) موفقیت در زندگی به نظم است، اگر با نظم و ترتیب و مدیریت صحیح که در روایات به تقدیر المعیشه تعبیر شده است، توجه کنیم، بسیاری از مشکلات و کمبودها کمرنگ می شود. نبودن نظم و ترتیب و بی حساب و بی اندازه کار کردن، معنایش هدر دادن نیروهاست. چه بسا خانواده ای که با داشتن چند تا خدمتکار و وسائل متعدد رفاهی، هنوز نتوانسته اند خانه را اداره کنند و از بهم ریختن اوضاع شکایت دارند. یکی از امتیازات زن، عقل معاش داشتن است، یک بانوی شایسته باید بداند ضروریات زندگی چیست؟ چه چیزهایی از نظر اهمیت در رتبه دوم یا سوم می باشد. زمان خود و امور خانواده را چگونه باید تنظیم کرد. و گرنه هر چقدر هم که در آمد بالا باشد اگر براساس بی نظمی و هوس و بدون کنترل خرج شود، نه تنها رفع نیاز نمی کند که باعث افراط و تفریط و غم و غصه دائمی خواهد شد. بسیاری از کسانی که اگر به آنها مبلغی داده شود نمی دانند چگونه با آن زندگی را بگردانند. بسیاری از گرفتاریهای خانواده، امروز ناشی از کمبود درآمد نیست، بلکه در اثر بی نظمی در مخارج است. آری یک لشکر عظیم اما بی نظم در مقابل سپاهی اندک ولی منسجم و منظم شکست خواهد خورد، به همین جهت است که علم خانه داری و رسیدگی به امور منزل و مسائل آن خصوصا برای بانوان جنبه حیاتی دارد، و می تواند خانواده را که زیر بنای اجتماع است، موفق و سالم سازد، و این وظیفه پدران و معلمان آگاه است که در این راستا کوشا باشند، و باید اقرار کنیم که دیگران از ما در این مسأله پیش افتاده اند. صلاح مسلمان در این سه چیز است. ((لا یصلح المرء الا ثلاثه: التفهه فی الدین و الصبر علی النائبه و حسن التقدير فی المعیشه)) امام صادق علیه السلام فرمود: مرد مسلمان را جز سه چیز اصلاح نمی کند، بینش و آگاهی در دین، استقامت در مصیبت و سختیها و برنامه ریزی خوب در زندگی. (۱۱۳) ۲- اعتماد و خوش گمانی زندگی احتیاج به اعتماد و خوش گمانی دارد، گرچه گمان نیک، نسبت به مسلمانان همیشه لازم است و قرآن مجید می فرماید: ((اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لا تحبسوا.)) از بسیاری از گمانها اجتناب کنید، همان برخی از گمانها گناه است، تجسس نکنید (۱۱۴) در یک زندگی مشترک و خانواده، مرد و زن باید به کمال خوشبینی و اعتماد را داشته باشند، و در راه تقویت این صفت بکوشند، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: خداوند متعال خون و مال مسلمان را و اینکه به او گمان بد برده شود حرام است. (۱۱۵) شیطان نیز در این میان، انسان را به شدت تحریک می کند و می خواهد با قوی کردن برخی احتمالات و وسوسه های گوناگون، اساس خانواده را بر هم زند. یک مسلمان هرگز نباید کسی را متهم کند، و با در اثر بدگمانی از شیطان پیروی کند، و رفتار او با همسرش یا دیگران تغییر کند. غیرت بی جا ((ایاک و التغایر فی موضع الغیره فان ذلک یدعو الصحیحه منهن الی القسم .)) امیر المومنین (ع) به امام حسن فرمود: پرهیز از غیرت بی جا (سختگیریهای نامعقول و احیانا متهم کردن همسر) زیرا این کار

زن پاکدامن را به آلودگی گرایش می دهد. (۱۱۶) تاءثیر تهمت زشت پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر مردی که همسر خود را به زنا نسبت دهد از کارهای نیک خود جدا می شود همچنانکه ما از پوست خود بیرون می رود (اعمالش باطل می شود) و به مقدار هر مویی که بر بدن اوست هزار گناه برایش می نویسند. (۱۱۷) ۳- دین اسلام دین پاکیزگی و زیبایی است. ((من اخلاق الانبیاء التتظف .)) امام رضا علیه السلام فرمود: نظافت و تمیزی از اخلاق پیامبران است. (۱۱۸) و حضرت رضا علیه السلام فرمود: بوی بد را از خود با آب دور کنید و خود را تمیز کنید، همانا خداوند از کسانی کثیف هستند ناخشنود است. (۱۱۹) پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس لباسی می پوشد، آن را پاکیزه نگه دارد. (۱۲۰) و امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند زیبایی آراستن را دوست می دارد. (۱۲۱) آری در دین اسلام آنقدر به پاکیزگی اهمیت داده شده است که اگر بخواهیم احادیث مربوط به آن را بیاوریم از حوصله کتاب بیرون خواهد بود. مروری گذرا بر احکام حیات بخش نشان می دهد که تاءکید بر روی پاکیزگی و تمیزی در هیچ مذهب و آئینی مثل اسلام نبوده است. این را باید در ردیف معجزات اسلام شمرد که با وجود آنکه مغز و روح آن، براساس طهارت روح تقویت ارتباط با خداست، و با آنکه نماز با ارزشترین وسیله ارتباطی با خدا شمرده است، به گونه ای که ستون دین و معراج مؤمن و بهترین عمل شده است. در عین حال نماز را از چند جهت مشروط به پاکیزگی نموده است، از طرفی غسلهای متعدد که به معنی شستن تمام بدن است، چه بعنوان واجب و یا مستحب در زمانهای متعدد ذکر شده، از طرف دیگر شرط صحت نماز وضو قرار داده شده که بیشتر در معرض آلودگی و سرایت هستند می باشد. مخصوصا وضوء مستحب، که همیشه نیکو است و به آن سفارش شده است. از طرف دیگر بدن و لباس نماز گزار باید از نجاستها مثل ادرار و غائط و خون و منی، سگ و مردار و شراب پاک باشد. گذشته از اینها تاءکید بسیار در زدن مسواک و خلال کردن مضمضمه و استنشاق و رفتن به حمام و گرفتن ناخن و موهای زیاد بدن، و شستن دستها هنگام غذا، تمیز نگاه داشتن لباس و موی سر و مرتب نمودن آن و موارد متعدد دیگر که بخوبی نمایانگر این حقیقت است که اسلام معنویت را از مسیر رعایت بهداشت و نظافت، تاءمین می کند. امام هفتم حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام فرمود: خلال کنید (غذاهای مانده را از دهان و میان دندانها و خارج کنید) چرا که یک نوع تمیزی است و تمیزی از ایمان است با صاحب خود در بهشت. (۱۲۲) و حضرت علی علیه السلام فرمود: با آب، بوی ناهنجاری که موجب اذیت است، از خود دور کنید و خود را پاکیزه کنید، به خودتان برسید و مواظب باشید، همانا خداوند از بنده های کثیفی که از بوی بد آنان همنشین آنها ناراحت می شود، ناخشنود. (۱۲۳) یک مرد و یا بانوی موفق، همراه سعی می کند، که خود و فرزندان و لباس و خانه و اثاث آن زیبا و تمیز نگه دارد، تا صفای زندگی با تمیزی و زیبایی افزایش یابد، انسان خود بخود مشتاق زیبایی و تمیزی است و از آن لذت می برد، و ما در فصل مربوط به آداب زندگی مخصوصا بانوان، توضیح داده ایم، در اینجا این حدیث شریف را اضافه می کنیم که امام باقر علیه السلام فرمود: زنها دوست دارند مردها را به همان گونه آراسته ببینند که مردها دوست دارند زنها را آنگونه آراسته ببینند. (۱۲۴) ۴- گذشت و تفاهم لازمه موفقیت در ازدواج است. اگر کسی در خانه ای تنها باشد، آزاد است که با صدای بلند کتاب، بخواند، هر کجا که خواست بخوابد به هر قسمت که خواست برود، هر چیزی را هر کجا که خواست قرار دهد، اتاق گرم کند یا نکند، لباس بپوشد یا نپوشد، هر لباسی را که خواست انتخاب کند. اما اگر در آن خانه یک نفر دیگر هم نمی تواند نسبت، آزادیهای او محدود می شود، دیگر نمی تواند هر طور که می خواست، صدا کند، بلکه باید مراعات دیگر را هم بنماید، وقت خواب باید برای دیگری ایجاد مزاحمت نکند، اموال خود را به گونه ای قرار دهد که او بتواند قرار دهد، گرمی اتاق مناسب هر دو باشد، حتما باید لباس بپوشد و مسائلی از این قبیل. با ذکر این مقدمه، تصدیق می نمائید که اجتماع چند دو نفری آن، با تمام مزایایی که دارد، لازمه آن محدودیت آزادیهای فردی است. اگر زن و یا شوهری گمان کند که می تواند بعد از ازدواج تنها به دلخواه خود عمل کند، سخت در اشتباه است، ازدواج طبعاً یک نوع محدودیت را در خواسته ها ایجاد می کند، وقتی هماهنگی دارای آن همه امتیاز است، طبعاً می بایست این محدودیتها را پذیرفت تا به آن

امتیازات رسید. هر کدام از زن و مرد باید شهامت گذشت و مدارا و صرف نظر از برخی خواسته‌ها را داشته باشد، و هرگز نباید مثل دو آهن سرد باشند، که هرگز با هم قابل تفاهم و اتحاد نیستند. مرد هرگز نباید خود را صاحب و مالک زن فرزند بداند: و در خانه به استبداد حکومت کند، و به سلیقه و نظریات افراد خانواده بی‌اعتنا باشد. زن نیز نباید انتظار داشته باشد، که اگر برخی از نظرات وی مورد قبول و انجام مرد قرار نگیرد بی‌تابی و بد اخلاقی پیشه کند و خلاف توقع او شود. ۵- با یکدیگر زیبا صحبت کنید اما صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم روزی با همسر خود عایشه بودند که مردی اجازه ورود خواست، پیامبر فرمود: این برادر هم گروه ما بد آدمی است، عایشه برخواست و به اتاق رفت، پیامبر اکرم اجازه داد و آن مرد وارد شد، پیامبر اکرم (به خوبی با او برخورد کرد) وقتی رفت، عایشه عرض کرد: شما با آن سخنی که راجع به او فرمودید باز با روی گشاده و با او برخورد نمودید؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: از بدترین بندگان خدا کسی است که، مردم از همنشینی با او بخاطر بد دهنی او ناراحت باشند. (۱۲۵) جواب پیامبر اکرم به توهین مرد یهودی امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم و عایشه با هم بودند که یک مرد یهودی آمد و گفت: سام علیک، یعنی مرگ بر تو باد (بجای گفت: سام که بمعنی مرگ است) پیامبر اکرم (ص) فرمود: علیک (بر تو باد). او رفت، مرد دیگری آمد و باز مثل همان شخص سلام گفت: و حضرت همان جواب را داد، سومی هم آمد و همینطور شد. عایشه که از دیدن این صحنه به شدت خشمگین شده بود، صدا برآورد که: مرگ و خشم و لعنت بر شما باد ای یهودیان ای برادران میمون و خوک. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای عایشه اگر فحش به صورتی در می‌آمد، صورت زشتی می‌داشت، نرم خوئی هر کجا آمد آن را زیبا کرد، و از هر کس که رفت، او را زشت نمود. عایشه عرض کرد: یا رسول الله مگر نشنیدید اینها گفتند: که مرگ بر شما؟ حضرت فرمود: چرا شنیدم، ولی تو مگر جواب مرا نشنیدی که گفتم: بر خودتان باد، وقتی مسلمانی بر شما سلام کرد، بگوئید سلام بر شما، و چون کافر بر شما سلام کرد بگوئید: بر خودت باد (۱۲۶) (نه بیشتر). ۶- دیگران چگونه اند؟ یکی از مسائلی که از ابزار شیطان حساب می‌شود و برای فریب زن و مرد و ایجاد سردی و کدورت میان آنان، از آن استفاده می‌کند، زیبا جلوه دادن نداشته‌هاست. قرآن مجید این کار را از ابزار شیطان معرفی کرده است که شیطان مردم را نسبت به کارهای زشت تشویق می‌کند و آن کارها را در نظرشان نیک جلوه می‌دهد. (۱۲۷) شیطان این کار را امروز در جامعه کنونی بشر در زمینه بی‌حجابی و آزادی زنان در خود نمائی، راحت تر انجام می‌دهد. بسیاری از کدورتها برای افراد هوسران و نادان از آنجا شروع می‌شود که برداشتی سطحی و ظاهری از کیفیت زندگی دیگران نموده و آن را با خود مقایسه می‌کنند و بالطبع وضع موجود یا همسر خودشان را پائین تر و دیگری را بهتر می‌یابند، آن وقت سردی و کدورت را به خاطر احساس عدم موفقیت، شروع می‌کنند. در جامعه گذشته قبل از این آزادی که به معنی بی‌بند و باری زن و مرد و است، عشق و علاقه میان اغلب خانواده‌ها تا آخر عمر باقی می‌ماند و اگر کدورتی هم بود اندک و آن هم به خاطر مسائل دیگری بود که عمومی نبود، اما امروز جوانان هوسران و تنها به خاطر مسائل شهوی فریب لحظاتی هم جدا را خورده و سپس با سرد شدن آن احساس، از هم جدا می‌شوند و به دنبال دیگری می‌روند. در جامعه ای که دختران و زنان در معابر عمومی تحت اختیار و نظر جوانان قرار می‌گیرند، چطور ممکن است که چشمان مست شوهر به زن زیباتر از همسر خود بیفتد و نسبت به همسر دلسرد نشود و یا بالعکس؟! اینکه گفته‌اند نوسانهای علاقه شوهر به همسر خود در جامعه کنونی سه مرحله دارد: مرحله اول: دوران نایبانی است که شوهر در این مرحله بقدری داغ است که می‌خواهد جهان را فدای همسرش کند، در این مرحله آقای داماد نقائص نو عروس خود را نمی‌بیند، در مرحله دوم، دوره اعتدال است که شوهر جهان را فدای زن نمی‌کند و نواقصی در او می‌بیند مرحله سوم وضع به سردی گرائیده و محبت یخ می‌زند. علت این سردی مشخص است، مردی که چشمش به زنی زیبا بیفتد، و با دمی همسخن گردد، جز زیبایی چیزی نمی‌بیند و زنی که دمی با مردی همنشین شود جز مهر و عاطفه نمی‌بیند. طبیعی است که هر یک از این دو از همسر خود دلسرد شوند، با این وجود همسر بیچاره چگونه می‌تواند خود را همچنان می‌تواند خود را همچنان محبوب همسر خود نگه دارد.

در قضاوت عجله نکنید آنچه قابل دقت است این است که در قضاوت عجله نکنید، شیطان همراه سعی می کند که شما را با حرص و طمع به آنچه ندارید آرزومند کند و آن را جلوه دهد و نسبت به همسر و زندگی خودتان دلسرد گرداند، محبتها و زیباییها و مسائل دیگری که بطور مقطعی و گذرا از دیگری مشاهده می کنید بمعنی دوام آن نمی باشد. کانون زندگی را نباید با برخی برخوردها مقایسه کرد، هر عیب و نقصی را نمی توان با چند تماس درک کرد، به همراه هر کسی نکات منفی و مثبت فراوانی یافت، می شود، شیطان ذهن شما را خراب نکند و سعادت خود را بخاطر هوسهای ابلهانه خراب نکنید، چه بسیار بوده اند جوانانی که با تصمیمات عجولانه و خیالات واهی و بهشتهای موعود و پوچ به دام شیادانی افتاده اند که جز فساد و بدبختی نصیب آنها نگردیده است. هیچ کس خوب مطلق و یا بد مطلق نیست، و هیچکس هم از هر جهت با شما هماهنگ نخواهد بود، زندگی لازمه اش اصطکاک و برخورد است که اگر بی تابی و کم حوصلگی در کار نباشد برای رشد و سعادت شما مفید نیز خواهد بود. به خدا توکل کنید و راضی باشید ((من عتبت علی الزمان طال معتبته)) امام چهارم علیه السلام فرمودند: هر که بر روزگار خرده گیرد، اعتراض بسیار خواهد داشت. (۱۲۸) و پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر که توکل کند و قناعت نماید و راضی باشد به هدف رسیده است. (۱۲۹) و فرمود: سه چیز است که اگر خداوند در کسی آنها را جمع کند، خیر دنیا و آخرت را به او داده است، به سرنوشت خشنود بودن، هنگام بلا- صبر کردن، و دعا کردن در هنگام سختی و راحتی. (۱۳۰) و فرمود: بلائی بزرگ به اجر بزرگ پاداش داده می شود، وقتی خداوند بنده را دوست بدارد، او را به بلائی بزرگ گرفتار می کند، هر که راضی باشد برای او نزد خدا رضاست و هر که ناراضی باشد برای او نزد خدا نارضایتی است. (۱۳۱) راه مبارزه با این آفت برای مبارزه با این وسوسه شیطانی سعی کنید، ارزشهای حقیقی را در وجود خود زنده کنید، و به آن افتخار کنید و آن را معیار قرار دهید، عاقل باشید و به جای بلند پروازی، وضع موجود خود را در نظر بگیرید، خواهید دید که برای شما راههای سعادت همواره است. همچنانکه می بایست از رفتن و مجالست با افرادی که مظاهر دنیا و جلوه رفاه طلبی هستند و شما و همسر و فرزندان شما را دچار حرص و طمع و حقارت می کنند، اجتناب کنید، همواره به زیر دست خود نگاه کنید، تا امیدوار و با نشاط باشید، و نسبت به نعمتهای الهی شکرگذار گردید، اگر سلامتی دارید، دین دارید، اخلاق دارید، همسر خوب دارید، به اینها افتخار کنید که هیچ نعمتی به پای اینها نمی رسد. سفارشات پیامبر (ص) به سلمان سلمان فارسی گوید: دوستم پیامبر (ص) به من سفارش چند کار را نمود که من در هیچ حالی آنها را رها نمی کنیم ۱- سفارش نمود که به افراد پائین تر از خود (در امور دنیوی) نگاه کنم و به بالا دست خود نگاه نکنم (زیرا نگاه به افراد مالی موجب رضای به دارائی خویش و خشنودی از خدا و تشکر از روی می گردد و بر عکس نگاه به بالاتر از خود موجب احساس کمبود و ناراحتی، و حسادت و ناخشنودی و ایجاد حقارت و کینه و انواع گناهان مخصوصا ناشکری از خدا خواهد بود) ۲- مرا سفارش کرد که فقرا را دوست داشته باشم و به آنها نزدیک شوم (اطراف ثروتمندان نباشم تا ثروتمندان معیار و ارزش گردد، بلکه فقر را پر و بال باشم) ۳- مرا سفارش کرد که حق بگویم گرچه تلخ باشد ۴- و اینکه به فامیلم رسیدگی کنم گرچه او به من پشت کرده باشد ۵- و اینکه از مردم هیچ درخواستی نکنم ۶- و اینکه زیاد بگویم لا حول و لا قوة الا بالله که گنجی است از گنجهای بهشت. (۱۳۲) ۷- احساسات، راه ایجاد محبت است، استفاده کنید عقل و احساس دو کانال فهم و ادراک برای انسان است، لیکن در اغلب مردم، حتی بسیاری از اندیشمندان، تاءثیر احساس بر افعال و روحيات افراد، بیشتر و مؤثر از عقل است، و به همین جهت است که راهزنان سعادت، از این خاصیت روحی افراد سوء استفاده می کنند، و با تجربه احساسات مردم، حتی بر عقل آنها غلبه می کنند، زیرا عکس و صحنه های محرک، و یا سخنان شیرین همه لذتهای نقدی هستند. و به همین دلیل بسیاری از مردم فریب ظاهر زیبای جنس و کالا و یا شیرین زبانی کسی را می خورند، و چه بسا از زشتی درون آنها هم غافل می مانند یا اعتنا نمی کنند. به همین جهت است که شما می بیند، مثلا تلویزیون بیش از رادیو مشتری دارد، چون علاوه بر گوش، چشم نیز احساس می کند و لذت می برد، و یا یک مطلب وقتی ساده بیا: می شود، آنقدر مؤثر نیست، که با

آهنگ زیبا و به ویژه در قالب شعری زیبا بیان شود، اینها همه دلیل تاءثیر عمیق احساسات بر انسان است، که حتی بر عقل او نیز غلبه می‌کند. حالا که این حقیقت را دانستم، چه بهتر که از این راه برای ایجاد تفاهم و محبت بیشتر در خانواده استفاده کنیم، از احساسات همسر خود انتخاب کنید، و با نشان دادن جلوه‌های مطلوب او، تفاهم و محبت را ایجاد کنید. سخن زیبا و شیرین، احترام و تعارف، زیبایی و تمیزی در بدن و لباس و زندگی و مسائلی از این قبیل، می‌تواند، نشاط آفرین و جذاب باشند، نگوئید محبت باید در دل باشد؟ آری محبت در دل است، اما ایجاد آن بستگی به کارهایی دارد که شما انجام می‌دهید، و تظاهر به دوستی و نشان دادن و برخورد زیبا و خلاصه آنچه دیگری از آن لذت می‌برد یک راه ایجاد محبت و تداوم آن است. ۸ - احساس همدردی و غمخواری زن شوهری که به حقیقت ازدواج و برنامه سعادت و موفقیت آن آگاهی دارند، و می‌دانند که باید این بنا را با محبت استوار گردانند توجه دارند که یکی از عوامل محبت که موجب گرمی و صفای زندگی است احساس همدردی و غمخواری با یکدیگر است. مثلا- اگر زن از شوهر تقاضایی دارد، توجه کند که آیا تهیه آن برای شوهرش چقدر مقدر است، اگر واقعا تهیه این امور ولو جزء ضروریات دسته دوم اول باشد، برای شوهر موجب نگرانی و غم و خستگی و فشار طاقت فرسا است. همکاری و همدلی ایجاب می‌کند که نگرانی و فشار و سختی شوهر، را در وجود خود احساس کند و کاری را که موجب فشار بر شوهر است، فشار بر خود بیند، و از آن مسئله درگذرد، کما اینکه همین مسئله در طرف شوهر هم صادق است، اگر شوهر احساس می‌کند کاری و یا کمبودی و یا مسئله برای همسرش ناراحت کننده و طاقت فرسا، صمیمیت و صفا ایجاب می‌کند که ناراحتی همسرش را ناراحتی خود احساس کند و حتی المقدور آنرا برطرف کند، این است همکاری و همدلی در زندگی نه اینکه زن فقط به احتیاجات و خواسته‌های خود نظر کند و از شوهر و امکانات او و روحیات وی غافل شود و یا مرد فقط به فکر تاءمین مسائل کلی و عمومی زندگی باشد و یا فقط به فکر خود باشد و از همسرش غافل شود. در خوشیها و تلخیهای زندگی یکدیگر را سهیم بدانید، آن وقت احساس می‌کنید که چه زندگی شیرین و هماهنگی خواهید داشت، اینکه شوهر هر غذائی دوست داشت بخورد و هر وقت که خواست مسافرت کند و هر شرائطی که خود می‌خواهد تحمیل کند بدون در نظر گرفتن خواسته همسر خود، کاری عاقلانه نیست. البته معلوم است که رعایت یکدیگر در مسائل زندگی به معنای زیر پا گذاشتن دستورات دین و یا عقل نیست، هیچگاه ناخشنودی خدا نباید با خشنودی مخلوق معاوضه گردد. مسئله واجب و حرام و بسیاری از امور مکروه و مستحب از این دایره جداست، چرخ زندگی معمولا در محور وسیع مباحات که به اختیار افراد نهاده شده است گردش می‌کند و سخن نیز در آنجاست که، زن و شوهر در جایی که به اختیار آنها نهاده شده است چگونه تصمیم گیری می‌کنند و گام برمی‌دارند. اینکه بعضی از زنها در برخورد با مسائل زندگی می‌گویند، وظیفه شوهر است که فلان چیز را بخرد، باید فلان چیز را تهیه کند، یا باید چنین و چنان کند، و یا شوهر بگوید وظیفه زن است که بشوید، بروید و پخت و پز کند و اینگونه مسائل، جز ایجاد سردی و رقابت و اداری کردن زندگی چیز دیگری نیست. نه زن باید فرصت بگردد که از کار شانه خالی کند و از محبت شوهر سوء استفاده کرد، کارهای خود را به شوهر واگذار کند و نه شوهر باید گمان کند که هر چه می‌شود باید به زن فشار آورد و در خانه دست به سیاه و سفید نزنند همچنانکه بعضی از نادانهای متعصب می‌پندارند که کار در خانه برای مرد عار است و از علامت موفقیت مرد این است که آب خوردن هم باید به دستش دهند و او دست به هیچ کاری نزنند، من در تعجبم که پیروان پیامبر و شیعیان حضرت علی علیهما السلام، با وجود آن همه روایاتی که صریحا دلالت می‌کند، ایشان در خانه به همسر کمک می‌کردند، چگونه چنین اندیشه ای دارند، خیر، هر دو باید آنچه زندگی مشترک آنها اقتضا می‌کند و طبق برنامه اسلامی که در احادیث آمده رفتار کنند، زن در میان خانه و مرد بیرون خانه، اما اگر یکی از دو طرف توانست در حد معقول به دیگری کمک کند، انجام دهد اما نه به این معنی که اگر بانوئی دید همسرش به کمک او آمد و مثلا جاروب کرد از این به بعد به جای تشکر از محبت وی تنبلی پیشه کند و جاروب کردن را به عهده شوهرش بگذارد، مثل دو دوست دوستانه زندگی کنید. و آنچه دوستی

اقتضا می کند انجام دهید، زندگی اداره دولتی نیست که گمان شود زن و شوهر جز وظایف مقرر وظیفه دیگری ندارند. ۹ - هرگز ناامید نباشید، عاقل باشید. انسان موجودی است، انعطاف پذیر، که می تواند در اثر تکرار و عادت، روحیات و عواطف خود را تغییر دهد، و به همین جهت است که انقلابهای درونی و یا جهشهای روحی را در برخی مشاهده می کنیم، توضیح کامل این حالت محتاج به بحث بسیار است توجه شما را به یک مثال جلب می کنم. آیا مصیبت زده ای را دیده اید که عزیزی را از دست داده است؟ حالات او را در سه روز بعد در نظر بگیرید، آیا اضطراب و هیجان او همان اندازه است؟ حالا یکماه بعد او را در نظر بگیرید، و بالاخره یک سال بعد را، می بینید که او بعد از مدتی، هرگز آن نگرانی و تشویش اولیه را ندارد چرا؟ آیا مصیبت بر طرف شده یا کم شده است؟ خیر، مصیبت همچنان پابرجاست، آنچه تغییر کرده مصیبت زده است نه مصیبت، او در اثر مرور زمان به آن عادت کرده است، در حقیقت خود مصیبت سنگین نبود، بلکه چون تازه بود سنگین بود و چون از تازگی افتاد. دیگر سنگین نیست، به همین جهت است که گفته اند، هنگام مصیبت شخص داناکاری می کند که جاهل چند روز بعد خواهد کرد، البته نویسنده خود معترف است که استقامت در مقابل مصیبت مثل نوشتن آن ساده نیست! ولی نتیجه درخشانی در پی دارد. این مقدمه برای مقاومت در مقابل سختیها بیان شد، شما اگر در زندگی خدای ناکرده به ناکامی یا بلایی دچار شدید هرگز نباید همه چیز را تمام به حساب آورید، مصیبتها و مشکلات هر قدر هم زیاد و سنگین باشند، چنان نیست که شما می پندارند، خیال نکنید که سعادت تمام شد، امیدها رفت، و خوشبختی پایان پذیرفت، نخیر، هیچکدام از این ها رخ نداده است، مگر اینکه شما خود بخواهید آن را ایجاد کنید، لحظات و روزهای اولیه مصیبت، روزهای تیره و تار و غبار آلود هستند، لیکن هرگز معیار آینده و نمای زندگی شما نیستند، اندکی صبر و استقامت از خود نشان دهید، آغاز مصیبت، با بعد از آن قابل مقایسه نیست، اگر عاقلانه فکر کنید و خود را بنازید، راههای نجات و سعادت بیارند، شما با جزع و فزع و بی تابی و یا بهانه گرفتن به خاطر اینکه چرا اخلاق همسرم چنین است، رخسارش چنان است، بدنش فلان عیب را دارد و مانند اینها، فقط مشکل خود را افزایش می دهید، و خود را ضعیف می کنید، برای مبارزه با مشکل به اعصاب و نیروی بیشتری احتیاج دارید، با اظهار ناراحتی خود را ضعیف نکنید، حسرت بی خود نخورید، با فکر باز و درایت کامل، و مرور زمان، می توانید عالی ترین نتیجه را بگیرید، و مطمئن باشید، شما می توانید، خوشبخت باشید، تا می توانید بر خود مسلط باشید، و برای رفع مشکل بکوشید، و اگر احیانا مشکل طوری بود که قابل حل نیست، به مسائل اصولی و حقیقت زندگی و نکات مثبت وی توجه کنید و مطمئن باشید که پس از گذشت مدتی باور خواهید کرد که مسئله آنچنان که می پنداشدید قابل اهمیت نبوده و برای شما هم قابل تحمل خواهد شد، شما خیال می کنید، آن کسی که مثلا با همسر نابینائی زندگی می کند، هر لحظه عمر او با احساسی شبیه احساس شما نسبت به کوری سپری می شود، و زجر می کشد، ولی هرگز چنین نیست، گذشت زمان و خو گرفتن با مشکل بهترین رام کننده نفس است. دانشمندی را گفتند به نظر شما سخت ترین مصیبت چیست؟ گفت: کوری، اتفاقا در اواخر عمر نابینا شد، مدتی بعد از او پرسیدند چرا؟ گفت: زیرا واهمه و ترس نابینائی بیش از خودش نگران کننده بود. دنیا را آنطور که هست بپذیرید هر کس که در این جهان زندگی می کند، باید قوانین و لوازم این دنیا را پذیرفته باشد، دنیا محل تراحم و مشکلات است. کسی که در این جهان زندگی می کند، اگر توقع مشکلات و حوادث را نداشته باشد، خود را فریب داده است، آن دنیائی که مشکلات و سختی در آن نباشد، بهشت است نه جهان ما. این حقیقت را در زندگی درک کنید و بپذیرید تا نه تنها از بروز حوادث غافلگیر نشوید، بلکه کم و بیش منتظر آن هم بوده و خود را هنگام حادثه بنازید، حادثه در دنیای ما مسأله عادی و رایج است. اگر بنا باشد در مقابل هر حادثه بی صبوری و ناامیدی پیشه کنید، و مدام غم و غصه بخورید، جز افسردگی و مریضی و پیری زودرس برای شما نتیجه نخواهد داد. صبر و استقامت در قرآن و حدیث صبر و استقامت یکی از ابزار مهم موفقیت در زندگی هر فردی است، مخصوصا برای افراد مؤمن و پایبند به اصول اخلاقی و دین. ارزش صبر در راه سعادت انسان آنقدر زیاد است که خداوند متعال

در قرآن مجید دهها بار از آن سخن گفته است، به این آیه مبارکه توجه فرمائید: ما قطعاً شماها را به اموری مانند ترس و گرسنگی و کمبود و خسارت در اموال و جانها و میوه‌ها، امتحان می‌کنیم، و مژده باد استقامت‌کننده‌ها را، آنها که وقتی مصیبتی به آنان وارد می‌شود می‌گویند، ما از خدائیم و به سوی او باز میگردیم، بر اینان باد درود و رحمت پروردگارشان، و ایشانند هدایت‌شده گان (۱۳۳) گاهی می‌فرماید: خداوند با صبر کنندگان است (۱۳۴)، گاهی می‌فرماید: به زیبایی صبر کن، (۱۳۵) و می‌فرماید: همدیگر را به صبر توصیه کنید، (۱۳۶) و می‌فرماید: با سختی آسانی است، با سختی آسانی است. (۱۳۷) اینها همه نشانده این حقیقت هستند که صبر و استقامت در سعادت انسان چقدر حساس و مهم است. امام صادق علیه السلام فرمود: نقش صبر در ایمان، همانند سر به بدن است، همچنانکه بدون سر، بدن نمی‌ماند، بدون صبر هم ایمان نمی‌ماند. (۱۳۸) و در حدیث دیگر حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: انسان آزاده، در همه حال آزاده است اگر سختی ببیند، استقامت می‌کند، مصیبت‌ها هر چه بر او زیاد شود او را نمی‌شکند، گرچه اسیر و مقهور شود، و از گشایش به سختی بیفتد، همچنانکه یوسف صدیق‌امین، وقتی برده شد و مغلوب و اسیر گردید به آزاده‌گی او لطمه نخورد، تاریکی و وحشت چاه و آنچه کشید به او صدمه نزد تا اینکه خداوند بر او منت نهاد و همان ستمگر متجاوز به او را، عبد او قرار داد و او را پیامبر مرسل نمود و امتی را به وسیله او مورد رحمت قرار داد. آری چنین است نتیجه صبر که نیکی به دنبال دارد، پس صبر کنید و صبر را به خود تلقین کنید تا پاداش ببرید. (۱۳۹) و در روایت دیگری حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که به بلائی مبتلا شود و صبر کند، همانند پاداش هزار شهید برای او خواهد بود. (۱۴۰) ۱۰ - سعادت دنیا و آخرت در گرو خوش اخلاقی است ((احسن الناس ایمانا احسنهم خلقا و الطفهم باهله انا اطفکم باهلی .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین ایمان را کسی دارد که بهترین اخلاق را دارد و نسبت به خانواده اش مهربانتر است و من از همه شما به خانواده ام مهربانترم. امام باقر علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که اخلاق بهتری دارد، ایمانش از همه کاملتر است. (۱۴۱) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در کفه هیچکس روز قیامت چیزی بهتر از اخلاق خوب قرار داده نمی‌شود. (۱۴۲) و فرمود: آنکه اخلاق خوب دارد همانند پاداش روزه دار در حال عبادت اجر می‌برد. (۱۴۳) و فرمود: بیشترین چیزی که امت مرا بهشتی می‌کند، تقوای الهی و اخلاق خوب است. (۱۴۴) اینها نمونه‌ای از دهها روایت است که در اهمیت و فضیلت خوش اخلاقی آورده شده است و هر کس که به سعادت دنیوی و اخروی خود علاقه مند باشد، باید بر اعصاب خویش مسلط باشد، و خوش اخلاق باشد، مشکلات و سختیها برای هر کس کم و بیش رخ می‌دهد، اما با برخوردی زیبا و اخلاق خوب، می‌توان از آنها به خوبی عبور کرد. شما با بد اخلاقی، فقط به سعادت خود لطمه می‌زنید، زندگی خود و دیگران را خراب می‌کنید، اگر سلامتی می‌خواهید، اگر شادی می‌خواهید خوش اخلاق باشید، که بد اخلاق نه دین دارد و نه دنیا. ((لا عیش اهننا من حسن الخلق .)) امام صادق علیه السلام در ضمن سفارش و نصیحت‌های خویش به یکی از اصحاب خود فرمود: هیچ زندگی گواراتر از خوش اخلاقی نیست. (۱۴۵) نتیجه بد اخلاقی در خانواده یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله مردی است به نام سعد ابن معاذ، او در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فوت نمود وقتی به حضرت خبر فوت او را دادند حضرت با اصحاب خود برخاست و دستور داد سعد را غسل دهند و خود کنار درب ایستاد پس از غسل و حنوط و کفن نمودن سعد، چون سعد را بر روی تابوت حرکت دادند، پیامبر پای برهنه و بدون عبا دنبال جنازه حرکت کرد، گاهی طرف راست و گاهی طرف چپ تابوت را می‌گرفت، تا اینکه به قبر رسید، پیامبر خود وارد قبر شد و لحد را چید و خشت را بر او قرار داد و با سنگ و گل اطراف خشت را محکم کرد و سوراخها را پوشاند. چون کار تمام شد، حضرت بر او خاک ریخت و روی قبر را صاف نمود و فرمود: من می‌دانم که بزودی بدن سعد متلاشی می‌شود و پوسیدگی به سراغ او می‌رود ولی خداوند دوست می‌دارد بنده چون کاری می‌کند آن را محکم انجام دهد (به همین جهت حضرت در پوشاندن قبر دقت فرمود). چون خاک قبر را صاف نمودند، مادر سعد صدا زد: ای سعد گوارا باشد بر تو بهشت، پیامبر فرمود: ای مادر سعد ساکت باش و بر خدا جرئت مکن! همانا سعد تحت فشار (قبر) قرار

گرفته است! نگاه پیامبر برگشت و مردم هم برگشته، از پیامبر پرسیدند ای پیامبر خدا، از شما کارهایی دیدیم راجع به سعد که نسبت به هیچکس انجام نداده بودی شما بدون کفش و ردا تشییع جنازه کردی؟ پیامبر فرمود: همانا ملائکه (در تشییع جنازه او) بدون کفش و ردا بودند (زیرا روایت دارد که جبرئیل با هفتاد هزار فرشته جنازه او را تشییع کردند) من هم به آنها اقتدا کردم. اصحاب گفتند: شما گاهی طرف راست و گاهی طرف چپ تابوت را می گرفتی؟ پیامبر فرمود: دست من در دست جبرئیل بود هر جا او می گرفت من هم می گرفتم، اصحاب گفتند: شما فرمان به غسل سعد دادی و بر او نماز خواندی و لحد او را در قبر قرار دادی سپس (با این همه فضیلت و احترام که برای سعد بود) فرمودی: آری در اخلاق او نسبت به خانواده اش زشتی بود (۱۴۶) (یعنی بد اخلاقی و تندی در خانواده و احیانا بددهنی موجب فشار قبر است گرچه انسان در سایر مسائل صاحب صفات پسندیده باشد). بنابراین آن مردی که نسبت به زن و فرزندان خود با خشونت برخورد می کند و گمان می کند تسلط بر خانواده به وسیله خشونت و بد اخلاقی دلیل مردی و موفقیت اوست سخت در اشتباه است و در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود بدترین مردم کسی است که مردم از ترس، او را احترام کنند (۱۴۷)، کانون خانواده زندان نیست که احیانا با خشونت در آن برخورد شود بلکه محل صفا و خشودی و پرورش جسم و روح انسان است.

قسمتی از روایات اسلامی در مورد آداب زندگی

سفارش نسبت به خانواده ((خیر کم خیر کم لاهله و انا خیر کم لاهلی)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برترین شما کسی است که نسبت به اهل خود نیکوتر باشد، من از همه شما نسبت به اهل خودم بهترم (۱۴۸) (در حالی که در جامعه امروز بسیاری از دیندارها خشونت یا بی اعتنائی به همسر خود را نشان دینداری یا مردانگی می دانند).!! توسعه در زندگی امام چهارم علیه السلام فرمود: رضایتمندترین شما نزد خدا کسی است که برای خانواده خود بیشتر خرج می کند و توسعه می دهد. (۱۴۹) و امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن به آداب خدا عمل می کند، هرگاه خداوند به او وسعت داد او هم توسعه می دهد (در وضع زندگی) و هرگاه خداوند امساک کرد او هم امساک می کند (۱۵۰) (هر وقت توان دارد دریغ نمی کند و هر وقت کم دارد اسراف و ولخرجی نمی کند). و فرمود: من ضامنم برای کسی که میانه روی کند، اینکه فقیر نشود. (۱۵۱) برای خانواده خرج کنید ((صاحب النعمه یجب ان یوسع علی عیاله)) امام رضا (ع) فرمود: آنکه نعمت دارد یعنی تمکن مادی دارد باید بر اهل و عیال خود گشایش دهد یعنی اگر می تواند برای خانواده خود خرج کند. (۱۵۲) اول خانواده بعد دیگران مردی به امام باقر عرض کرد: من مزرعه ای دارم که سه هزار درهم درآمد دارد، دو هزار درهم آن را خرج خانواده می کنم و هر سال یک هزار درهم آن را صدقه می دهم. حضرت فرمود: اگر آن دو هزار درهم برای تمامی مخارج خانواده ات کفایت می کند، (کار خوبی کرده ای زیرا) به فکر خودت بوده ای و همان کاری را که با وصیت بعد از مرگ دیگران انجام می دهند، تو در زندگانی خود، بهره را برده ای. (۱۵۳) ریخت و پاش نکنید حضرت علی ابن الحسین علیه السلام فرمود: مرد باید اندازه خرج کند، به مقدار کفایت، و زیادی را برای آخرت خود پیش بفرستد، این کار برای دوام نعمت مفیدتر و هم برای افزایش آن از خدا مؤثرتر و نسبت به سرانجام کار - روز قیامت - سودمندتر است. (۱۵۴) حضرت صادق علیه السلام فرمود: میانه روی چیزی است که خداوند عزوجل دوست می دارد و اسراف چیزی است که خداوند آن را زشت می دارد، حتی دور انداختن هسته خرما که به کاری آید، و یا زیادی آب را دور ریختن. (۱۵۵) پاداش بزرگ برای زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر بانویی که در خانه شوهر به منظور اصلاح کار منزل چیزی را از جائی به جای دیگر منتقل کند (یعنی در خانه کار کند) خداوند به او نگاه رحمت کند و هر که خداوند به او نظر کند وی را عذاب ننماید (یکی از همسران پیامبر (ص) بنام) ام سلمه گفت: ای فرستاده خدا، مردان تمام خوبیها را از آن خود کرده اند زنهای بیچاره چه نصیبی دارند؟ حضرت فرمود: بله چون زنی باردار شوهر همانند انسان روزه گیر و شب زنده دار که با جان و مال

خویش در راه خدا جهاد می کند پاداش خواهد داشت و چون زایمان کند آن قدر پاداش خواهد داشت که هیچکس مقدار آن را در عظمت نمی داند و چون فرزند خود را شیر دهد به هر مکیدنی که بچه شیر می خورد همانند آزاد کردن یک بنده از فرزندان اسماعیل در راه خدا ثواب به او تعلق می گیرد و چون از سیر دادن فارغ شود فرشته بزرگواری بر پهلو او زند که کار خود را از سر بگیر که گناهانت آمرزیده شد (۱۵۶) (یعنی اعمال بد سابق تو پاک شد از هم اکنون شروع کن به عمل خوب). میوه جمعه ((اطرفوا اهلکم فی کل جمعه بشی من الفاکهه کی یفرحوا بالجمعه .)) حضرت امیر علیه السلام فرمود: برای اهل و عیال خود در هر روز جمعه مقداری میوه تازه بپسند تا از جمعه خوشنود شوند. (۱۵۷) (و به همین وسیله نسبت به شعائر اسلامی احترام کرده محبتشان به دین زیاد شود). تقسیم کار امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: حضرت امیر علیه السلام و حضرت فاطمه (س) راجع به تقسیم کار از پیامبر نظریه خواستند پیامبر (ص) فرمود: کارهای تا دم درب به عهده فاطمه و کارهای پشت درب به عهده علی باشد، حضرت زهرا فرمود: از این تصمیمی که پیامبر گرفت و مرا از سر و کار داشتن با مردها بی نیاز کرد آنقدر شادمان شدم که جز خدا نمی داند، (یک بانوی فهمیده و مسلمان نیک می داند که کار در منزل و عدم معاشرت با اجانب نه تنها باعث سرشکستگی نیست بلکه افتخار زن مسلمان است پس تا وقتی احتیاج و ضرورتی به کار بیرون نیست بانوان بعنوان این ارزش در محافل و مجالس اجانب شرکت نکنند). به خاطر خانواده دین خود را فدا نکنید پیامبر اکرم (ص) فرمود: زمانی بر مردم می آید که دین کسی سالم نمی ماند مگر آنکه همانند روباه که بچه های خود را از سوراخ به آن سوراخ می برد، او هم از این جا به آنجا رود، عرض کردند: این زمان چه وقت است؟ فرمود: هنگامی که خرج زندگی جز با معصیت خدا بدست نیاید، در آن زمان بی همسر بودن حلال است!! عرض کردند شما به ما دستور ازدواج داده اید (چگونه می فرمائید، بی همسر بودن حلال است) فرمود: بله اما در آن زمان هلاکت مرد به دست پدر و مادرش انجام می گیرد، و اگر آنها نبودند، به دست همسر و اولادش صورت می گیرد، اگر همسر و اولاد هم نداشت بدست فامیلش و همسایه هایش هلاک می شود! پرسیدند چگونه چنین می شود یا رسول الله؟ فرمود: آنها او را به تنگدستی و کمی درآمد سرزنش می کنند و او را وادار می کنند به آنچه در توانش نیست تا اینکه او را به پرتگاه می اندازند. (۱۵۸) بطالالت و غفلت را کنار بگذارید یکی از آفات زندگی امروز در میان خانواده ها، غفلت و بطالت است، بسیاری از پدرها و مادرها وقتی در سنین جوانی هستند، عمر خود را به جمع دنیا و تلاش فراوان برای تاءمین آن سپری می کنند و چون پا به سن می گذارند، به جای تدارک گذشته از نظر معنوی، به بطالت و سرگرمیهای بیهوده، عمر را به هدر می دهند، و حتی حاضر نیستند در هنگام فراغت از امور دنیا به کارهای اخروی و جمع آوری توشه برای نجات اخروی خود پردازند. با نشستن بر سر کوچه و مغازه و مانند این امور و صحبتهای بیهوده و حل کردن امثال جدول و مسائلی از این قبیل عمر گرانبها را به هدر ندهید، که به هر لحظه آن افسوس خواهید خورد. امروز و فردا مکن، حسرت دارد ((کن علی عمرک اشح منک علی درهمک و دینارک .)) پیامبر اکرم (ص) به ابی ذر فرمود: نسبت به عمر خودت از درهم و دینارت بخیل تر باش، ای اباذر کارهایی که برای سودمند نیست، کنار بگذار. (۱۵۹) و حضرت امیر علیه السلام فرمود: از باقیمانده عمر خود برای جبران گذشته استفاده کن، برای خودت امروز و فردا مکن، چرا که گذشتگان تو با تکیه بر همین آرزوها و امروز و فردا کردن هلاک شدند، تا اینکه فرمان خدا (مرگ) ناگهانی بر آنها وارد شد، و آنها را بر روی چوبهای (تابوت) به قبرهای تاریک و تنگ منتقل کردند. (۱۶۰) و در روایت دیگری فرمود: هیچ کس نیست که لحظه ای بیکار باشد مگر اینکه حسرت آن را در قیامت می خورد. (۱۶۱) امام صادق علیه السلام فرمود: مردم تو را نسبت به خودت فریب ندهند، چرا که نتیجه به تو می رسد نه آنها، روز خود را با این و آن هدر مده، چون با تو کسانی هستند که کارهایت را ضبط می کنند هیچ کار خیر را، اندک نشمار که فردا آن را خواهی دید. (۱۶۲) پیامبر اکرم (ص) فرمود: در سلامت خود قبل از مریضی و در جوانی قبل از پیری و در فراغت قبل از گرفتاری و در زندگی قبل از مرگ، تلاش کنید، همانا جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد پروردگار شما به شما سلام

می‌رساند و می‌فرماید: هر ساعتی که در آن مرا یاد کنی، برایت نزد من ذخیره می‌شود، و هر ساعتی که مرا یاد نکنی از دست داده‌ای. (۱۶۳) پشیمانی بهشتیان پیامبر اکرم (ص) فرمود: اهل بهشت نسبت به هیچ چیز، از امور دنیا پشیمان نمی‌شوند مگر بر آن ساعتی که در دنیا بدون یاد خدا سپری کرده‌اند. (۱۶۴) و فرمود: هر که دو روزش مساوی باشد مغبون است. (۱۶۵) غصه عابد عابدی در هنگام مرگ گفت: من بر این خانه غصه‌ها و گناهان حسرت نمی‌خورم، حسرت من فقط بر آن شبهایی است که خوابیدم و روزهایی که بدون روزه گذشت و ساعتی که از یاد خدا غافل بودم. (۱۶۶) کاشکی قیمت انفاس بداندستندی تا دمی چند که مانده است غنیمت شمرند ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روزه دریایی چو پنجاه سالت برون شد ز دست غنیمت شمر پنج روزی که هست به غفلت تا به کی عمری چنین تنگ به منزل کی رسی پائی چنین لنگ گری بدانی در عقب‌ها چیست فرصت خاریدن سر نیست بی عوض دانی چه باشد در جهان عمر باشد، عمر، قدر آن بدان مدیر خانه مرد است ((کل امر تدبره امراه فهور ملعون)) حضرت امیر(ع) فرمود: هر مردی که امور او را زن بگرداند ملعون است. (۱۶۷) زن و فرزند شما را غافل نکنند ((لا تجعلن اکثر شغلک باهلک و ولدک فان یکن اهلک و ولدک اولیا الله فان الله لا یضیع اولیائه و ان یكونوا اعداء الله فما همک و شغلک باعداء الله.)) حضرت امیر(ع) فرمود: بیشترین تلاش خود را مشغول زن و فرزند خود مکن، اگر آنها از اولیاء خدا باشند خدا اولیا خودش را ضایع نمی‌کند، و اگر از دشمنان خدا باشند چرا تلاشت را صرف دشمنان خدا بکنی. (۱۶۸) (در حق اهل خود کوتاهی مکن اما سعادت خود را هم فدا مکن) دنیا هدف نیست غافل نشوید ((ابعده ما یكون العبد من الله عزوجل اذا لم یهمه الا- بطنه و فرجه.)) امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین موقعیت بنده نسبت به خداوند وقتی است که برای بنده جز شکم و شهوت همتی نباشد. (۱۶۹) (تمام هم و غم خود را صرف دنیا می‌کند و به فرک مسائل معنوی و مهم نیست). بی تفاوتی و محافظه کاری آفت خانواده‌ها ((من اصبح لا یتهم بامور المسلمین فلیس بمسلم.)) پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر که صبح برخیزد و در کار مسلمانان همت نگمارد مسلمان نیست. (۱۷۰) ازدواج و تشکیل خانواده با تمام امتیازات و ارزشهایی که دارد برای بسیاری از مردم دچار یک آفت بزرگ گردیده است، و آن بی تفاوتی نسبت به مسائل اصولی و افکار بلند انسانی است. تشکیل خانواده برای بسیاری به معنی، مشغول کسب و کار و درآمد و تامین معاش و رفاه شدن است، به گونه‌ای که توجه به وضع جامعه و سیاستهای داخلی به گونه‌ای که توجه به توطئه دشمنان و تشویق و دفاع از حقوق مسلمانان و ستیز و جدال با استثمار افکار باطل، برای آنها مسائل کم اهمیت و حاشیه‌ای و یا بی اهمیت می‌باشد، بسیاری جوانان تحصیل کرده‌ای که در دوران تحصیل، دارای احساساتی بسیار قوی بوده‌اند، و فریاد ستیزه‌جویی و دفاع از مستضعفین و حقوق محرومان و اظهار تنفر و انزجار آنها بر علیه مستکبران لحظه‌ای قطع نمیشد، اما با همین جوش و خروش، وقتی تحصیلات آنها پایان یافت و دستشان به مال و مقامی رسید و در اثر ازدواج سرگرم مسائل زندگی شخصی شدند بطور کلی تغییر کرده و سیصد و شصت درجه دگرگون شدند، حالا نه تنها سخن از محرومین و مستضعفین نمی‌گویند و به فکر آنها نیست، که خود جز همانها قرار گرفته و تا می‌شود سود خود را بالا می‌برد، و هر کسی هم که می‌خواهد آن شعارها را بدهد او را به تحقیر می‌گیرد. تمام فکر و ذکر او در مال و مقام زن و بچه او خلاصه شده است، و نه فکر مسائل سیاسی و نه امور مسلمانان و نه معنویات و مسائلی از این قبیل است. او دیگر آزادیخواه است و نه مدافع محرومین، او فقط عیال وار است همینرا میداند و بس. هوشیار باشید، مبادا، آنهمه افکار و احساسات عالی و بلند و آرمانهای الهی و انسانی را به فراموشی بسپارید و بخاطر تامین معاش از آنها غافل بمانید، مشکلات و پیچ و خم مسائل زندگی هرگز نباید افکار بلند و اهداف مهم الهی را در شما ضعیف کند و یا به فراموشی دهد، استقلال و آزادی و دفاع از اسلام و مظلومین در عمل و زبان همواره می‌بایست سر مشق زندگی زن و مرد باشد. ((من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم.)) پیامبر اکرم فرمود: وقتی کسی مسلمانی را به یاری طلبید، هر که بشنود و پاسخ ندهد مسلمان نیست. (۱۷۱) خوراک مؤمن و منافق ((المؤمن یا کل بشهوۃ عیاله و المنافق یا کل اهله بشهوته.)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن به

اشتهای خانواده اش غذا می خورد ولی منافق خانواده اش به اشتهای او غذا می خوردند . (۱۷۲) (یعنی مرد مؤمن نباید کاری کند که هر وقت خودش مایل بود چیزی بخورد یا بخرد ، خانواده اش هم از کنار خواسته او بخورند و اگر خودش نخواست خانواده اش هم باید محروم بمانند بلکه بر عکس باید به خاطر اینکه اهل و عیال او می خواهند تهیه کند و خودش هم استفاده کند) . رسیدگی به خانواده ((ملعون ملعون من ضیع من یقول)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : ملعون است ملعون ، کسی که درباره افراد تحت نظر خود کوتاهی کند . (۱۷۳) کمک به همسر در خانه ((کان امیرالمؤمنین علیه السلام یحتطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمه تطحن و تعجن و تخبز .)) امام صادق (ع) فرمود : امیرالمؤمنین علیه السلام هیزم تهیه می کرد و از چاه آب برای منزل می آورد و جاروب می کرد ، حضرت فاطمه (س) نیز گندم را آرد می نمود و خمیر می کرد و نان می پخت . (۱۷۴) و در روایت دیگری حضرت اضافه نمود که حضرت فاطمه جامه وصله می زد ، او از زیباترین مردم بود ، دو گونه او همانند دو گل (شکفته بود) درود خدا بر او و شوهر او و فرزندان او باد . (۱۷۵) (پس کار کردن مخصوصا در خانه برای مرد عار نیست گرچه از نظر تقسیم کار به عهده زن است که کار منزل را به عهده بگیرد .) به خانواده خود نیکی کنید تا عمر شما زیاد شود ((من حسن بره باهله زاد الله فی عمره .)) امام صادق علیه السلام فرمود : هر کس به خانواده اش به خوبی نیکی کند ، خداوند عمر او را زیاد می کند . (۱۷۶) هنگام ورود بر خانواده سلام کنید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : وقتی یکی از شما وارد اتاق شد ، سلام کند ، زیرا سلام برکت را نازل می کند و ملائکه با او انس می گیرند . (۱۷۷) امام صادق علیه السلام فرمود : مرد وقتی وارد بر خانواده می شود ، سلام کند ، و هنگام ورود کفش خود را بر زمین زند و صدائی (مانند گلو صاف کردن) بکند ، تا آنها متوجه شدند که او وارد شده است . (و خود را آماده کنند) تا مبادا که مرد چیزی که پسندش نیست ببیند - آری مرد نه تنها می بایست کنجکاو و عیب جوئی نکند بلکه ، برای اینکه مبادا خانواده اش آماده پذیرائی او نباشند ، و سر و وضع آنها مناسب نباشد ، اول آمدن خود را اعلام کند ، همچنانکه این حدیث به بانوان می فهماند خود را برای آمدن شوهر آماده کنند تا مبادا نگاهش به امری که خوش ندارد بیفتد . (۱۷۸)

والدین موفق

۱ - پدر دو شهید در مکتب اهل البیت علیهم السلام پس از شهادت علی علیه السلام و تسلط مطلق معاویه بن ابی سفیان بر خلافت اسلامی ، خواه ناخواه برخوردهایی میان او و یاران صمیمی علی علیه السلام واقع می شد ، همه کوشش معاویه این بود تا از آنها اعتراف بگیرد که از دوستی و پیروی (حضرت) علی سودی که نبرده اند سهل است ، همه چیز خود را نیز در این راه باخته اند ، سعی داشت یک اظهار ندامت و پشیمانی از یکی از آنها باگوش خود بشنود اما این آرزوی معاویه هرگز تحقق نیافت ، پیروان علی علیه السلام بعد از شهادت آن حضرت ، بیشتر واقف به عظمت و شخصیت او شدند ، از این رو بیش از آنکه در حال حیاتش فداکاری می کردند برای دوستی او و برای راه و روش او و زنده نگاه داشتن مکتب او ، جرئت و جسارت و صراحت به خرج می دادند ، کای گاهی کار به جایی می کشید که نتیجه اقدام معاویه معکوس می شد و خودش و نزد یکانش تحت تأثیر احساسات و عقاید پیروان مکتب علی علیه السلام قرار می گرفتند . یکی از پیروان مخلص و فداکار و با بصیرت علی علیه السلام عدی پسر حاتم بود ، عدی در راس قبیله بزرگ (طی) قرار داشت ، او چندین پسر داشت ، خودش و پسرانش و قبیله اش سرباز فداکار علی علیه السلام بودند ، سه نفر از پسرانش به نام (طرفه) و (طریف) و (طارف) در صفین در رکاب علی علیه السلام شهید شدند . پس از سالها که از جریان صفین گذشت و علی علیه السلام به شهادت رسید و معاویه خلیفه شد ، تصادف روزگار عدی بن حاتم را با معاویه مواجه ساخت . معاویه برای اینکه خاطره تلخی برای عدی تجدید کند و از او اقرار و اعتراف بگیرد که از پیروی علی بودن چه زیان بزرگی دیده است به او گفت : : این الطرفات ؟ پسرانت طرفه و طریف و طارف چه شدند ؟ : در صفین پیشاپیش علی بن

ایطالب شهید شدند. : علی انصاف را درباره تو رعایت نکرد. : چرا؟ : چون پسران تو را جلو انداخت و به کشتن داد و پسران خودش را در پشت جبهه محفوظ نگه داشت. : من انصاف را درباره علی رعایت نکردم. : چرا؟ - برای اینکه او کشته شد و من زنده مانده ام، من بایست جان خود را در زمان حیات او فدایش می کردم. معاویه که دید منظورش عملی نشد، از طرفی خیلی مایل بود اوصاف و حالات علی را از کسانی که مدتها با او از نزدیک به سر برده اند و روزگاری با او بوده اند بشنود، از عدی خواهش کرد اوصاف علی را از نزدیک دیده است برایش بیان کند. عدی گفت: معذورم بدار. : حتما باید برایم تعریف کنی. : به خدا قسم، علی بسیار دور اندیش و نیرومند بود، به عدالت سخن می گفت و با قاطعیت فیصله می داد، علم و حکمت از اطرافش می جوشید، از زرق و برق دنیا متنفر و با شب و تنهائی شب مأنوس بود، زیاد اشک می ریخت، و بسیار فکر می کرد، در خلوتها از نفس خود حساب می کشید و بر گذشته دست ندامت می سود، لباس کوتاه، و زندگانی فقیرانه را می پسندید، در میان ما که بود مانند یکی از ما بود اگر چیزی از او می خواستیم می پذیرفت و اگر به حضورش می رفتیم ما را نزدیک خود می برد و از ما فاصله نمی گرفت، با این همه آن قدر با هیبت بود که در حضورش جرئت تکلم نداشتیم و آن قدر عظمت داشت که نمی توانستیم به او خیره شویم، وقتی لبخند می زد دندانهایش مانند یک رشته مروارید آشکار می شد، اهل دیانت و تقوا را احترام می کرد و نسبت به بینوایان مهر می ورزید، نه نیرومند از او بیم ستم داشت و نه ناتوان از عدالتش نومید بود. به خدا سوگند یک شب به چشم خود دیدم در محراب عبادت ایستاده بود - در وقتی که تاریکی شب همه جا را فرا گرفته بود - اشکهایش بر چهره و ریشش می غلطید، مانند مار گزیده به خود می پیچید و مانند مصیبت دیده می گریست، مثل این است که الان آوازش را می شنوم، او خطاب به دنیا می گفت: ای دنیا متعرض من شده ای و به من رو آورده ای؟ برو دیگری را بفریب (یا هرگز فرصتی این چنین تو را نرسد) او را سه طلاقه کرده ام و رجوعی در کار نیست، خوشی تو ناچیز و اهمیت تو اندک است، آه آه از توشه اندک و سفر دور و مونس کم. سخن عدی که به اینجا رسید اشک معاویه بی اختیار فرو ریخت با آستین خویش اشکهای خود را خشک کرد و گفت: خدا رحمت کند ابوالحسن علیه السلام را همین طور بود که گفتی، اکنون بگو بینم حالت تو در فراق او چگونه است؟ عدی گفت: شبیه حالت مادری که عزیزش را در دامنش سر بریده باشند. معاویه: آیا هیچ فراموشش می کنی؟ عدی: آیا روزگار می گذارد فراموشش کنم (۱۷۹) مؤلف گوید: به امید آنکه یاران با وفای امامت مخصوصا خانواده های شهداء و دیگر دلاوران دفاع مقدس ما نیز پس از ایشان، از امام خویش و راه نورانی او که انقلاب اسلامی و ولایت فقیه است روی گردان نشوند و دشمنان حيله گر خود را از آرزوی ناامید کردن شاگردان امام و اظهار خستگی و یاس در ادامه راه او مایوس کنند. ۲ - تربیت دینی در مکتب اهل البیت علیهم السلام روزی معاویه مقداری عسل برای ابو الاسود دثلی به عنوان هدیه فرستاد و مقصودش آن بود که در دل آنها را بدست آورد و قلبشان را از محبت به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب خالی کند. ابوالاسود، دخترک پنج شش ساله ای داشت، همین که چشمش به ظرف عسل افتاد، انگشت در آن کرد و به دهان گذاشت. پدر گفت: دخترم این عسل را مخور که زهر است، معاویه می خواهد به وسیله این عسل ما را فریب دهد و از حضرت علی علیه السلام دور کند و ما محبت او و فرزندان او را از دل بیرون کنیم! دختر گفت: خدا روی معاویه را زشت کند، آیا می خواهد به وسیله عسل شیرین، ما را فریب دهد و از سرور پاک و بزرگوارمان جدا سازد، مرگ بر فرستنده عسل و خورنده آن باد! سپس انگشت خود را در گلو برد و آن قدر خود را رنج داد تا آنچه خورده بود قی کرد و سپس بعد از تنهی کردن خود از این غذای مسموم این شعر را سرود: ((ابا العسل المصفی یا ابن هند نیب لک ایمانا و دینا فلا و الله کیف یکون هذا و مولانا امیر المؤمنین)) آیا با عسل پاکیزه، ای پسر هند می خواهی دین و ایمان خود را به تو بفروشیم؟! به خدا سوگند که هرگز به این آرزو نخواهی رسید که مولا و پیشوای ما امیرالمؤمنین علیه السلام است (۱۸۰) مؤلف گوید: ابوالاسود دثلی از شیعیان امیرالمؤمنین است و گویند اولین کسی است که با تعلیم حضرت علی علیه السلام در ادبیات عرب سخن گفته است. ۳ - دعای پدر و موفقیت فوق العاده پسر در احوالات علامه مجلسی

رضوان الله علیه آمده است ، که پدر ایشان عالم بزرگوار ملا محمد تقی مجلسی رضوان الله علیه که از بزرگان علماء شیعه است می فرماید : یکی از شبها بعد از خواندن نماز و تهجد و گریه زاری به درگاه خداوند متعال ، خود را در حالتی دیدم که دانستم هر چه از درگاه خداوند متعال در خواست کنم ، البته به اجابت می رسد ، فکر کردم از خداوند چه بخواهم ؟ ناگهان صدای محمد باقر از گهواره بلند شد ، عرض کردم : خدایا بحق محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین ، این طفل را مروج دین و ناشر احام سید المرسلین قرار ده و او را به توفیقات بی نهایت خود موفق گردان و همانگونه شد که فرموده بود ، زیرا علامه مجلسی رضوان الله علیه خدماتی به دین و مکتب اهل البیت علیه السلام نمود که شاید در تاریخ اسلام سابقه نداشته است ، و یکی از آثار ارزشمند و جاوید این مرد بزرگ کتاب گران سنگ بحار الانوار است که جامع به چاپ رسیده است ، آری این است موفقیت پدر در تربیت فرزندی چنین شایسته و مفید . ۴ - استقامت و تدبیر یک مادر فداکار ابو طلحه انصاری نخستین میزبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه است ، او همسری داشت بنام ام سلیم ، ام سلیم هنگامی که دختر بود مسلمان شد و وقتی ابو طلحه از او خواستگاری کرد گفت : من همسر تو می شوم مشروط بر اینکه مسلمان شوی و آنقدر با او در مورد بطلان آیین بت پرستی سخن گفت تا اینکه ابو طلحه مسلمان شد و ام سلیم با او ازدواج کرد . مدتی بعد خداوند به آندو و پسری داد تا اینکه روزی این پسر مریض شد و روز به روز بیماریش سخت تر می شد ، ام سلیم که فرزند را در حال جان دادن مشاهده کرد برای اینکه شوهرش متوجه مرگ فرزند خود نشود او را (به بهانه ای) نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد ، با بیرون رفتن ابو طلحه آن پسر جان داد . ام سلیم پاهای او را رو به قبله کشید و جامه ای روی جنازه فرزندش انداخت و او را کناری خواباند و به تمامی اهل خانه سفارش نمود که هیچکدام از شما خبر مرگ پسر را به ابو طلحه ندهد تا اینکه خود او را آگاه کنم ، سپس از جای برخاست و غذائی پخت و خود را خوشبو نمود . پس از مدتی ابو طلحه وارد شد و از حال پسرش سوال کرد ، ام سلیم گفت : به خواب رفته ، ابو طلحه گفت : آیا در منزل چیزی برای خوردن هست ؟ ام سلیم غذا را حاضر کرد ، پس از صرف غذا ام سلیم با لبخند و گفته های شیرین ، شوهر را سرگرم کرد و در میان سخنان به او گفت : ای ابو طلحه ! نظر تو راجع به جماعتی که بعضی از همسایگان ایشان چیزی را به عنوان امانت در نزد آنها قرار دادند و آن جماعت مدتی از آن امانت برخوردار بودند پس از مدتی هنگامیکه آن همسایه آمد و امانت خود را از آنها گرفت ، آن جماعت شروع به گریه وزاری کردند که چرا این همسایه امانت را از ما پس گرفته است چیست ؟ ابو طلحه گفت : اینها جزء دیوانگان هستند زیرا چیزی که مال آنها نبوده بلکه بعنوان امانت در اختیار آنها بوده ، پس دلیلی ندارد که بعد از برگرداندن امانت گریه وزاری کنند . ام سلیم گفت : ای ابو طلحه سزاوار است که ما از دیوانگان نباشیم ، همانا فرزند تو امانتی الهی بود که خداوند متعال آن را از ما پس گرفت . ابو طلحه از صبر و تحمل همسرش تعجب کرد و گفت : من به صبر و استقامت از تو سزاوارترم ، فردا صبح که ابو طلحه برای نماز جماعت خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و تمام ماجرا را بازگو کرد ، پیامبر اکرم از صبر ام سلیم تعجب نمود و در حق او دعا کرد و سپس فرمود : خدایا دیشب این دو نفر را مبارک گردان . ام سلیم باردار شد و پسری به دنیا آورد او را به نزد پیامبر فرستاد تا حضرت از کودک کام برداشت و در حق او دعا نمود و نام او را عبدالله نهاد ، مردی از انصار می گوید : از اولاد همین عبدالله نه فرزند را دیدم که همگی قاری قرآن بودند . (۱۸۱) برخی گفته اند این پسر سی و دو سال نماز شب خود را با وضوی نماز مغرب و عشا می خواند ، و گفته اند از مریدان خاص حضرت علی علیه السلام بود که در جنگ صفین در رکاب آن حضرت به شهادت رسید . (۱۸۲) ۵ - مادر اندیشمند و فرزند فرزانه صاحب بن عباد یکی از بزرگان و دانشمندان می باشد ، نام وی اسماعیل و کینه اش ابو القاسم است که ملقب به صاحب گردید . او وزیر مویده الدوله و فخر الدوله و شیعه بسیار استواری بود شیخ صدوق رحمه الله کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را برای وی تصنیف نمود و در اول آن از او تمجید بسیار کرده است ، او عالمی بزرگوار و در فنون شعر و ادب و کلام بسیار قوی بود ، گویند جمعیتی که در مجلس درس او برای استفاده می نشستند آنقدر زیاد بود که یک گوینده نمی توانست صدا را به شنوندگان برساند بطوریکه نیاز به شش

نفر می شد. ابن خلکان درباره او گوید: او نادره زمان و اعجوبه عصر بود در فضیلت و بزرگواری و بخشش. گویند: برای جابجائی کتابهای او نیاز به چهار صد شتر بود. (۱۸۳) در احوالات او آمده است، در سنین کودکی وقتی برای درس به مسجد می رفت (سابقا در مساجد نیز درس می خواندند) مادرش هر روز، یک دینار و یک درهم به او می داد و می گفت: پسرم این درهم و دینار را به اولین فقیری که در میان راه دیدی بده، و او این کار را انجام می داد حتی بعد از فوت مادرش نیز این روش نیکو را رها نکرد، و هر شب به خدمتکار خود می گفت: یک دینار و یک درهم در زیر بسترش بگذارد تا هنگام صبح فراموش نکند و آنرا به فقیر دهد. اتفاقا شبی خادمش فراموش کرد و صبح بعد از نماز وقتی صاحب دست به زیر بستر برد چیزی نیافت، این اتفاق را به فال بد گرفت، و پنداشت که اجلش نزدیک است، به خدمتکاران خود دستور داد تا رختخواب و دیگر تزئینات از جمله فرش و پرده و پستی را جمع کرده، و به اولین فقیر که برخوردند بدهند تا کفاره تاءخیر این کار شود. خدمتکاران دستور را اجرا کردند و در بین راه سید نایبائی را دیدند که زنی دست او را گرفته می برد، آن اشیاء را به او دادند، نایبنا پرسید: اینها چیست؟ گفتند: رختخواب، فرش پرده پستی دیبا... مرد نایبنا از شنیدن این سخنان بیهوش شد. وقتی او را نزد صاحب بن عباد آوردند و با پاشیدن آب به هوش آمد از او پرسید: چرا بیهوش شدی! گفت: من مرد محترم و شریفی هستم و از این زن دختری دارم، مردی از دخترمان خواستگاری کرده است و ما هم دختر را به ازدواج او در آورده ایم، اکنون دو سال است که صرفه جوئی کرد و برای دخترمان جهیزیه تهیه می کنیم، دیشب این زن که مادرش است گفت: برای جهیزیه دخترمان یک رختخواب و یک پستی دیبا هم لازم است، من اظهار ناتوانی کردم، خلاصه اینکه میان من و همسرم، اختلاف شد و کار به نزاع کشید، از او خواستم صبح که شد دست مرا بگیرد و از خانه بیرون بیاورد ببینم چه میشود، که در بین راه با این آقایان برخورد کردیم که به من گفتند: این رختخواب و پستی دیبا را بگیر، و از (شدت تعجب و حیرت) بیهوش شدم، صاحب بن عباد که مرد کرم و بزرگواری بود دستور داد تا جهیزه ای متناسب و مناسب با آن رختخواب و پستی دیبا تهیه کردند و داماد را حاضر کرده و مخارج یک سال زندگی را نیز به او پرداخت نمود (۱۸۴) ۶- مادر شهید و افتخارات او نسبی که به ((ام عماره)) معرف گردید، از زنان قهرمان عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله است، او در تمام جنگهای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای آب دادن به سپاهیان و مداوای مجروحین حضور نزدیک داشت، در جنگ احد از آغاز روز، مشکی پر از آب بر دوش داشت و به رزمندگان اسلام در جبهه احد که تشنه می شدند آب می داد. جالب اینکه، پس از شکست مسلمانان در اواخر جنگ احد نسبی، مشک را به کنار انداخت و خود را سپر پیامبر صلی الله علیه و آله نمود، و از هر سو از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می کرد، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ((به هر طرف نگاه می کردم می دیدم، نسبی از من دفاع می کند)) تا آنکه سیزده زخم برداشت، یکی از زخمهایی که به شانه اش رسیده بود، بقدری عمیق بود که تا یک سال مداوا می کرد، و تا آخر عمر هم گودی زخم در شانه اش باقی ماند. در همین جنگ بود که پیامبر صلی الله علیه و آله دید یک نفر از مسلمین با سپر خود در حال فرار است، به او فرمود: سپر را بینداز، او سپر را انداخت، نسبی آن را برداشت، کافری رسید شمشیری به سویش فرود آورد، او با سپر شمشیر را رد کرد، و با کمک پسرش عبدالله او را کشتند، و اسبش را از پای در آوردند. نسبی دید فرزندش عبدالله می خواهد فرار کند، جلو او را گرفت، و گفت: به کجا می گریزی آیا از خداوند و پیامبرش صلی الله علیه و آله فرار می کنی؟ و او را برگرداند و به جنگ ادامه داد، سواری بر عبدالله زخم سنگینی وارد آورد، نسبی با چابکی تمام، بی درنگ زخم فرزندش را بست، و گفت: برخیز و در جنگ سستی مکن، خود به آن سوار حمله کرد و زخمی بر پایش وارد ساخت، پیامبر صلی الله علیه و آله که از این صحنه سخت مسرور شده بود فرمود: ((آفرین بر تو که خوب انتقام گرفتی)). در این جنگ فرزندش عبدالله شهید شد، ولی نسبی همچنان با تیراندازی و شمشیر از جان پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می کرد، به حدی فداکاری کرد، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نسبی از ((فلان و فلان)) بهتر است، (منظور از این جمله سردمداران نفاق بودند که فرار کردند). به هر حال نسبی به پیامبر صلی الله علیه و آله

عرض کرد: از خدا بخواه تا ما را در بهشت همراه شما قرار دهد، پیامبر صلی الله علیه و آله همین دعا را فرمود. (۱۸۵) درود خدا بر خانواده های شهدا و تمامی رزمندگان عزیز اسلام مخصوصا جانبازان و آزادگان بزرگوار که عظمت جامعه اسلامی ما مرهون زحمات و تلاش این بزرگواران است و الحمدلله اولاً و آخراً.

تربیت فرزند در مکتب اهل بیت علیهم السلام و مسائل محرم و نامحرم

فرزند و والدین

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلی علی محمد و اهل بيته الطاهرين و لعنة الله علی اعدائهم اجمعين .)) دست تدبیر الهی برای بقاء نسل انسان، علاوه بر علاقه به بقا از وقتی که فرزند متولد می شود، محبت او را در دل پدر و مادر او قرار می دهد، آنان از راهی که خود نمی شناسند، به این نوزاد علاقه مند می شوند، و همین علاقه و محبت بسیار، سرمایه گرانقدری است که پشتوانه حیات و تربیت طفل است. اگر نبود این علاقه بسیار، هرگز پدر و مادر، راضی نمی شدند، برای طفلی این همه زحمتهای طاقت فرسا متحمل شوند و سرمایه مادی معنوی خود را صرف او کنند. و این خود یکی از اسرار مهم آفرینش است، اما این فقط کودک نیست که از والدین استفاده می کند، والدین نیز از این کودک بهره می برند در حقیقت بطور ناخواسته مزد زحمات خود را نیز بدست می آورند. آری، صفا و صمیمیتی که نوزاد به خانواده می دهد، ارضاء غریزه بقا و خواسته درونی پدر و مادر که با آمدن کودک تأمین می شود، لذتهایی که والدین از دیدن فرزند، خندیدن و نشاط او می برند. و بالاخره، تقویت روحیه و اراده والدین که برای تأمین نیازهای مادی و معنوی طفل صورت می گیرد و تحت عنوان پدر و مادر جلوه می کند، این همه پاداش و مزدی است که پدر و مادر در همان کودکی از فرزندشان دریافت می کنند. اینها همه گذشته از پاداشهای معنوی است که در اثر تعلیم و تربیت و تأمین نیاز کودک بدست خواهند آورد، مخصوصاً وقتی فرزند شایسته آنها، دعاگوی آنها باشد. والدین عزیز: اگر می خواهید بزرگترین بهره را در زندگی و تربیت فرزند ببرید، سعی کنید از اول تولد فرزند، تصمیم بگیرید، نیت کنید و بنا بگذارید که این فرزند را بخاطر خدا و برای دستورات او و اینکه در آینده فردی مؤمن و خدمتگذار برای مسلمانان باشد، بزرگ کنید، اگر چنین کنید، تمام زحمات شما الهی می شود. و شما همانند کسی که در عبادت خداست اجر می برید، انشاء الله. این کار که فقط به یک تصمیم جدی نیاز دارد، بسیاری از مشکلات را آسان و به شما نیروی فوق العاده می دهد، به گونه ای که هرگز احساس ضعف یا بیگاری بیهود نخواهید کرد. و مهمتر از همه شما با این نیت، همواره فرزند خود را در مسیر الهی نگه خواهید داشت. و بدانید که در دنیای کنونی ما، تربیت فرزند و تأمین معاش او، احتیاج به اراده آهنین و هدفی مقدس دارد، که با آن نیت الهی، شما به این اهداف نائل خواهید شد انشاء الله.

بارداری و شیر دادن

زمان باروری جنسی و ازدواج به موقع دوره فعالیت تناسلی زن تقریباً سال است یعنی اگر متوسط بلوغ جنسی (نه شرعی) را در ۱۵ سالگی و هنگام قطع عادت را ۴۵ سالگی حساب کنیم، فاصله ۳۰ سال می شود، لیکن این بدان معنی نیست که زن در سن ۱۵ سالگی می تواند باردار شود، خیر این بستگی به رشد جسمانی او دارد و چه بسا که تا سن ۲۰ سالگی بارداری برای دختر مناسب نباشد. دوره فعالیت تناسلی مرد طولانی تر از زن است، چه حدوداً در سن ۱۶ سالگی بالغ شده. و تا ۶۰ سالگی ادامه دارد و گاهی تا ۸۰ سالگی نیز این قابلیت باقی می ماند، اما بعد از ۵۵ سالگی ربه ضعف می نهد. و از همین نظر است که اغلب اوقات، اطفال اینگونه افراد، ضعیف و نحیف می گردند، بنابراین در آمیزش جنسی باید شرایط جسمی و استعداد مزاجی طرفین در نظر گرفته

شود تا بعدا به سلامتی زوجین و فرزندان آنها لطمه ای وارد نشود. ازدواج‌هایی که زودتر از موعد انجام می‌گیرد چه بسا بخاطر افراط در مسائل زناشویی موجب ضعف و تحلیل قوای بدن و ابتلاء به انواع بیماریها شود، در دختران نیز، کسانی که خیلی زود شوهر نمایند، ممکن است نتوانند که تعداد دلخواه صاحب فرزند شوند زیرا مبتلا به سقط جنین می‌شوند، چرا که لگن خاصره بخاطر کوچکی هنوز گنجایش جنین و رشد آن را ندارد. بارداری اینگونه افراد چه بسا پر زحمت و با مشقت بوده و در نتیجه زحمات طاقت فرسا ممکن است شکل و اندام آنها را تغییر و آنها را زودتر پیر کند، اولاد اینگونه افراد نیز در بسیاری از موارد ضعیف و فاقد نیروی جسمانی طبیعی خواهند بود. از طرفی اگر سن مرد از ۵۵ به بالا- و یا زن از ۴۰ بگذرد، ازدواج برای آنها مشکلاتی را بدنبال خواهد داشت. زیرا اعضاء و نسوج زن قابلیت انعطاف را از دست خواهد داد، و برای حاملگی دچار زحمت بسیار خواهد بود، چرا که جنین وقتی رحم از طرفین توسعه نیافت، به سمت بالای شکم پیشرفت می‌کند و اعضایی مانند کبد، معده و طحال و اعضای سینه مانند قلب تحت فشار قرار خواهند گرفت. بدین سبب است که اینگونه افراد معمولا دارای درد، طپش قلب، سرگیجه، تشنج و تهوع هستند و این مسأله در زنانی که می‌خواهند بعد از گذشت ۴۰ سالگی برای بار اول حامله شوند بسیار سخت تر است، مخصوصا هنگام زایمان دچار مشکل جدی هستند، و چه بسا هم جنین مرده بدنیا می‌آید و اگر زنده بماند دارای قیافه محزون و مبتلا به امراض گوناگون و از جمله نرمی استخوان خواهد بود.

دعا و استغفار برای بچه دار شدن

امام سجاد علیه السلام به یکی از اصحاب خود فرمود: برای بچه دار شدن بگو: ((رب لا تذرني فردا و انت خير الوارثين، و اجعل لي من لدنك وليا يرثني في حياتي و يسغفر لي بعد موتي و اجعله خلفا سويا و لا تجعل للشيطان فيه نصيبا، اللهم اني استغفرک و اتوب اليک انک انت الغفور الرحيم.)) یعنی خدایا مرا تنها مگذار و تو بهترین وارث هستی، برای من از نزد خود کسی را قرار ده که از من ارث برد در حیاتم و استغفار کند برای من بعد از مرگم، و او را سالم قرار ده و برای شیطان در او نصیبی قرار مده، بار خدایا از تو طلب آموزش می‌کنم و به سوی تو بر می‌گردم، تویی آمرزنده مهربان، این دعا را هفتاد بار بخواند، هر که این دعا را بسیار خواند، خداوند آنچه امید دارد از مال و فرزند همراه با خیر دنیا و آخرت به وی خواهد داد خداوند می‌فرماید: ((استغفرا ربکم انه کان غفارا يرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا. (۱۸۶))) فرزند شایسته گل بهشتی است، خود را محروم نکنید ((الولد الصالح ریحانه من ریاحین الجنة)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند شایسته گلی از گل‌های بهشت است. (۱۸۷) بارداری یکی از پدیده‌های مهم زندگی هر بانویی است. در روایات متعدد، با بیانات گوناگون، رهبران اسلامی کوشیده‌اند، امت اسلامی را به ازدواج و تناسل و تولید مثل تشویق کنند، و اینکه از نظر اسلامی زنی که باردار می‌شود و از آوردن بچه امتناع نمی‌کند، بر آن زنی که باردار نمی‌شود و یا از آوردن بچه امتناع می‌کند، ترجیح دارد که جای هیچگونه شک و تردیدی نیست، و اصولا امتناع از بارداری بطور مطلق، مخالف هدف مهم ازدواج و غریزه طبیعی انسان که مایل به بقاء و تولید مثل است می‌باشد. اولاد از نعمتهای بزرگ خداوندی است، که کانون گرم خانواده را صفائی دیگر می‌بخشد و پدر و مادر را مصمم تر و پر نشاط می‌گرداند، این آرزوی هر عروس و دامادی است که بر ثمره گلستان خانواده خود نگاه کنند و وجود سراسر لطف. محبتشان را، نثار او کنند مردی بنام بکر ابن صالح گوید به ابو الحسن علیه السلام (حضرت رضا یا موسی ابن جعفر علیهما السلام) نوشتم که پنج سال است که از بچه دار شدن خودداری کرده‌ام زیرا خانواده‌ام بچه نمی‌خواهد و می‌گوید: بزرگ کردن ایشان بخاطر تنگدستی مشکل است، شما چه می‌فرمائید: حضرت در جواب نامه مرقوم فرمود: بچه بخواد که خداوند به آنها روزی می‌دهد. (۱۸۸) و در فصل اهمیت ازدواج پاره‌ای از این روایات گذشت، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نسل خود را زیاد کنید که من به آن افتخار می‌کنم، و یا فرمودند زنی بگیرد که بچه دار می‌شود و

مانند آن ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : فرزند بخواهید ، و از آن روگردان نباشید ، همانا فرزند روشنی چشم و (همچون) گل (صفای) دل است ، و پرهیزید از ناتوانی و نازائی (۱۸۹)

ارزش بارداری و شیردادن بچه

حضرت امیر علیه السلام فرمود که پیامبر اکرم راجع به جهاد و فضیلت آن سخن گفت ، در این میان بانوئی به حضر عرض کرد : یا رسول الله پس سهم زنان چیست ؟ حضرت فرمود : آری زن از هنگام بارداری تا زایمان و سپس تا از شیر گرفتن طفل ، پاداشی مانند کسی که در راه خدا جهاد می کند برای اوست ، و اگر در این مدت از دنیا برود همانند شهید است (۱۹۰)

احتیاط در آمیزش

((نهی النبی (ص) عن وطی الحبالی حتی یضعن)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آمیزش با زن باردار تا وقتی که زایمان کند . (۱۹۱) و در روایت دیگری پیامبر اکرم به علی علیه السلام فرمود : اگر همسر تو باردار است با وی آمیزش مکن مگر اینکه با وضو باشی . (۱۹۲) متخصصین گویند : بطور کلی آمیزش با زن باردار در ماههای آخر بارداری اصلا صلاح نیست و چه بسا موجب عفونت یا سقط جنین می گردد - و در ماههای اولیه بارداری اگر با احتیاط توأم باشد ضرری ندارد .

نکات لازم برای فرزندی سالم

جنین موجودی است زنده و بسیار حساس ، آسیب پذیری او در هنگامی بیشتر است که علائم بارداری به اندازه کافی واضح و روشن نشده است . بنابراین خانمهایی که در سنین باروری قرار دارند باید با بروز کمترین علائم مثل تاخیر رگل یا حالاتی که و یار نامیده می شود به پزشک زنان مراجعه کنند ، تا بتوانند از خطرات احتمالی برای خود و جنین در امان باشند ، کسانی که فرزندان سالم و شاداب می خواهند می بایست در مورد جنین خویش مراقبتهای لازم را بنمایند . رعایت نکات زیر در دوران بارداری به سلامتی جنین و نوزاد آینده کمک می کند . ۱ - تغذیه مناسب : رشد جنین بطور مستقیم بستگی به تغذیه مادر دارد ، غذای مادر باید کافی و حاوی ویتامینها و املاح و آهن باشد که با مصرف نان ، شیر ، کره ، پنیر ، تخم مرغ ، گوشت ، میوه جات و سبزیجات تاءمین می گردد ، مواد قندی و نشاسته نیز برای رشد جنین و احتیاجات فیزیولوژیکی مادر لازم است ، این مواد در برنج سیب زمینی ، غلات و انواع شیرینی ها و قند موجود است . اما باید به حد تعادل خورده شود ، زیرا پر خوری منجر به چاقی می گردد و چاقی زیاد در دوران بارداری مضر است معمولا افزایش وزن مادر در تمام دوره حاملگی نباید از ۱۰ - ۱۲ کیلوگرم بیشتر باشد . یکی از موادی که خیلی ضروری است ماده ای است بنام کلسیم که برای ساخته شدن استخوان بندی جنین لازم است ، چون کلسیم در شیر بطور کلی در لبنیات به مقدار زیاد وجود دارد ، لذا بهتر است زنان باردار و شیرده حداقل روزی دو لیوان شیر بنوشند ، علاوه بر شیر از ماست و پنیر هم می توان استفاده کرد . ۲ - پیشگیری از ابتلاء به بیماریهای عفونی و تب دار : مادر به علت تاءثیر شدید و وابستگی زیاد با جنین باید از برخورد با اشخاص بیمار ، سرماخورده ، رفتن به مراکز شلوغ ، بچه های بیمار ، اجتناب کند زیرا بیماری و داروهائی که برای رفع آن مصرف می شود ، ممکن است مشکلاتی را ایجاد کنند . ۳ - داروها : دارو هر چقدر هم که بی ضرر باشد نباید بی تجویز پزشک متخصص مصرف گردد . ۴ - لباس و کفش مناسب : پوشیدن لباس و کفش مناسب در راحتی مادر سهم به سزائی دارد . ۵ - نرمش های روزانه و گردش : در هوای آزاد و پیاده روی ، موجب راحت تر شدن زایمان می گردد . (۱۹۳)

بچه زیبا

امام صادق علیه السلام به پسر زیبا نظر نموده فرمود: پدر این جوان باید گلابی خورده باشد و در روایتی نیز خوردن گلابی برای مادر موجب طراوت فرزند شمرده شده است.

خرما برای زن هنگام زایمان

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ التیام بخشی مانند خرما برای زانو موثر نیست، زیرا خداوند حضرت مریم را در هنگام نفاس (زایمان) به خرمای تازه روزی داد. (۱۹۴)

خاصیت خوردن کندر برای زنان باردار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به زنان باردار خود کندر بخورانید که فرزند چون در شکم مادر با کندر تغذیه شود، عقلش محکم می شود و اگر پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد عظمت عجیب‌تها فتحظی عند زوجها (از نظر جسمی در امور جنسی کامل می گردد) (۱۹۵)

لقمه حرام در طفل اثر می گذارد

((کسب الحرام ببین فی الذریه)) امام صادق علیه السلام فرمود: در آمد حرام در اولاد اثر می گذارد - یعنی پدر و مادر باید مراقب باشند، که غذای حرام نخورند و گرنه نطفه ای که با غذای حرام درست شده و یا جنینی که با غذای حرام تغذیه شده باشد، در فرزند اثر نامطلوب باقی می گذارد (۱۹۶)

حالات و روحیات مادر در روان طفل اثر می گذارد

نواقصی که در ساختمان جنین در شکم مادر پدید می آید، منحصر به ضایعات جسمانی نیست، بسیار اتفاق می افتد که فرزند در رحم مادر دچار عوارض روانی و انحرافهای معنوی می شود که ظاهراً ناپیداست، ولی مادر زمینه های آن را در فرزند آماده نموده و بچه با وضع اسرار آمیزی با همان زمینه ها و شرائط شکل می گیرد و پس از ولادت و گذشت زمان تدریجاً آن اسرار نهفته را آشکار می کند. (۱۹۷) شاید یکی از رموز دستورات دینی به اینکه همسری، انتخاب کنید، که اخلاق و دین داشته باشد، و ازدواج با زن احمق پرهیزید که فرزندش ضایع است، در همین نکته نهفته باشد، مادر فقط بدن و جسم طفل را پرورش نمی دهد، بلکه صفات اخلاقی بسیاری از مادر به فرزند سرایت می کند. مادر در دوران بارداری، می بایست از آرامش و اعصاب خوب، برخوردار باشد، هیجانات فوق العاده ترس های زیاد، حتی بغض و کینه و حسدهای شدید و اموری مانند اینها می تواند در روح و روان و حتی جسم جنین اثر سوء بگذارد.

صفات روحی مادر هم سرایت می کند

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: ((انظر فی ای شیء ء تضع ولدک فان العرق دساس)) ببینید و دقت کنید که نطفه خودتان را در چه محلی قرار می دهید، که اخلاق سرایت می کند. (۱۹۸) محمد حنفیه یکی از فرزندان حضرت علی علیه السلام است، حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل، او را پرچمدار لشکر نمود، حضرت به او فرمان حمله داد،

محمد حمله کرد، اما دشمن با بارش تیر مانع از حمله او شد، او صبر کرد تا تیرها کمتر شود، حضرت خود را به او رسانید و فرمود: نترس، در میان نیزه‌ها حمله کن که مرگ سپر خوبی است!! او کمی پیشروی کرد، ولی باز متوقف شد. علی علیه السلام از این ضعف فرزندش آزرده شد، نزدیک آمد و با قبضه شمشیر بر او کوبید و فرمود: ((ادرکک عرق من امک،)) این ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده ای (۱۹۹)، آری، اگر پدری همچون حضرت امیر علیه السلام که قهرمان بی همتای میدان نبرد است، برای کسی باشد اما مادر او دارای برخی صفات نباشد، باز تأثیر مادر سبب انتقال آن ضعف به فرزند می شود.

کنترل جمعیت راحتی در جمعیت کمتر

((قلۃ العیال احد الیسارین)) حضرت علی علیه السلام فرمود: کمی زن و بچه یکی از دو راحتی است (۲۰۰) - عیال بمعنای افراد تحت سرپرست می باشد. مال و فرزند شما را غافل نکند ((یا ایها الذین آمنوا لا تلهمکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله فمن یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون.)) خداوند متعال می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید، دارائی، و فرزندان شما، شما را از یاد خدا باز ندارند - کسانی که چنین کنند اینان از زیانکارانند (۲۰۱).

فرزندش او را بد عاقبت کرد

((مازال الزبیر رجلا من اهل البیت حتی نشاء ابنه المشوم عبدالله)) حضرت علی علیه السلام فرمود: زبیر (نام مردی از اصحاب پیامبر است) همواره با ما خانواده بود تا پسر شوم او عبدالله بزرگ شد (۲۰۲) (این حدیث را در بحث مسئولیت پدر و مادر توضیح خواهیم داد) بچه دار شدن از ازدواج کردن که بالا-تر نیست مسأله ۴: مستحب بودن ازدواج گاهی بخاطر بعضی جهات حکمش تغییر می کند، گاهی ازدواج واجب می شود مثل آنجائی که اگر ازدواج نکند به گمان بسیار در حرام می افتد یا ضرر می بیند و گاهی هم ازدواج حرام می شود، مثل آنجائی که ازدواج موجب شود که واجبی ترک شود مثلاً- تحصیل علمی که بر او واجب است انجام نشود، یا حقی از حقوق واجب ترک شود، و گاهی نیز ازدواج مکروه است، و آن جائی است که شخص با ازدواج در کار مکروه بیفتد (۲۰۳) ... بنابراین، کسانی که می دانند - و کیست که نداند؟! - در عصر کنونی بخاطر مشکلات اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی فراوان که بسیاری از آنها در اختیار پدر و مادر هم نیست، نمی توانند رعایت ضوابط شرعی و الهی را در مورد خود و تربیت فرزندان خود بنمایند، و لاقلاً دچار دهها مکروه می شوند، بهتر است نسبت به زیادی فرزند حساب شده فکر کنند. بسیار سادگی است اگر کسی گمان کند، حکم اسلام به مستحب بودن فرزند داشتن، ضابطه و حدی ندارد، این حکم استجابی هم مثل سایر احکام استجابی دیگر همانند، ازدواج زیارت مومن، استحباب قرض، سلام کردن و غیره دارای مرز و حدودی است که ابعاد آن و تقدم و یا تاخر آن نسبت به سایر ارزشها می بایست طبق نظر علماء و مجتهدین انجام گیرد. آیا کسی هست که معتقد باشد، چون ازدواج مستحب است، پس هرزه گی در ازدواج و هر روز به دنبال زنی رفتن و عیاشی کردن و از تمامی ارزشها دوری کردن هم مستحب است؟!

اول فکر کن بعد انجام بده

آیا نباید هر کس، شرائط خود و مسائل مهم را در نظر بگیرد و به عاقبت کار فکر کند و سپس اقدام کند؟ در روایت است که مردی خدمت حضرت رسول (ص) آمد و عرض کرد مرا نصیحتی بفرما، حضرت فرمود: آیا می پذیری؟ گفت آری، حضرت سه بار ابن پیمان را از او گرفت سپس فرمود: ترا سفارش می کنم، هر وقت خواستی کاری انجام دهی، به عاقبت آن فکر کن، اگر صلاح است انجام بده و اگر صلاح نیست و رهایش کن. (۲۰۴)

عقل و تدبیر هم نعمت خداست

برخی گویند، که روزی دهنده فرزند خداست؟! ما گوئیم درست است روزی و تمام حالات و نیروهای انسان همه و همه در دست خداست، اما فکر و اندیشه و عقل و تدبیر هم یکی از ابزار الهی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده است. آیا می شود گفت که چون روزی دهنده خداست، پس باید دنبال کار و کسب نرفت؟! آیا می شود گفت که چون روزی دهنده خداست، پس انسان اموالش را حیف و میل کند؟! خیر، در روایت است که دعای چند نفر مستجاب نیست، یکی از آنها مردی است که خداوند به او نعمت داده، او همه را می بخشد بعد دعا می کند که خداوند به او روزی دهد، خداوند می فرماید: مگر به تو روزی بسیار ندادم، چرا میانه روی نکردی؟! (۲۰۵) آری درست است که روزی دهنده خداست، اما در عین حال طلب روزی کردن و به دنبال کار و کسب رفتن که امام صادق علیه السلام فرمود: برخی از روزیها پوست را بر استخوان می خشکاند، (۲۰۶) یعنی با ج... کردن و به سختی بدست می آید، مگر نه این است که امروزه، بمقتضای حدیث امام صادق علیه السلام که فرمود: زمانی بر مردم می آید که چیزی بهتر (یا کمیاب تر) از دوست مناسب و پول حلال نیست (۲۰۷) و اینکه در آخر الزمان پول حلال کم است و در آوردن مخارج زندگی از راه حلال بسیار مشکل شده است؟! آیا اینهمه بی انصافی و دزدی و رشوه و فحشاء و مردم آزاری که از بعضی مشاهده می شود. این همه گرگ صفتی و درنده خوئی که اعصابها را ضعیف کرده و مردم را به یکدیگر بد بین و تند خود کرده است جز برای بدست آوردن روزی است؟! امام صادق علیه السلام فرمود: با شمشیر جنگیدن آسان تر است تا یافتن روزی حلال. (۲۰۸)

پدر و مادر مسئول تربیت فرزندان هستند

آیا پدر و مادر، مسئول تأمین خوراک و پوشاک و مسکن و درس و تربیت و اخلاق فرزندانشان نیستند، آیا شما فکر می کنید که دین مقدس اسلام فرموده است که اولاد فراوان خوب است، هر چند پدر و مادر را بدبخت کنند، روح و جسم آنها را خراب کنند، پدر و مادر را از فکر دین و اخلاق و انجام وظائف باز دارند؟! هر چند فرزندان نیز هر کدام دارای دهها مفاسد اجتماعی از قبیل بی تربیتی و فحاشی و فساد و اعتیاد باشند؟! مگر نه این است که از حقوق اولاد بر پدر و مادر این است که آنها را تربیت کنند و به آنها ادب بیاموزند، آیا بدون کنترل و فکر می توان، همه فرزندان را اسلامی تربیت کرد، آنچه تاکنون گفته شد، فرزند از دید خانواده است، اما در بعد اجتماع، و مسائلی که رشد بی رویه جمعیت بر اجتماع پدید می آورد، مسائل دیگری دارد که متخصصین آن را تذکر داده اند، مسأله وقتی جدی می شود که فرزند بسیار در سطح خانواده و اجتماع هر دو دارای مشکلات سنگین باشد، نه پدر و مادر از عهده خرج و تربیت آنها برآیند و نه اجتماع و امکانات آن.

اداره زندگی مشکل است

((هلك صاحب العيال)) امام رضا علیه السلام از پدرش و ایشان از امام صادق علیه السلام روایت کنند که حضرت صادق از کنار صیادی می گذشتند، فرمودند: چه نوع حیوانی بیشتر در دام تو می افتد؟ جواب داد: پرندۀ بچه دار! حضرت در حالی که از کنار وی می گذشت فرمود: صاحب عیال هلاک است، صاحب عیال هلاک است. (۲۰۹) یعنی زن و بچه دار بسیار در معرض خطر است.

کم باشد ولی اندازه، بهتر است از ...

امام سجاد علیه السلام فرمود: پیامبر به چوپانی که شتر می چراند عبور کرد، کسی را فرستاد تا مقداری نوشیدنی (شیر) از او بگیرد، چوپان گفت، اما شیری که در پستان شتر است برای مصرف صبحانه (فردا) است و اما آنچه در ظرفهاست مصرف شام آنها است. حضرت فرمود: خدایا مال و فرزندش را زیاد کن! سپس به چوپانی که گوسفند می چراند عبور کرد و کسی را فرستاد تا مقداری نوشیدنی از وی بگیرد چوپان آنچه شیر در پستان گوسفند بود دوشید سپس آنچه در ظرف خود نیز داشت روی آن ریخته همراه با گوسفندی نزد پیامبر فرستاد و عرض کرد: این موجودی ماست اگر دوست دارید اضافه کنیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرضه داشت خدایا به او اندازه عنایت کن، (مقداری که محتاج کسی نباشد). یکی از اصحاب پیامبر عرض کرد: یا رسول الله برای آن چوپان که شما را رد کرد دعائی نمودی که همه ما دوست می داشتیم (زیادی مال و فرزند) و برای آنکه شما را اجابت کرد دعائی فرمودی که همه ما نسبت به آن کراهت داریم، حضرت فرمود: آنچه کم باشد و کفایت کند بهتر است از آنچه زیاد باشد ولی انسان را به غفلت اندازد، بعد فرمود: ((اللهم ارزق محمدا و آل محمد الکفاف)) خدایا محمد و آل محمد را به اندازه کفایت روزی بده. (۲۱۰) (و طبق کافی حضرت فرمود: خدایا به محمد و آل محمد و دوستان ایشان به مقدار کفایت و عفت عطا کن، و به دشمنان محمد و آل محمد مال و فرزند بده). (۲۱۱)

زن و بچه شمارا به حرام نیندازد

((یا ابن مسعود لا تحملنک الشفقه علی اهلک و ولدک علی الدخول فی المعاصی و الحرام .)) پیامبر اکرم در سفارشات خود به عبدالله ابن مسعود به وی فرمود: ای پسر مسعود، مهربانی و دلسوزی بر خانواده و فرزندان، تو را به انجام حرام و گناه نیندازد، خداوند متعال می فرماید: روزی که مال و پسران در آن سود ندهد مگر کسی که با قلب سالم نزد خداوند آید. (۲۱۲)

جلوگیری از باد داری

جلوگیری از بار داری به معنای بیرون کشیدن آلت و بیرون ریختن منی، جائز است گر چه این کار، خطرات بار داری نا خواسته را در پی دارد، زیرا ممکن است ذرات ریز از منی زودتر وارد، رحم شود، به هر حال این کار جایز است. همچنانکه جلوگیری از بار داری از طریق خوردن قرص و یا قرار دادن پوشش بر روی آلت نیز شرعا اشکالی ندارد، اما گذاردن دستگاہ در مجرای زن برای جلوگیری از بار داری به خودی خود مانعی ندارد ولی از آنچه که لازمه این کار نگاه کردن به عورت زن است، حرام می باشد، هر چند این کار را دکتر زن انجام دهد، زیرا نگاه کردن به عورت زن بر زن هم حرام است. پس اگر بشود از راهی که مبتلا به این محذور نشوند، انجام داد، مانعی ندارد. اما بستن لوله ها و یا عقیم نمودن، طبق گفته برخی از فقهاء اگر قبل از بچه دار شدن باشد، جایز نیست، زیرا جنایت حساب می شود، اما پس از اینکه زن و شوهر صاحب حداقل یکی دو فرزند شدند، دیگر اشکالی ندارد، بشرط آنکه حرام دیگری مثل نگاه کردن به عورت در پی نداشته باشد.

بهترین شیر برای بچه

((ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکه علیہ من لبن امه)) حضرت امیر(ع) فرمود: هیچ شیری برای بچه با برکت تر از شیر مادرش نیست (این سخن در مادرانی مؤثر است که دلسوز فرزندان خویش هستند نه مادرانی که به اندام و رفاه خود بیش از فرزندشان اهمیت می دهند). (۲۱۳)

به فرزند خود جفا نکنید

امام صادق (ع) فرمود: مدت شیر دادن به بچه (به وسیله سینه مادر) بیست و یک ماه است هر چه از این کم شود ستم بر بچه است . (۲۱۴) مؤلف می‌گوید: اهمیت شیر مادر امروز بر کسی پوشیده نیست، متخصصین راجع به منافع شیر مادر و امتیازات آن، سخن فراوان گفته‌اند، پس بر مادران دلسوز و شایسته است، تا فرزند دلبند خود را از این نعمت الهی، که حق خالص و طبیعی اوست، محروم نکنند.

مادر شیخ انصاری او را به وضو شیر می‌داد

یکی از بزرگترین علماء شیعه که کتابهای ارزنده وی هم اکنون در حوزه های علمیه تدریس می‌شود، آیه الله العظمی شیخ مرتضی انصاری است، به مادر شیخ گفته شد: فرزندت به درجات عالییه ای از علم و تقوی رسیده است، پاسخ داد: من ترقی بیشتری هم از او انتظار داشتم، زیرا هنگام شیر دادن، هرگز او را بدون وضو شیر ندادم، حتی در شبهای سرد زمستان هم وضو می‌گرفتم و سپس به وی شیر می‌دادم.

ارزش مادری که به فرزند خود شیر می‌دهد

پیامبر اکرم در حدیثی به همسرش ام سلمه فرمود: زن وقتی که حامله می‌شود همانند یک انسان روزه دار، که شب را به عبادت سپری می‌کند، و در راه خدا با جان و مال جهاد می‌کند، پاداش خواهد برد، وقتی که زایمان کند آنقدر پاداش می‌برد که از زیادی در فکرش نمی‌گنجد. و چون فرزندش را شیر دهد، به هر جرعه ای که نوازد می‌مکد، پاداش آزاد کردن یک بنده از فرزندان حضرت اسماعیل برای اوست، و چون از شیر دادن فارغ شود، فرشته ای بر پهلوی او زند و می‌گوید: آمرزیده شدی، از نو شروع کن. (یعنی مثل کسی هستی که تا به حال کار بد نکرده و تازه می‌خواهد انجام وظیفه کند)(۲۱۵)

فرزند و تربیت او یکی از دو راحتی

((قله العیال احد الیسارین)) امیر المؤمنین (ع) فرمود: عیال کمتر یکی از دو راحتی است. (۲۱۶) (و آن دیگری رفاه مادی است، آنها که با زیاد کردن جمعیت خانواده خویش دچار کدورت و سختی شدید و اعصاب ضعیف و مریض و بدی اخلاق و دوری از دستورات دین می‌شوند راحتی را انتخاب کنند). سعدی می‌گوید: ای گرفتار و پای بند عیال دیگر آسودگی مبنی خیال غم فرزند و نان و جامه و قوت بازت آرد ز سیر در ملکوت همه روز اتفاق می‌سازم که به شب با خدای پردازم شب چو عقد نماز می‌بندم چه خورد بامداد فرزندم

آیا سالم است؟

در روایت است که امام چهارم علیه السلام وقتی مژده فرزندش را به او می‌دادند، سؤال نمی‌فرمود که پسر است یا دختر، اول می‌پرسید آیا سالم است؟ اگر سالم بود می‌فرمود: شکر خدای را که از من فرزند ناسالم نیافرید(۲۱۷) (یعنی اهمیت به سالم بودن است نه دختر و پسر بودن، اگر سالم باشد بهترین لطفها را خداوند به پدر و مادر خود طفل کرده است پس ناشکری نکنید). هر چه خدا بخواهد خوب است دختر باشد یا پسر برای یکی از شیعیان دختری متولد شده بود، نزد امام صادق آمد، حضرت دید ناراحت است فرمود: بگو ببینم اگر خداوند به تو وحی کند و از تو پرسد که من برایت انتخاب کنم یا خودت برای خودت انتخاب کنی چه می‌گویی؟ عرض کرد: می‌گویم خدایا شما برایم انتخاب کن، حضرت فرمود: خدا برای تو (دختر) انتخاب کرده است. سپس (حضرت با اشاره به داستان موسی و خضر که خضر آن پسر بیچه را کشت و موسی اعتراض کرد) فرمود آن پسر بیچه که آن

عالم او را کشت خداوند عزوجل می فرماید: ((فاردنا ان یبدلها ربهما خیرا منه زکوٰۃ و اقرب رحما .)) یعنی خداوند خواست فرزندی پاکیزه و نزدیکتر به جای آن پسر بچه به آنها عنایت کند سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند بجای آن، پسر دختری به آنها داد که هفتاد پیامبر از او متولد شد. (۲۱۸) یعنی فرزند اگر صالح باشد دختر و پسر ندارد، و انسان باید در تربیت آنان کوشا باشد چه بسیار دخترانی که مردان را تاب صعود به مقام و درجه آنها نیست، آری ممکن است در شرایط خاصی تربیت دختر بخاطر مسائلی که زمانه و جو جامعه ایجاد کند مشکلتر باشد و لیکن هر قدر که انسان بیشتر زحمت بکشد اجرش بیشتر و اثرات اجتماعی و دینی آن هم بخاطر تاءثیر شدید و عمیق مادر بر فرزند و خانواده بیشتر است. شاید بتوان گفت: یک بانوی شایسته بیش از یک مرد می تواند در موفقیت و پیشرفت جامعه مؤثر باشد، آنهمه تاکید می کند که از هنگام انعقاد نطفه در رحم مادر چه از جهت دینی و چه در مسائلی بهداشتی و روانی شده است. بطوری که حتی پایه های اصلی سعادت کودک از نظر جسمی و روحی از مادر شروع می شود و بعد از آن هم هنگام شیردادن و کودکی و تربیت و سپس کانون خانواده و سپس مسئولیت او در قبال مسائل اجتماعی و غیره همه حکایت از اهمیت و حساسیت نقش زنان در نزد رهبران اسلامی دارد زیرا بنای سلامت جسم و روح جامعه بوسیله مادر پی ریزی می شود.

گل خوشبو

مردی نزد پیامبر بود، به او خبر دادند که فرزندی برایش متولد شده، رنگ صورتش پرید پیامبر فرمود چه شده؟ گفت: خیر است حضرت فرمود: بگو، گفت: وقتی من می آمدم زخم در حال زایمان بود به من خبر دادند که دختر زائیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زمین او را بر می دارد و آسمان سایه می اندازد و خدا روزیش می دهد و برای تو هم گلی است که می بوئی (۲۱۹) (چرا ناراحتی) الحدیث - مؤلف گوید: آداب و رسوم جامعه و خانواده ها گاهی چنان در اعماق روح و جان افراد رسوخ می کند که حتی علم و آگاهی ایشان نیز مانع از تغییر آن نمی شود، شخصیکه خود را روشنفکر یا متفکر و دیندار می دادند باز در اثر تلقین و ارزشهای کاذب از خود عکس العمل نشان می دهد و نسبت به همسری که او گلی آورده است خشمگین می شود، اینان فقط پستی خود را با این اعمال آشکار می کنند. جارود ابن منذر گوید: امام صادق به من فرمود: به من خبر رسیده که دختری برایت متولد شده و تو او را دوست نداری، او چه ضرری برای تو دارد؟ گلی است که می بوئی و روزیش هم به عهده دیگری است. ((و کان رسول الله (ص) ابا بنات،)) پیامبر اکرم هم پدر چند دختر بود. (۲۲۰)

دختر سود خالص است

((البنات حسنات و البنون نعمه و الحسنات یتاب علیها و النعمه یسال عنها)) امام صادق علیه السلام فرمود: دختران نیکی ها هستند و پسران نعمتها، نیکی ها پاداش دارند و از نعمتها سؤال می شود (بنابراین دخترها از نظر دینی برای پدر و مادر بیشتر بهره دارند).

چه بسیار دختر که از پسر بهتر است

یحیی ابن زکریا گوید از حضرت هادی علیه السلام ضمن نامه ای، تقاضا نمودم برایم دعا کند تا خداوند به من پسری عنایت فرماید، حضرت در جواب نامه مرقوم داشت: چه بسیار دختری که از پسر بهتر است، وقتی همسرم زایمان نمود، دختری به دنیا آورد، ولی همچنانکه حضرت فرمود بود، دختری شد بهتر از بسیاری از پسران دوران. (۲۲۱)

اذان و اقامه در گوش نوزاد

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر که فرزندی خدا به او دهد باید در گوش راست او اذان نماز بگوید و در گوش چپ اقامه بگوید که این کار او را از شیطان رجیم نگه می‌دارد. (۲۲۲)

ختنه مفید و لازم است

((اختنوا اولادکم لسبعه ایام فاءنه اطهر و اسرع لنبات اللحم و ان الاءرض تکره بول الاءغلف .)) امام صادق فرمود: فرزندان خود را طی هفت روز ختنه کنید که پاکیزه تر و گوشت او را سریعتر می‌رویاند و همانا زمین از ادرار فرد ختنه نکرده کراهت دارد. (۲۲۳) مؤلف گوید: ختنه کردن واجب است حتی بعد از بلوغ.

عقیقه لازم است

((کل مولود مرتهن بالعقیقه .)) امام صادق علیه السلام فرمود: هر نوزادی در گرو عقیقه است و در روایت دیگری پیامبر فرمود: نوازد در گرو عقیقه است خواه پدر و مادر او را از این گرو بیرون آورند یا نیاورند. (۲۲۴) روایت دارد که دادن پول عقیقه کفایت نمی‌کند باید گوسفند یا گاو یا شتری بکشند و بهتر است و عقیقه چاق باشد و پدر و مادر از عقیقه نخورند مخصوصاً مادر).

اولین هدیه به فرزند

((فلیحسن احدکم اسم ولده .)) حضرت موسی ابن جعفر (ع) فرمود: اولین خدمت مرد به فرزندش، نام نیکو است، بر هر یک از شما لازم است که برای فرزندش نامی نیکو انتخاب کند. (۲۲۵)

اهمیت و برکت نام محمد و فاطمه در خانواده

ابو هارون گوید: من در مدینه همنشین امام صادق علیه السلام بودم، چند روز نزد حضرت نرفتم، وقتی خدمتش رسیدم حضرت فرمود: ای ابا هارون چند روز تو را ندیدم؟ عرض کردم: پسری برایم متولد شده، فرمود: خداوند مبارک گرداند نامش را چه گذاردی؟ عرض کردم او را محمد نامیدم، حضرت همین که نام محمد را شنید در حالی که می‌فرمود: محمد، محمد، محمد، آنقدر خم شد تا صورتش نزدیک زمین قرار گرفت، سپس فرمود: جانم و فرزندانم و خانواده و پدر و مادرم تمام اهل زمین همگی فدای رسول الله باد، به فرزندت بد نگو و او را مزن و اذیتش مکن، و بدان در زمین خانه ای نیست که در آن نام محمد باشد مگر اینکه هر روز تقدیس می‌شود، سپس حضرت به من فرمود: آیا او را عقیقه کرده ای؟ جوابی ندادم، حضرت از سکوتم پی برد که من انجام نداده‌ام. شخصی را صدا زد و به گونه ای که من متوجه نشوم به او چیزی فرمود: به گمان کردم که به آن شخص دستوری خصوصی داده است، خواستم بلند شوم فرمود: سرجایت باش، آن مرد سه دینار آورد و به من داد، حضرت فرمود: برو دو گوسفند فربه تهیه کن و آنها را ذبح کن خودت بخور و به دیگران هم بخوران. (۲۲۶) و در روایتی که در حقوق و تربیت اولاد ذکر خواهد شد، امام صادق علیه السلام به مردی که نام دخترش را فاطمه نهاده بود فرمود: وقتی نام او را فاطمه نهادی، به او بد مگو، نفرینش مکن و او را مزن. (۲۲۷)

از نامهای زشت پرهیز کنید

((ان الشیطان اذا سمع منادیا ینادی باسم عدو من اعدائنا اهتز و اختال)) امام باقر (ع) فرمود: شیطان چون بشنود کسی همنام دشمنان ما را صدا می‌کند و به وجد و طرب در می‌آید.

نامهای زشت را تغییر دهید

((ان رسول الله (ص) كان يغير الاسماء القبيحة في الرجال و البلدان .)) پیامبر اکرم (ص) نامهای زشت در مردها و شهرها را تغییر می داد . (۲۲۸)

به پیامبر جفا نکنید

((من ولد له اربعة اولاد لم يسم احدهم باسمي فقد جفاني .)) پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر که خداوند به او چهار فرزند (پسر) بدهد و یکی از ایشان را بنام من نکند به من جفا کرده است .

امام حسین علیه السلام نام علی را دوست می داشت

امام حسین علیه السلام به والی مدینه که نامش مروان بود و به حضرت از اینکه دو فرزندش را علی گذارده است عیب گرفت ، حضرت بعد از ملامت وی فرمود: اگر برای من یکصد فرزند زاده شود دوست دارم همه را اسمی جز علی نگذارم . (۲۲۹)

اثر نامهای نیکو

ابوالحسن (امام رضا علیه السلام) فرمود: در خانه ای که در آن محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا عبدالله یا فاطمه باشد فقر و احتیاج وارد نمی شود . (۲۳۰) مؤلف گوید: نام فرزندان علاوه بر اینکه نشان دهنده مقدار دینداری و علاقه پدر و مادر به دین است ، خود تبلیغی و تشویقی است به مکارم الاخلاق و ارزشهای صاحب آن نام ، و به همین جهت هر گروهی که بخواهند مرام و روش محبوب خود را زنده کنند با نام آنها نامگذاری می کنند ، و هر اندازه که نامهای خوب موجب تقویت دین در سطح فرد و جامعه می گردد ، نامگذاری به نامهای افراد فاسد یا مسائل ناهنجار سبب لکه دار شدن ارزشهای واقعی است . پس بهتر است که پدران و مادران هوا و هوسهای جاهلانه خود را کنار گذارند و به ارزشهای دینی و معنوی توجه کنند و نامهای رهبران دینی که از زیبایی لفظ و معنی بر خوددار است برای فرزندان خود انتخاب کنند .

حقوق و تربیت اولاد

یکی از افرادی که خدمت امام صادق علیه السلام رسیده بود گوید: ناراحت و غصه دار بودم ، حضرت به من فرمود: از چه ناراحتی؟ عرض کرد: دختری برآیم متولد شده است!! حضرت فرمود: سنگینی آن بر زمین است و روزی آن بر خدا ، نه روزی تو را می خورد و نه از عمر تو استفاده می کند ، راوی گوید: با شنیدن این کلمات ، غم و غصه از دل من بیرون رفت . حضرت پرسید: نامش را چه گذاری؟ عرض کردم: فاطمه ، با شنیدن این نام حضرت منقلب شد ، دوبار فرمود: آه آه ، و دست خود را بر پیشانی گذارد ، سپس فرمود:

حقوق پسر بر پدر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: حق پسر بر پدر این است که (اولا) مادرش را (یعنی همسر خود را) احترام کند و با او حرف رشت نگوید ، برای پسرش نام نیکو قرار دهد ، قرآن به او یاد دهد ، و او را پاکیزه بدارد ، و شناکردن را نیز به او یاد دهد .

حقوق دختر بر پدر

اما حق دختر بر پدر این است که (اولاً) مادرش را (یعنی همسر خود را) احترام کند و با او حرف رشت نگوید، برای دخترش نام نیکو انتخاب کند، سوره نور به او یاد دهد، ولی سوره یوسف (که ممکن است موجب وسوسه باشد) به او یاد ندهد، دخترش را در طبقه بالا- جای ندهد، و در شوهر دادن او عجله کند، سپس (حضرت صادق علیه السلام) فرمود: وقتی دختری را فاطمه نامیدی به او بد مگو، او را نفرین مکن و مزین. (۲۳۱)

روح طفل مثل جسم او لطیف است، مواظب باشید

فرزندى که خداوند به شما عنایت فرموده است، امانت خداست در دست شما، هم جسم او و هم روح او، شما که نسبت به سلامت او مسئول می دانید، نسبت به سلامت روح او نیز مسئولید. فرزند شما روحی دارد همانند جسم او لطیف و پاک، همچنانکه دوره یک تا پنج سالگی در اطفال از نظر جسمی فوق العاده مهم است و رشدی سریع در آنها ایجاد می شود، همین دوران نیز در شکل گیری روحیات او بسیار مؤثر است. فرزند شما گرچه به ظاهر از نظر عقلی نمی فهمد، اما اخلاق و آداب خانواده به شدت در او تأثیر می کند، و بطور ناخودآگاه، روحیات او را شکل می دهد، او با اخلاق خانواده بار می آید، گرچه خود نیز نداند. مراعات شخصیت او را بکنید، هرگز تحقیرش نکنید، او را به مفاسد اخلاقی مبتلا نکنید، ارزش را در درون روح او عملاً قرار دهید، یعنی شما و پدر و مادر عزیز، خودتان مراعات اخلاق را بکنید، خوب با هم صحبت کنید، حرص و طمع، حسد و عصبانیت، نداشته باشید.

اخلاق و ارزشها را با رفتار خود به طفل تلقین کنید

ارزشهای اخلاقی را برایش تلقین کنید، آن هم در عمل، یعنی به گونه ای بر خورد کنید که باور کند، علم بهتر از ثروت است، اخلاق بهتر از جمال و مال است. اگر شما در سخنان و برخوردهای خود نسبت به دیگران، همیشه ارزش را به مال و جمال و مقام و رفاه بدهید، فرزندتان هم همانگونه بار می آید. او همواره به فکر رسیدن، به این ارزشهای کاذب خواهد بود. پدر و مادر آگاه، وقتی از کسی تعریف می کنند و آن را بزرگ می شمردند باید بخاطر جنبه های اخلاقی و مهم باشد، تا بچه هم عملاً این را باور کند، شما دیده اید که اگر خانواده به نظافت و تمیزی اهمیت دهند، فرزندانشان آنها هم تمیزی و نظافت برایشان اهمیت می یابد. مبادا که پدر و مادری، بخاطر کیفیت غذا خوردن و یا شستشو و یا لباس پوشیدن، دهها بار با فرزندانشان صحبت کنند و تذکر دهند. اما نسبت به اخلاق او دین او راستگویی او، بد دهن نبودن او، حسود نبودن و یا تنبلی او تذکری ندهند یا جدی برخورد نکنند.

فرزندانشان خود را از نظر روحی واکسینه کنید

تربیت اولاد باید هماهنگ با سن اولاد صورت گیرد، آن وقت که بچه نمی فهمد، باید در عمل، او را تربیت کرد، یعنی با رفتار شایسته با او و در خانه، ارزشها را به او تلقین کرد، فرزندانی که دوران کودکی را در خانواده پاک و ارزشمند سپری کرده اند، و روحیات آنها به شکل زیبا و مناسبی شکل گرفته است، وقتی به سن رشد و درک می رسند، و در مقابل آراء و افکار و شهوات گوناگون قرار می گیرند خود را مجهز می یابند، و در مقابل فساد و فحشاء واکسینه شده می باشند و دچار انحرافات و امراض سخت اخلاقی نمی شوند، و نسبت به انجام کارهای خوب، در سرایشی قرار دارند و به راحتی انجام می دهند. اما فرزندانی که از

این موهبت بی بهره بوده اند، و روحیات آنها به علت جو بد خانواده و اخلاق و رفتار ناهنجار پدر و مادر، به طور ناشایستی پرورش یافته است. آنها همانند طفلی که زمینه امراض گوناگون را به ارث برده باشد، برای انحرافات مستعد و آماده هستند، اینها از درون، متمایل به صفات ناپسند هستند، وقتی به سن رشد و درک می رسند، خود را با جو اخلاقی ارزشمند، نامتناسب احساس می کنند، کارهای اخلاقی و پر ارزش برای آنها سخت و کم فروغ است. حتی اگر صفات اخلاقی خود را هم درک کنند و بفهمند که روحیات آنها نامناسب است، زیر پا گذاردن و نادیده گرفتن آنها و تغییر عادت و ارزشهای درونی، کاری است بس مشکل، که از عهده هر کسی مخصوصا جوان کمتر بر می آید. حضرت علی علیه السلام فرمود: ((اصعب السياسات نقل العادات .)) سخت ترین برنامه ها تغییر دادن عاداتهاست. (۲۳۲) جوانان خود را طوری تربیت کنید، که هنگام رشد و فهم، خود را نسبت به ارزشهای واقعی بیگانه ندانند، بلکه متمایل به نیکی باشند، حضرت علی علیه السلام در سفارشات خویش به یکی از فرزنداناش می فرماید: دل بچه همانند زمین آماده است که هر چه در آن نهاده شود می پذیرد. من به تربیت تو قبل از اینکه دلت سخت شود و ذهنت مشغول گردد اقدام کردم. (۲۳۳)

تربیت دختر با پسر فرق دارد، آنها را برای آینده آماده کنید

تربیت دختر و پسر باید نزد پدر و مادر فرق داشته باشد، مبدا که دختران خود را مثل پسر بزرگ کنید، پسر باید به گونه ای پرورش یابد، که در زندگی فردای او یک مرد پر استقامت و با عقل در مقابل امواج زندگی باشد. چرا برخی از والدین، سعی دارند بجای تربیت و تقویت عقل پسران خود، به سر و وضع آنها و زیبایی نامعقول آنها پردازند، به گونه ای که بچه حس زیبایی او بیش از عقلش تقویت می شود. لباسهای بچه ها باید زیبا و روشن باشد، اما ناهنجار و سبک نباشد، پسرها باید سردی و گرمی، شکست و استقامت و تلاش را، در خانواده تمرین کنند. در تربیت دختران، بخاطر نقش حساس آنها در مسئولیتهای خانوادگی و تاءثیر آن در اجتماع، باید مراقبت بیشتری نمود. دختر وقتی به سن هفت سالگی رسید، کم و بیش باید متوجه شود، رفتار و وظائف او با پسر فرق دارد، اگر بنا باشد، هر جایی که پسر می رود دختر هم برود و یا او را ببرند، هر طور که پسران لباس می پوشند، او هم بپوشد، و پسروار بزرگ شود، آیا دختری که مثل پسر احساس آزادی در پوشش کرده است، در سن رشد و درک می توان او را دستور حجاب داد؟! حجاب برای این دختر، مثل روسری برای پسران سخت و مشکل است. دختران شما عروسک نیستند، زندگی آینده آنها به بانوئی نیاز دارد، خوش فکر، با ادب و اخلاقی بلند و دینی محکم، همراه با تمیزی و نظافت و شوهر داری و ملاحظت، کاری کنید که این خدمات در دختران تقویت شود، حس زیبایی جوئی و زینت کردن در بانوان بطور غریزی وجود دارد و چه بسا افراط هم بکنند، و احتیاج به تشویق چندان ندارند، بلکه در بسیاری احتیاج به کنترل و تعدیل دارد، این کنترل و تعدیل را پدر و مادر باید انجام دهند.

وای به حال فرزندان آخر الزمان

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهش به طفلی افتاد و فرمود: وای به حال بچه های آخرالزمان از طرف پدرهای ایشان! پرسیدند: یا رسول الله از پدرهای مشرک؟ فرمود: نه از پدرهای مؤمن که واجبات را به فرزندان خود تعلیم نمی دهند، و هر گاه دیگری بخواهد به ایشان تعلیم دهد، مانع می شوند، و خشنود هستند که فرزندانشان از مال و منال دنیا چیزی بدست آورند (ولی به دین اولادشان اهمیت نمی دهند، فقط به فکر رفاه هستند) من از این پدرها بیزارم، آنها هم از من بیزارند. (۲۳۴)

پدر و پسر نمونه

حضرت ابراهیم علیه السلام در خواب دید که خداوند از او می‌خواهد تا فرزند خود اسماعیل را قربانی کند، اسماعیل جوان دل‌بند حضرت ابراهیم است که خداوند او را پس از سالها انتظار در سن پیری به حضرت ابراهیم عطا کرده است، حالا خداوند می‌خواهد این پسر و این پدر را امتحان کند، تا معلوم گردد که مهر پدری و علاقه فرزندگی در آنها بیشتر است یا محبت پروردگار؟! حضرت ابراهیم، خواب و دستوری را که به او داده شده بود با اسماعیل در میان گذارد، و گفت چه می‌گوئی؟ فرزند صالح و با تقوای او که می‌دانست ابراهیم از طرف خدا مأموریت دارد، بی‌چون و چرا جواب داد: ای پدر مأموریت خود را انجام ده، من اگر خدا بخواهد استقامت می‌کنم! ابراهیم هم بر سر پیمان حاضر شد، و اسماعیل را به قربانگاه برد و دست و پای او را بست، و کارد را بر گلوی اسماعیل گذارد، اما با تعجب دید، کارد نمی‌برد، در این هنگام ندا آمد که ای ابراهیم، خوابت را راست گرداندی (و از امتحان پیروز در آمدی) و سپس گوسفندی بجای اسماعیل برای قربانی آورده شد، و مراسم قربانی به یاد بود آن ایثار و فداکاری بنا شده است. این داستان که خلاصه آن در قرآن آمده است، درسی است برای پدران و فرزندان که بدانند، محبت خدا را هرگز نباید فدای فرزند کنند.

قربانیان حسینی، فرزندان نمونه، کربلا جوان نمونه

امام حسین علیه السلام از مکه به طرف عراق خروج نموده بود، در منزلی توقف نمود و فرمود تا همه آب بردارند، سپس کوچ نمود، در همان حال که بر روی اسب بود، چشمان مبارکش را خوابی سبک بر گرفت، سپس بیدار شده فرمود: ((انا لله و انا الیه راجعون، الحمد لله رب العالمین.)) کلمه استرجاع را که هنگام مصیبت بیان می‌دارند بر زبان آورد و سپس حمد خدا را اظهار نمود، این سخن را دو یا سه بار تکرار کرد. فرزند دل‌بندش، و جوان برومندش علی ابن الحسین، وقتی این کلمات را شنید به مرکب رکاب زد و خود را به پدر رساند و عرض کرد: استرجاع نمودید، و سپس حمد خدا گفتید؟ علت چه بود؟ حضرت فرمود: پسرم خواب سبکی رفتم، در خواب اسب سواری را دیدم که می‌گوید: این گروه می‌روند، ولی مرگ هم به دنبال آنها می‌رود، فهمیدم که مقصودش مائیم. جانش علی ابن الحسین گفت: ای پدر، خدا برای شما بد نیامورد، مگر ما بر حق نیستیم؟ حضرت فرمود: آری سوگند به خدائی که بندگان نزد او بر می‌گردند، ما بر حقیم. جانش گفت: وقتی ما بر حقیم ترسی از مرگ نداریم، امام حسین علیه السلام فرمود: خداوند تو پسر را بهترین پاداش یک پدر بر پسر عنایت کند. (۲۳۵) آری او چنان پرورش یافته بود، که امام حسین در رابطه با او فرمود: در صورت و سیرت از همه مردم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شبیه تر است، و ما هر وقت که مشتاق دیدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم به او نگاه می‌کردیم (۲۳۶) و سرانجام در کربلا پس از نبردی دلاورانه در حالی که سپاه دشمن بدن او را قطعه قطعه کرده بود به فوز شهادت نائل گردید.

نوجوان نمونه کربلا

شب عاشورا بود، قرائن می‌داد، که امیدی به کوفیان نیست، دشمن، امام حسین و سپاه اندک او را محاصره کرده بود. امام حسین یاران خود را در میان خیمه ای جمع کرد، و فرمود: ای یاران و ای خاندان من، این مردم با من کار دارند، بعد از کشتن من متوجه کسی نمی‌شوند، شب را سپر قرار دهید، شما را راحت می‌گذارم که بروید، و بیعت خود را از شما برداشتم، خودتان را نجات دهید، ولی برادران و خانواده و یارانش همه به یک زبان گفتند: بخدا سوگند ای سرور ما هرگز تو را رها نمی‌کنیم و تنها نمی‌گذاریم تا مردم بگویند امام و سرور و مهتر خود را رها کردند تا کشته شد، اما این عار را نمی‌پسندیم و تو را رها نمی‌کنیم تا در مقابل شما کشته شویم. حضرت فرمود: من فردا کشته می‌شوم، شما هم همگی کشته می‌شوید و هیچکس از شما باقی نمی‌ماند؟ گفتند: سپاس خدای را که ما را به یاری شما گرامی داشت و شرافت کشته شدن با شما را به ما عنایت کرد، آیا

شما راضی نیستی که با شما ای پسر پیامبر هم مرتبه باشیم؟! حضرت فرمود: خداوند شما را جزای خیر دهد. در روایت است که حضرت به آنها فرمود: سرهایتان را بلند کنید و نگاه کنید، آنها با چشم خود در همین دنیا جایگاه خویش در بهشت را دیدند، و حضرت جایگاه هر یک را به او نشان می‌داد، به همین جهت بود که اصحاب حضرت به استقبال نیزه و شمشیر می‌رفتند تا به جایگاه خود در بهشت برسند. (۲۳۷) در این میان حضرت قاسم ابن حسن فرزند امام مجتبی علیه السلام که ماجرا را دید و شنید، به عمویش امام حسین علیه السلام عرض کرد: آیا من هم کشته می‌شوم، حضرت بر او دلسوزی نمود و فرمود: پسر مرگ نزد تو چگونه است؟ پاسخ داد: ((یا عم احلی من العسل،)) ای عمو جان، مرگ نزد من از عسل شیرین تر است! امام حسین علیه السلام فرمود: عمویت به فدایت، آری به خدا سوگند تو هم یکی از آن مردانی هستی که با من کشته می‌شوند، البته بعد از آنکه بلائی بزرگی به تو می‌رسد، و فردا پس از یک نبرد دلیرانه، وقتی مجروح بر زمین افتاد، امام حسین به یاریش شتافت، دشمن نیز حمله کرد، و در این میان حضرت قاسم در زیر سم ستوران به لقاء پروردگار شتافت.

به همسر و کودکان خود ظلم نکنید

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی هنگام وفات (پدرم) علی ابن الحسین علیه السلام رسید، مرا در آغوش گرفت و فرمود: ای پسرک من ترا سفارشی می‌کنم که پدرم (امام حسین علیه السلام) هنگام وفات (شهادت) مرا به آن وصیت نمود و فرمود که پدرش (حضرت علی علیه السلام) او را وصیت کرده است به آن، وصیت این است (حضرت علی علیه السلام) فرمود: ای پسرک من پرهیز از ستم کردن به کسی که جز خدا یاوری برابر تو ندارد. و امام صادق علیه السلام نیز فرمود: هیچ ستمی، بزرگتر از آن ستمی نیست که مظلوم جز خدا یاوری نداشته باشد. (۲۳۸) این احادیث باید زنگ خطری باشد برای کسانی که به زیر دستان خود ستم می‌کنند، و آنها را بی‌یاور می‌پندارند، در همین رابطه است که پدر و مادر، مخصوصاً پدر نسبت به برخورد با کودکان باید به مهربانی و خویشتن داری رفتار کند. خشونت بی‌مورد و نامتناسب، بدگوئی و بی‌احترامی نسبت به کودکان، مخصوصاً زدن آنها ظلمی است، که بخاطر بی‌یاور بودن کودکان، انتقام الهی را در بر خواهد داشت. والدین و یا معلم و یا هر فردی که قدرتی احساس کرد، گمان نکند که چون مظلوم یاور ندارد می‌توان با او هر ظلمی را روا داشت، خداوند یاور بی‌یاوران است و کافی است که خداوند از کسی انتقام بگیرد، خشم بر کودکان باید به موقع و متناسب باشد و جنبه تربیتی داشته باشد، نه از روی فرو نشانیدن خشم و عقده گشائی، و مقدار آن هم باید متناسب با تربیت وی و خطای او باشد، نه بمقدار خشم شما و ناتوانی او. به هر حال کودکان از نمونه‌های روشن این حدیث هستند، همچنانکه ستم به همسر نیز از مصادیق همین حدیث است.

خشم الهی

((ان الله لا یغضب بشیء کغضبه للنساء و الصبیان.)) امام موسی ابن جعفر علیه السلام فرمود: خداوند برای هیچ چیزی مثل زنان و کودکان خشمگین نمی‌شود. (۲۳۹)

مسائل شرعی مربوط به زدن اطفال یا دیگران از توضیح المسائل

مسئله ۲۷۱۶- اگر بصورت کسی سیلی یا چیز دیگر بزند بطوری که صورت او سرخ شود باید یک مثقال و نیم (شرعی) طلا که هر مثقال ۱۸ نخود است بدهد، و اگر کبود شود ۳ مثقال و اگر سیاه شود باید ۶ مثقال شرعی طلا بدهد، ولی اگر جای دیگر بدن کسی را بواسطه زدن سرخ یا کبود یا سیاه کند باید نصف آنچه را که گفته شد بدهد. مسئله ۲۸۲۰- اگر بچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد ولی (سرپرست شرعی) یا معلم او با اجازه ولی طفل می‌تواند بقدری که ادب شود و دیه واجب نشود او را بزند

. مسأله ۲۸۲۱- اگر کسی بچه ای را طوری بزند که دیه واجب شود، دیه مال طفل است و اگر (بچه) مرده، باید به ورثه او بدهد و چنانچه مثلاً پدر بچه، به قدری او را بزند که بمیرد، دیه او را ورثه دیگرش می‌برند، و بخود پدر از دیه چیزی نمی‌رسد. و اگر پدر یا مادر یا معلم و یا دیگران بچه را سیلی یا بگونه دیگر زده باشند که موجب دیه است به آن طفل مدیون هستند، و پدر و مادر نیز به فرزندان خود مدیون خواهند بود، و می‌باید یا آنان را راضی کنند تا بخشند و یا به آنها پردازند.

فرزندان خود را نماز آشنا کنید

یکی از وظائف مهم پدر و مادر آشنا کردن فرزندان خود با نماز در سن کودکی است. حضرت علی علیه السلام فرمود: به بچه های خود نماز را یاد دهید، و در هشت سالگی آنها را وادار کنید به نماز خواندن. (۲۴۰) شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: کسی فرزندش یکی دو روز نماز نمی‌خواند، آیا می‌تواند او را مجبور کند؟ حضرت فرمود: آن پسر چند ساله است، گفت: هشت ساله است، حضرت با تعجب پرسید: سبحان الله (بچه هشت ساله) نماز نمی‌خواند؟! آن مرد گفت: بیماری دارد، حضرت فرمود: هر مقدار که می‌تواند نماز بخواند. (۲۴۱) آری پس از سن هفت سالگی، پدر و مادر می‌بایست، فرزند خود را با نماز که اساس دین، و ستون آن است آشنا کنند، و بوسیله تشویق و مراقبت‌های پی‌در پی سعی کنند بچه را به نماز عادت دهند تا هر چه بیشتر با خدا آشنا شود.

نماز را سبک نشمارید

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام وفات فرمود: از من نیست کسی نماز را سبک بشمارد، بخدا سوگند (فردای قیامت) نزد حوض (کوثر) پیش من نخواهد آمد. (۲۴۲) ابو بصیر گوید: بعد از رحلت امام صادق علیه السلام نزد همسر آن حضرت بنام ام حمیده رفتم تا او را تسلیت گویم، گریست و ما را هم گریانند، سپس گفت: اگر امام صادق را هنگام مرگ میدیدی تعجب می‌کردی؟ حضرت چشمان مبارک را باز کرد و فرمود: تمام فامیلهای مرا دعوت کنید بیایند، همه را بدون استثناء دعوت کردیم. حضرت نگاهی به آنها انداخت، سپس فرمود: (بدانید) که شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد. (۲۴۳)

نماز شرط قبولی اعمال است

نکته بسیار حساس این است که اگر کسی اهل نماز نباشد، کارهای خوب او هم تاثیری برایش نخواهد داشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نماز ستون دین است، و آن اولین چیزی است از اعمال انسان که (روز قیامت هنگام حساب) به آن نگاه می‌شود، اگر نمازش صحیح نبود، سایر اعمال را نگاه نمی‌کنند. (۲۴۴) و در حدیث دیگری فرمود: مثل نماز همانند ستون خیمه است، وقتی ستون پابرجا باشد، طنابها و میخها و خیمه ارزش دارد، و چون ستون شکسته شود، طناب و میخ و خیمه ارزش ندارد. (۲۴۵)

در نماز خواندن عجله نکنید

پس به نماز خود ارزش دهید، خانواده خود را هم به نماز تشویق کنید، که شما مسئول خانواده خود هستید، و هرگز نماز را بخاطر کار دنیا سبک و تند نخوانید، که این بدترین دزدیهاست. امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت علی علیه السلام مردی را دید که سریع نماز می‌خواند، فرمود: چند وقت است که اینگونه نماز می‌خوانی؟ گفت: فلان مقدار، حضرت فرمود: تو نزد خدا همانند کلاغی هستی که نوک بر زمین می‌زند، اگر بمیری، بر روش پیامبر نمرده ای، سپس فرمود: بدترین دزدها کسی

است که از نمازش بدزدد. (۲۴۶) و امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی بنده ای به عجله نماز را تمام می کند و میرود تا کارش را انجام دهد، خداوند می فرماید: این بنده من مگر نمی داند که کارها بدست من است؟! (۲۴۷)

بچه های ده ساله جدا بخوابند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رختخواب پسر و پسر، دختر و دختر، پسر را وقتی به سن ده سالگی می رسند باید جدا کرد. (۲۴۸) (زیرا در این سن قوای شهوانی کم کم می تواند خطرناک باشد بنابراین در سخن و اعمال و لباس پوشیدن و غیره باید رعایت عفاف را کرد).

تیراندازی و شنا

((علموا اولادکم السباحة و الرماية .)) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به فرزندان خود شنا و تیراندازی یاد دهید. (۲۴۹) جوانان را با دین آشنا کنید امام صادق علیه السلام فرمود: جوانان خود را با دین آشنا کنید، قبل از اینکه گروه مرجئه طائفه ای که زمان حضرت صادق بخاطر عقیده فاسدشان خطرناک بودند) آنها را دریابند. (۲۵۰) مؤلف گوید یعنی چنان خود و فرزندانان را با مساجد و مجالس آشنا کنید که هنگام جوانی با دین بیگانه نباشند.

گویاتر از زبان

((کونوا دعاة للناس بغير السنتکم .)) امام فرمود: مردم را از راهی جز زبان (در عمل) دعوت (به نیکی) کنید. (۲۵۱) فرزندان خود را با دین و جلسات دینی، قرآن و علماء بیگانه نکنید، خودتان در نمازتان دقت کنید، هنگامی که شما وضوء می گیرید، یا هنگام غذا بسم الله می گوئید، وقتی سخن از خدا می گوئید، ترس و تشویق و بهشت و جهنم را متذکر می شوید، روزه می گیرید، اطفال را به جلسات می برید، در خواندن قرآن و حفظ آن تشویق می کنید، کتب دینی تهیه می کنید، مخصوصاً وقتی در جلسات عزاداری اهل بیت اشکی می ریزند و سینه ای می زنید، لباس سیاهی می پوشید و می پوشانید، بهترین تربیت دینی را انجام می دهید.

عفت را در خانه مراعات کنید

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پدر نباید با دخترش زیر یک لحاف بخوابد، مادر هم نباید چنین کند. (۲۵۲) و امام صادق علیه السلام فرمود: هر که به سن بلوغ رسید، بر مادر و خواهر و خاله و دیگران بی اجازه وارد نشود، اول اجازه بگیرد و شما هم اجازه ندهید تا اینکه سلام کند، که سلام اطاعت خداوند عزوجل است. (۲۵۳) مؤلف گوید: پدر و مادر، خواهر و برادر، در خانه باید نسبت به لباس و زینت و مسائلی از این قبیل دقت کنند، مادر نباید در مقابل جوان خود، بطور ناهنجار ظاهر شود، خواهر و برادر هم همینطور، خانه می بایست جای آرامش و اخلاق باشد، نه مرکز فساد و تحریک شهوت.

تساوی میان اطفال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی که دو پسر داشت و یکی را بوسید و دیگری را نبوسید نگاه کرده فرمود: چرا میان آندو به تساوی رفتار نکردی (۲۵۴) (حساسیت ذهن اطفال در عین کودکی قابل انکار نیست و رفتار شما و کردار بزرگترها در اعمال و

کردار آنها اثر مستقیم دارد).

پدر و مادر هم عاق فرزند می شوند

((يلزم الوالدين من العقوق لولد هما ما يلزم الولد لهما من عقوقهما اذا كان الولد صالحا .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پدر و مادر هم عاق فرزندشان می شوند اگر فرزند صالح باشد همچنانکه فرزند عاق پدر و مادر می شود. (۲۵۵)

به دختر شایسته خود افتخار کنید

امام صادق علیه السلام به زنی فرمود: ای فلانی اگر خداوند به تو چیزی نداده بود جز آن دختری را، همانا به تو خیر بسیار عطا کرده بود (۲۵۶). الحدیث یعنی پدران و مادران، ارزش اولاد صالح خود مخصوصا دختران صالح و عقیف و مؤمن خود را بدانند و از این نعمت بزرگ الهی تشکر کنند و خوشحال باشند.

خداوند به بانوان مهربانتر است

((ان الله تبارك و تعالی على الاناث ارق منه على الذكور - الحدیث)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بر بانوان مهربانتر است تا مردان و هر مردی که بر بانویی از فامیل خود شادی، برساند خداوند روز قیامت او را شاد می گرداند. (۲۵۷)

کلهای پیامبر اکرم

((الولد الصالح ریحانه من الله قسمها بین عباده و ان ریحانتی من الدنیا الحسن و الحسین سمیتهما باسم سبطین من بنی اسرائیل شبیرا و شبیرا .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند خوب گلی است که خداوند میان بندگان خود تقسیم نموده است و دو گل من از دنیا حسن و حسین علیهما السلام هستند من آندو را همنام دو سبط بنی اسرائیل که شبیر و شبیر بودند (و به عربی حسن و حسین می شود) نامیدم. (۲۵۸)

با فرزندان خود مهربان باشید

((ان الله لیرحم الرجل لشدۀ حبه لولده .)) امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند مرا را بخاطر محبت شدید وی به فرزندش مورد رحمت قرار می دهد. (۲۵۹) (پس با فرزندان خود مهربان باشید).

پیامبر اکرم به شدت اطفال را مراعات می کرد

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم روزی با مردم نماز ظهر می خواند، ناگاه دو رکعت آخر را به سرعت تمام کرد، بعد از نماز مردم از حضرت پرسیدند: آیا در نماز مسأله ای پیش آمد؟ حضرت فرمود: چطور؟ گفتند: شما دو رکعت آخر نماز را تند خواندید، حضرت فرمود: مگر صدای بچه را نشنیدید (۲۶۰)؟! آری نبی مکرم که تمام رفتارش الگوی ما مسلمانان است، اینقدر به اطفال و رعایت آنها اهمیت می داد.

فرزندان را شاد کنید

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که فرزندش را ببوسد، خداوند یک کار نیک برایش بنویسد و هر که فرزندش را شاد کند، خداوند روز قیامت او را شاد می‌کند و هر که به فرزندش قرآن یاد دهد، پدر و مادرش را صدا زده و دو لباس که نور آنها صورت اهل بهشت را نورانی می‌کند بر آنها می‌پوشاند. (۲۶۱)

نصایح اهل بیت علیهم السلام در مورد فرزند

نصایح اهل بیت علیهم السلام در مورد فرزند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رحمت خدا بر پدری که فرزندش را در نیکی به پدر یاری دهد، به اینکه از خطایش در گذرد و برای او میان خودش و خدا دعا کند. (۲۶۲) و فرمود: فرزندان خود را زیاد ببوسید. (۲۶۳) مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به که خدمت کنم؟ حضرت فرمود: به پدر و مادرت، عرض کرد: آنها از دنیا رفته‌اند، فرمود: به فرزندت نیکی کن؟ (۲۶۴)

راه ناءدیب

شخصی به حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام از پسرش شکایت کرد: حضرت فرمود: او را تزن ولی با او قهر کن اما طول نده. (۲۶۵)

نفرتین مکن

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که بر فرزندش نفرتین کند فقیر می‌شود. (۲۶۶)

انار برای کودکان

امام صادق علیه السلام فرمود: به بچه‌های خود انار بخورانید که برای جوانی آنها سودمندتر است. (۲۶۷)

دختر بهتر است

((خیر اولادکم البنات)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین فرزندان شما دخترانند. (۲۶۸)

احترام و ادب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اولاد خود را احترام و آنها را نیکو ادب کنید، تا موجب آموزش شما شود. (۲۶۹)

آقا و عبد و وزیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند تا هفت سالگی سرور است، تا هفت سال هم بنده است (مطیع است) و تا هفت سال هم وزیر است، در بیست و یک سالگی اگر اخلاقیش مورد پسند بود و گرنه تو معذوری. (۲۷۰)

بهترین اعمال

امام صادق علیه السلام روایت کند که حضرت موسی به خداوند عرضه داشت: پروردگارا برترین کارها نزد شما کدام است؟ خداوند فرمود: دوستی با کودکان، زیرا من آنها را بر توحید آفریده‌ام و اگر آنها را از دنیا ببرم، به رحمتم آنها را وارد بهشت می‌کنم. (۲۷۱) حضرت امیر علیه السلام می‌فرمود: من از خدا اولاد خوش رو و یا خوش قامت نخواستم: بلکه اولادی خواستم که فرمانبردار خداوند و خدا ترس باشد، به گونه ای که وقتی به او که مطیع خداست نگاه کنم، چشمم روشن شود. (۲۷۲)

با بچه ها خوش قول باشید

کلب صیداوی گوید: امام هفتم به من فرمود: وقتی به بچه ها وعده ای دادید وفا کنید زیرا ایشان فکر می‌کنند شما به ایشان روزی می‌دهید، همانا خداوند عزوجل خشمگین نمی‌شود بر چیزی همانند خشمگین شدن او بخاطر (ستم به) زنان و فرزندان. (۲۷۳)

پیامبر و پدر بی رحم

پیامبر اکرم امام حسن و امام حسین را می‌بوسید، مردی به نام اقرع ابن حابس گفت: من ده فرزند دارم که هرگز یکی از آنها را نبوسیده‌ام، پیامبر فرمود: ((من لا یرحم لا یرحم)) هر که مهربانی نکند، مهربانی نمی‌بیند. و در حدیث دیگری حضرت به مردی که گفت: تا بحال هیچ بچه ای را نبوسیده‌ام فرمود: این مردی است که اهل آتش است. (۲۷۴)

رفتار با بچه ها

((من کان عنده صبی فلیتصاب له.)) پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر که نزد او بچه ای است بچگی کند. (همانند او بازی کند و متناسب با او سخن گفته و رفتار نماید). ما چه می‌کنیم؟ پیامبر اکرم چه می‌کرد؟ در تاریخ زندگانی و احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که: بسیار می‌شد که نوزادی را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌آوردند تا او نامگذاری کند و یا برایش دعا بفرماید، حضرت برای احترام به خانواده طفل، نوزاد را در دامن خود می‌نهاد، بسا می‌شد که بچه در دامن حضرت ادرار می‌کرد و لباس حضرت را آلوده می‌نمود، برخی از کسانی آنجا فریاد برمی‌آوردند، (اعتراض می‌کردند) حضرت فرمود: ادرار بچه را قطع نکنید (او را نترسانید) و می‌گذاشت بچه ادرارش را تمام کند، سپس با روی باز دعا می‌کرد یا نامگذاری می‌نمود و نمی‌گذارد خانواده طفل ناراحت شوند، وقتی آنها می‌رفتند، لباس خویش را می‌شست. (آری آب کشیدن لباس و بر طرف کردن نجاست، بسیار آسانتر است از بیرون کردن ناراحتی و دلشکستگی یک انسان)

پیامبر بر بچه ها سلام می‌کرد ما چطور؟

در روایات متعدد از شیعه و عامه آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چند کار است که من تا دم مرگ آن را رها نمی‌کنم، تا روشی گردد بعد از من (و مردم انجام دهند) ۱- لباس پشمینه پوشیدن ۲- سوار بر الاغ شدن یا روانداز ساده (بدون تشریفات) ۳- با برده ها غذا خوردن ۴- وصله کردن کفش بدست خودم ۵- سلام کردن بر بچه ها. (۲۷۶)

مسئولیت والدین و مادر ناموفق

((یا ایها الذین امنوا لا تلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون.)) خداوند متعال در سوره منافقون آیه ۸ می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندان شما، ما را از یاد خدا غافل نکند، کسانی که چنین

کنند زیانکارانند. مؤلف گوید: گرچه تاءمین مسائل اقتصادی و تربیت صحیح فرزند وظیفه پدر و مادر است ولی این مسئله نباید بگونه ای درآید که پدر و مادر خود را بعنوان یک اجیر و کارگر بدون مزد تبدیل کنند و چنان غرق در تاءمین مسائل اولاد شوند که سعادت خود و ارزشهای معنوی را همراه با جوانی و نشاط و سلامتی خود، خرج رفاه فرزندان خویش کنند، بطوری که برای خود فرصت یک قرآن خواندن، دعا خواندن، جلسه رفتن، نماز شب و غیره نگذارند. شما برای بزرگ کردن اولاد آفریده نشده اید، آن مسئله یکی از وظائف شماست، هدف اصلی را فراموش نکنید و خدای ناکرده مبدا که دین خود را فدای اولاد خود کنید که در قیامت هرگز این اولاد برای شما جبران نخواهد کرد و خلاصه آنکه چه زشت است انسان برای دیگری ولو اولاد، عمری با علاقه بیگاری کند اما نوبت به سعادت خود که می رسد بگوید وقت ندارم.

آنچه سودمند است عمل است

حضرت امیر علیه السلام فرمود: پسر آدم وقتی آخرین روز از دنیا و اولین روز از آخرت قرار گیرد (یعنی هنگام مرگ) مال و فرزند و اعمال او در مقابلش ظاهر می شوند، او به مال خود توجه کرده می گوید: به خدا قسم که من بر تو حریص بودم، و از خرج کردن تو دریغ می ورزیدم، اکنون چه کمکی از تو ساخته است؟ دارائی او جواب می دهد: تو از من (فقط) کفن خودت بر بردار! (آن شخص چون از دارائی ناامید می شود) روبه فرزندانش می کند و می گوید: به خدا قسم که من شما را دوست می داشتم و از شما نگهداری می کردم، چه کمکی از شما ساخته است؟ آنها جواب می دهند: ما (فقط) تو را تاگودال قبر و هنگام دفن همراهی می کنیم. سپس روبه اعمال خود می کند و می گوید: به خدا که من نسبت به تو بی رغبت بودم و تو بر من سنگین بودی، اعمالش جواب می دهد: من همدم تو هستم چه در قبر و چه هنگام قیامت تا اینکه من و تو با هم در مقابل خداوند قرار بگیریم. (۲۷۷)

مقدار کار و تلاش در زندگی

امام صادق علیه السلام فرمود: کار و تلاش تو برای زندگی باید در حد متعال و آبرومندانه باشد، نه در حد ضایع کردن و سستی و نه مثل حریصی که به دنیا خشنود شده و به آن تکیه کرده است، بلکه خود را از رتبه انسان سست و ضعیف بالا بگیر، و آنچه برای مؤمن ضروری است تهیه کن، همانا آنانکه به ایشان مال دادند ولی شکر نکردند، مال ندارند (۲۷۸) (بنابراین به دنیا همانند یک وسیله نظر کنید که می باید هدف اصلی که معنویت و آخرت است فراموش نشود و ضمن یک زندگی آبرومندانه، هدف اصلی نیز تاءمین شود). احساسات و عواطف خود را کنترل کنید ((لا دین لمن بطاعه من عصی الله تبارک و تعالی)) حضرت علی علیه السلام در کوفه بر روی منبر در ضمن بیاناتی فرمود: هر کس پایبند اطاعت کسی باشد که نافرمانی خدا می کند، دین ندارد (۲۷۹) پس بر پدر و مادر گرامی لازم است که محبت و عواطف خود کنترل کنند و هرگز بخاطر عواطف خود، شرع و عقل را زیر پا نگذارند. آنچه از یک پدر و مادر فهمیده و دلسوز انتظار می رود، این است که آنها راهنمای فرزندان خود باشند و خواسته های آنها را تعدیل کنند، نه اینکه پس از گذشت این همه سال و کسب تجربیات و پختگی، نه تنها راهنمای فرزندان خود نباشند، بلکه سعادت خود را به دست جوانی خام بسپارند تا او، خودش و آنها را به سمت نافرمانی خدا بکشاند. بنابراین خریدن لباسهای ناهنجار، رفتن به مجالس نامشروع و حرام، مصرف عذاهای حرام، آوردن ابزار قمار و موسیقی و یا وسائل منحرف کننده مثل ویدئو و کتابهای مبتذل و نوارهای ناهنجار و مانند اینها، بخاطر درخواست فرزند، جز بدبخت کردن خود، و خانواده سودی ندارد. در روایت است که پیامبر اکرم می فرماید: هر کس خواسته دیگری را به خشم خدا برآورده کند، خداوند همان شخص را مخالف او می گرداند. (۲۸۰)

چرا محبت والدین بیشتر است

یکی از اصحاب پیامبر از حضرت پرسید: چرا به آن مقدار که ما نسبت به فرزندان خود علاقه داریم، آنها به ما ندارند، حضرت فرمود: چون آنها از شما هستند ولی شما از آنها نیستند. (۲۸۱) (فرزند پاره تن شماست و شما جزء خود را دوست دارید، اما شما پاره تن فرزندانتان نیستند)

این پدر به وسیله پسرش عاقبت نه بخیر شد

((ما زال الزبیر رجلا - منا اهل البیت حتی نشا ابنه المشوم عبدالله)) حضرت علی علیه السلام فرمود: زبیر - نام یکی از اصحاب معروف پیامبر است - همواره از ما خاندان بود تا اینکه فرزند شوم و نکبتش عبدالله بزرگ شد. (۲۸۲) مؤلف گوید: سرنوشت غم انگیز زبیر درسی است که هر هوشمندی باید از آن عبرت گیرد، او یکی از بزرگترین شخصیت‌های صدر اسلام است، بارها در غزوات و جنگها برای اسلام شمشیر زده و از حق دفاع کرده است، حتی پس از رحلت پیامبر و مظلومیت علی علیه السلام او از معدود افرادی بود که در خانه علی علیه السلام بست نشست و با ابوبکر بیعت نمی کرد، او در شورای شش نفره ای که پس از عمر برای جانشینی وی تعیین شده بود به نفع علی علیه السلام رأی داد. اما همین شخصیت، کارش به جایی رسید که در اثر طمع و فریب فرزند، به جنگ با حضرت علی علیه السلام برخاست، فرزندش، عبدالله یکی از سرسخت ترین دشمنان بنی هاشم بود، او در دورانهای بعد که اندکی قدرت یافت حتی نام پیامبر را هم در خطبه جمعه و سایر جاها علنی بر زبان نمی آورد و می گفت: پیامبر فامیل بدی دارد که می ترسم پر رو شوند، و گفت: خدا خاندان پیامبر را زیاد نکند و برکت ندهد، خانواده بدی هستند که اول و آخر ندارند!! این خبیث همان فردی است که تمام بنی هاشم را در دره ای بنام دره عارم در مکه جمع کرد و هیزم بسیاری بز گذرگاه آن قرار داد تا بنی هاشم را که در میان آنها محمد ابن حنفیه و پسرش، که فرزندان امیرالمؤمنین هستند و همچنین ابن عباس بود بسوزاند، زیرا آنها با او بیعت نمی کردند، و نزدیک بود که آنها را بکشد، اما خداوند بوسیله مختار آنها را نجات داد، این ملعون خود می گفت که من چهل سال است که دشمنی این خانواده را در سینه ام مخفی کرده ام. (۲۸۳) آری این فرزند ناصالح، در اثر کینه ای که به بنی هاشم داشت، پدر را از ولایت حضرت علی علیه السلام دور نمود، و چنان تشویق و تحریک کرد که به جنگ با علی علیه السلام رضایت داد، گاهی که زبیر اظهار تردید می کرد به پدر گفت: از لشکر علی ترسیدی که پیام مرگ را در بردارد. (۲۸۴) و کار به جایی رسید که زبیر عاقبت نه بخیر شد و به دست مردی دور از معرکه بعد از روشن کردن آتش جنگ جمل، ترور شد، وقتی سر و شمشیر او را نزد حضرت شمشیر او را نزد حضرت آوردند، حضرت شمشیر او را از غلاف بیرون کشید و فرمود: چه بسیار با این شمشیر مقابل پیامبر نبرد کردی و در روایتی فرمود: شمشیری است که بسیار غم و غصه با آن از روی پیامبر زدود - ولی الان به این وضع بد گرفتار شد. سپس در صورت زبیر دقت کرده فرمود: تو مدتی با پیامبر هم صحبت بودی و با حضرت فامیل بودی، اما شیطان وارد دماغ تو شد و تو را به این جا کشاند، و در همین زمان بود که حضرت فرمود: زبیر همواره با ما اهل بیت بود تا اینکه پسرش بالغ شد و او را از ما جدا کرد. (۲۸۵)

مراتب احترام و خدمت به پدر و مادر

اشاره

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به این سخن خداوند که می فرماید: ((و بالوالدین احسانا)) به پدر و مادر

احسان کنید، پرسیدم: این نیکی چیست؟ حضرت فرمود: احسان این است که با آنها خوب برخورد کنی، و آنها را وادار نکنی که از تو چیزی بخواهند وقتی تقاضا دارند، گرچه آنها بی نیاز باشند (یعنی نه تنها باید به پدر و مادر کمک کرد و نه تنها باید قبل از درخواست به آنان کمک کرد بلکه اگر خودشان هم می‌توانند حوائج خود را تهیه کنند باز فرزند، کار آنها را انجام دهد). سپس حضرت فرمود: مگر نه این است که خداوند می‌فرماید: ((لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون،)) هرگز به نیکی نرسید تا از آنچه دوست می‌دارید انفاق کنید و فرموده ((اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما)) یعنی اگر یکی یا هر دوی آنها نزد تو به پیری رسند به آن دو اه نگو و از خود مران. حضرت صادق علیه السلام فرمود: یعنی اگر تو را ناراحت کردند اه نگو و اگر تو را زدند از خود مران، (و اینکه خداوند می‌فرماید) ((و قل لهما قولا کریم)) به پدر و مادر سخن شایسته بگو، حضرت فرمود: بگو خداوند شما پدر و مادر را مشمول غفران خود کند این سخن شایسته است. و اینکه می‌فرماید ((و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه،)) بال ذلت از روی رحمت برای پدر و مادر بگشا، حضرت صادق علیه السلام فرمود: به پدر و مادر ذخیره مشو مگر از روی مهربانی و محبت و صدایت را بلندتر از صدای آندو مکن و دستت را هم روی دست آندو بلند مکن و جلوتر از آنها قرار مگیر. (۲۸۶)

پدر و مادر بر زن و فرزند مقدم هستند

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر آمده عرض کرد: مرا سفارش نما، حضرت فرمود: برای خدا شریک مگیر، گرچه تو را به آتش بسوزانند و شکنجه ات کنند مگر اینکه (از روی ترس باشد ولی) قلب تو به ایمان مطمئن باشد. پدر و مادرت را اطاعت کن و نیکی نما چه در حال مرگ و اگر پدر و مادر به تو دستور دادند که از خانواده و ثروت خود جدا شوی انجام ده که از ایمان است. (۲۸۷) مؤلف گوید: این حدیث را باید کسانی که بخاطر مال و همسر از پدر و مادر جدا شده اند بیشتر دقت کنند، یک مرد موفق کسی است که پدر و مادر و همسر را با حفظ حقوق متقابل با خود نگه دارد، و بداند که احترام و رعایت پدر و مادر هرگز قابل مقایسه با همسر نیست، هیچکس پدر و مادر نمی‌شود و با هیچ دلیلی نمی‌شود به آنان اهانت کرد و یا کوتاهی نمود. البته پدران و مادران دوران پیش خوب می‌دانند که باید جوان خود را مخصوصا هنگام ازدواج درک کنند و بدانند احیانا اگر جوانشان در سرآغاز زندگی جدید گاهی کم لطفی می‌کند یا انتظارات آنها را انجام نمی‌دهد، مقطعی است و نباید خیلی سخت بگیرند، شود زندگی جدید و جوانی و نیروی جنسی و مسائل دیگر گاهی جوان را از بسیاری از مسائل از جمله پدر و مادر غافل می‌کند. جوانان نیز باید بدانند درست همان لحظات و ایامی که اوج خوشوقتی و لذت آنان در زندگی جدید است، برای پدر و مادر از نقطه های عطف زندگی است و همان ایام غفلت شما از پدر و مادر جنبه های دیگر دارد و آنها انتظار دارند جوانشان در هنگام ازدواج بیشتر به آنها توجه کند و جوان هم در اثر ازدواج اگر از پدر و مادر غافل شود مسئله ساز خواهد بود. مشکله ازدواج این است که انتظارات پدر و مادر زیاد غفلت جوان هم بخاطر ازدواج زیاد است و اینجا این جوان هوشیار است که باید با دقت و هوشیاری از این مرحله به سلامت عبور کند. الا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مغرور!! پدر را باز پرس آخر کجا شد مهر فرزندی حضرت یعقوب پس از سالهای طولانی که در فراق یوسف گریست و افسوس خورد، بالاخره فهمید که یوسف در مصر است و به مقام ریاست رسیده است، تصمیم گرفت تا به نزد یوسف برای دیدار او برود، کاروان حضرت یعقوب به مصر نزدیک می‌شد، یوسف فهمید که پدر وارد می‌شود به استقبال او آمد. امام صادق علیه السلام فرمود: یعقوب با دیدن یوسف پیاده شد، (۲۸۸) یوسف خواست پیاده شود، اما مقام و ریاست نگذاشت تا در مقابل پدر پیاده شود، همینکه بر پدر سلام کرد، جبرئیل بر نزد یوسف آمد و گفت: ای یوسف خداوند متعال به تو می‌گوید: چه شد که در مقابل بنده شایسته من پیاده نشدی؟ این مقام و ریاست؟ باز کن کف دست خود را، یوسف دست خود را گشود، ناگاه نوری از میان انگشتانش خارج شد، پرسید:

این چه بود؟ جبرئیل گفت: (نور پیامبری بود) هرگز از نسل تو پیامبری نخواهد آمد، این مجازات تو بود بخاطر برخورد تو با پدرت یعقوب که در مقابل او پیاده نشدی. (۲۸۹) رمز خوشبختی در خدمت به والدین است یکی از مهمترین ابزار خوشبختی برای انسان، رضایت و خدمت به پدر و مادر است، خدمت به پدر و مادر و دعای خیر ایشان، پشتوانه محکمی برای سعادت دنیوی و اخروی اولاد به حساب می‌آید. گرچه در دوران کنونی که عصر تمدن و پیشرفت علمی و انحطاط ارزشهای انسانی می‌باشد، فرزندان همین که احساس استقلال کردند، بطور کلی با پدر و مادر به سردی برخورد می‌کنند و آنها را به کنج عزلت و فراموشی می‌سپارند، و یا آنها را مانع نشاط و خوشی خود به حساب می‌آورند. اما تجربه نشان داده است که اینگونه افراد در زندگی موفق نخواهند بود، و بر عکس آنها که به والدین خدمت می‌کنند، دارای زندگی خویش و با نشاط خواهند شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که خوشحال می‌شود از اینکه عمرش افزایش یابد و روزی او فراخ شود، به پدر و مادرش خدمت کند که خدمت به آنها اطاعت خداست، حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر می‌خواهی عمرت زیاد شود به دو بزرگ خود - یعنی پدر و مادرت - نیکی کن. (۲۹۰)

احترام فوق العاده به مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت، عرض کرد سپس به کی؟ حضرت فرمود: به مادرت، باز پرسید: سپس به که؟ حضرت باز فرمود: به مادرت، دفعه بعد که پرسید سپس به که؟ حضرت فرمود: به پدرت. (۲۹۱) امام سجاد علیه السلام نیز فرمود: مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله هیچ کار زشتی نمانده که انجام نداده باشم آیا برای من توبه ای هست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا از پدر و مادرت هیچکدام زنده اند، عرض کرد: پدرم، حضرت فرمود: برو به او نیکی کن، وقتی آن مرد پشت نمود که برود، پیامبر فرمود: ای کاش مادرش (زنده) می‌بود. (۲۹۲) مؤلف گوید: محبت فراوان و فداکاری مادر از یک طرف و حساسیت و لطافت روح او از جهت دیگر موجب این احترام فوق العاده برای وی شده است.

به پدر و مادر پیر خود شخصا کمک کنید

ابراهیم ابن شعیب گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: پدرم بسیار پیر شده است، بطوری که وقتی کاری دارد ما او را بر دوش گرفته می‌بریم، حضرت فرمود: اگر بتوانی خودت عهده دار آن شوی انجام ده، با دست لقمه به او بده، که این کار فردا برای تو سپری خواهد بود. (۲۹۳) یعنی تو را از خشم الهی حفظ می‌کند. یعنی فرزندان نباید هنگام پیری و درماندگی والدین، آنها را از خود دور کنند.

چند دستور مهم برای مقابله با بلاها و مشکلات

مقدمه

هر انسانی سعی می‌کند در حد توان خود با خسارتها و بلاها مقابله کند و خود را از زیان بدور دارد، ولی تجربه نشان داده است که بسیاری از بلاها و زیانها پیش بینی نشده هستند، کما اینکه طبق عقیده ما مسلمانان بسیار از سختیها و بلاها غیر از علل معمولی دارای اسباب بخصوصی هستند که می‌بایست علاوه بر در نظر گرفتن مسائل عقلانی و علمی، از نظر معنوی به مقابله با آنها پرداخت. بطور کلی برای مصون ماندن از بسیاری از بلاها از نظر روایات اسلامی به اموری سفارش شده است که بطور خلاصه به

چند مسأله مهم اشاره می شود .

۱- گناه انسان را مبتلا می کند

حضرت علی علیه السلام فرمود: از گناه پرهیزید که هیچ بلائی و کمبود روزی نیست مگر به خاطر گناه، حتی خراش بدن و زمین خوردن و دچار مصیبت شدن. (۲۹۴) امام صادق علیه السلام فرمود: بدان که هیچ رگی زده نمی شود و هیچ لغزشی که موجب زمین خوردن شود رخ نمی دهد، هیچ سر دردی پیدا نمی شود، هیچ بیماری به وجود نمی آید مگر بخاطر گناه، و همین است که خداوند عزوجل در کتاب خود می فرماید: هر مصیبتی که به شما برسد به خاطر اعمال خود شماست، و خداوند از بسیاری از آنها در می گذرد. (۲۹۵) امام رضا علیه السلام فرمود: هر گاه بندگان گناهان تازه اختراع کنند، خداوند نیز بلاهائی تازه که سابقه نداشته و نمی شناختند، بر آنها ایجاد می کند. (۲۹۶)

۲- صدقه بلا را دور می کند

از نظر روایات اسلامی و تجربیات فراوان جای هیچگونه شک و تردیدی نیست که صدقه از بهترین عوامل برای پیشگیری از بلا و سختیهاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: یا علی صدقه آن بلائی را که مقدر و محکم شده برمی گرداند. (۲۹۷) و فرمود: صبح را با صدقه آغاز کنید که بلا از صدقه عبور نمی کند (۲۹۸) و در روایات متعدد وارد شده است که صدقه هفتاد نوع بلا- و یا مرگهای ناهنجار- مثل تصادف- سوختگی و مانند اینها- را دفع می کند. محمد ابن مسلم گوید: با امام باقر علیه السلام در مسجد پیامبر بودیم که یکی از شرفه های مسجد بر سر مردی افتاد اما به او نزد و به پایش خورد، حضرت فرمود: از او پرسید امروز چه کرده است؟ وقتی از او سوال کردند گفت: در میان راه مقداری خرما به سائلی صدقه دادم، حضرت فرمود: خداوند به خاطر آن صدقه، بلا را از تو دور کرد. (۲۹۹) صدقه مال و ثروت را افزایش می دهد و از خواص مهم صدقه، زیاد شدن روزی و برکت است، آن هم دهها برابر آنچه داده شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: وقتی تنگدست شدید با خدا به وسیله صدقه تجارت کنید. (۳۰۰) و امام صادق علیه السلام فرمود: آیا نمی دانی که هر چیزی کلیدی دارد و کلید روزی صدقه است پس عزیزی که طالب خوشبختی هستند با دادن صدقه، دنیا و آخرت خود را بیمه کنند، مبادا که از دادن صدقه امساک کنیم، اما برای مداوا و جبران خسارت دهها برابر پول وقت صرف کنیم!

۳- رسیدگی به فامیل عمر و روزی را زیاد می کنند

دهها روایت از ائمه علیهم السلام همگی گواه بر این است که رسیدگی و رفت و آمد فامیلی عمر و روزی را زیاد می کند، پس هر کس که از مرگ و فقر در هراس است، بهتر است از این پناهگاه استفاده کند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که خوشحال می شود روزی او فراوان و اجلس تاخیر افتد صله رحم کند. (۳۰۱) و در حدیث دیگر فرمود: هر کس یک کار را برای من چهار چیز را برای او ضمانت می کنم، او صله رحم بجا آورد، تا خداوند او را دوست دارد، روزیش را فراوان گرداند، عمرش را افزایش دهد، و او را در بهشت موعود جای دهد. (۳۰۲) امام صادق علیه السلام به مردی به نام میسر فرمود: اجل تو چند بار فرا رسید اما خداوند هر بار به خاطر صله رحم و نیکی به نزدیکان آن را به تاخیر انداخت. (۳۰۳) مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله فامیلی دارم که من به آنها سر می زنم اما آنها مرا اذیت می کنند، تصمیم گرفته ام آنها را رها کنم، حضرت فرمود: (اگر چنین کنی) خداوند هم همگی شما را رها می کند! عرض کرد: پس چه کنم؟ حضرت فرمود: به آنکه تو را محروم کند عطا کن، با آنکه از تو بریده به پیوند، از آنکه به تو ستم کرده عفو کن تا خداوند یاور تو باشد

بر علیه آنها (۳۰۴) و در حدیث دیگری فرمود: صله رحم عمر سه ساله را سی سال می کند و قطع رحم، عمر سی ساله را سه سال می کند. (۳۰۵)

۴- دعا گنجینه پر ارزش و مؤثر می باشد

دعا گنجینه ارزشمندی است که ما مسلمانان با وجود اینکه خداوند را مدبر و گرداننده جهان می دانیم، اما در عمل از این گنجینه پرارزش یعنی امداد الهی استفاده نمی کنیم و آن را تکیه گاه خود قرار نمی دهیم، مسلمان باید در زندگی با خداوند کار کند، برای خدا بدهد، از خداوند بگیرد، از خداوند تقاضا کند، با حضرتش صحبت کند، همواره با خدا سر و کار داشته باشد، آن وقت است که مزه ایمان و اسلام و دعا و همدم شدن با خدا را می فهمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می خواهید اسلحه ای به شما معرفی کنم که شما را از شر دشمنان نجات دهد و روزی شما را فراوان کند؟ عرض کردند آری، فرمود: خدای خود را در شب و روز بخوانید و دعا کنید که دعا اسلحه مؤمن است. (۳۰۶) امام صادق علیه السلام فرمود: دعا از نیزه تیز برنده تر است (۳۰۷) و فرمود: آیا طولانی بودن بلا یا کوتاهی آن را تشخیص می دهید؟ عرض کردیم نه، فرمود: هر وقت کسی هنگام بلا به او الهام شد که دعا کند، بدانید که بلا کوتاه است. (۳۰۸) موسی ابن جعفر علیه السلام فرمود: همانا دعا برمی گرداند بلائی را که مقدر شده و آنچه مقدر نشده از حضرت سوال شد بلائی مقدر را فهمیدیم، آنچه مقدر نشده را چگونه برمی گرداند؟ حضرت فرمود: (سبب می شود) تا انجام نشود. (۳۰۹) امام باقر علیه السلام به زراره فرمود: می خواهی تو را به چیزی راهنمایی کنم که پیامبر در آن استثنا نزد؟ عرض کردم آری، فرمود: دعا بر می گرداند آن قضا (تقدیراتی) را که سخت و محکم شده، سپس حضرت (برای نشان دادن این مسأله) انگشتان دست خویش را گره کرد - یعنی بلا هر چه محکم و حتمی باشد باز با دعا بر طرف می گردد. (۳۱۰)

محرم و نامحرم

در دین مقدس اسلام، روابط زن و مرد، دارای شرائط و احکام مخصوصی است که هر مسلمانی باید آن را بداند و رعایت کند، در جوامع امروز بشری بخاطر بی بند و باری و عدم رعایت نکات اخلاقی لازم، زن و مرد، بدون در نظر گرفتن مسائل اخلاقی، با هم ارتباط برقرار می کنند، و دچار دهها مفسده اجتماعی شده و خود و اجتماع را به هلاکت می کشانند. اسلام روابط زن و مرد را بسیار حساس و دقیق معرفی می کند، و جوامع بشری را از ارتباط نا سالم میان زن و مرد بر حذر می دارد. غریزه جنسی بعنوان یک غریزه فطری احتیاج به کنترل و تعدیل دارد، و می باید از راههای مشروع به آن پاسخ داد و نیاز جنسی را تاءمین نمود، و گرنه تاءمین بی قید و شرط مسائل شهوی و مثل سایر عرائز، نه تنها سودمند نیست، بلکه موجب هلاکت خواهد بود. به همین جهت است که در اسلام، عده ای از افراد برای زن یا مرد بعنوان محرم و نامحرم، مطرح شده اند اختلاط زن و مرد نامحرم موجب تحریک غریزه جنسی و زمینه فعالیت شیطان برای ایجاد فساد در جامعه خواهد بود. به همین نظر اسلام هرگز اختلاط زن و مرد را نیکو نشمرده است، و به زن و مرد در مورد خطر اینگونه محاف هشدار داده است، مخصوصا اختلاط پسر و دختر جوان در مجالس خلوت یا بی بند و بار. وقت خشم و وقت شهوت مرد کو؟ این عابد به سختی مقاومت کرد در میان بنی اسرائیل زن بد کاره ای بود که بسیاری از جوانان را شیفته خود کرده بود، روزی در نزد وی جوانی گفت: اگر آن عابد مشهور هم این زن را ببیند شیفته وی می شود، زن با شنیدن این سخن سوگند خود که به خانه نمی روم تا عابد را منحرف کنم، همان شب به طرف خانه عابد آمد، در زد و گفت: ای عابد امشب مرا پناه ده که در خانه تو شب را صبح کنم، عابد امتناع نمود، زن گفت: بعضی از جوانان قصد تجاوز به من را دارند، از ایشان گریخته ام اگر در را باز نکنی، کاری زشت صورت می گیرد، عابد با شنیدن این سخن در را باز

کرد. زن چون وارد خانه شد، برای فریب عابد لباسهای خود را افکند، همینکه نگاه عابد به زیبایی و جمال زن افتاد عنان شهوت از دست داد، وقتی به خود آمد که دست خود را بر بدن آن زن دید در همان ساعت بخود آمد، دست برداشت، در آنطرف طرفی بر آتش بود دست خود را بر روی آتش نهاد، زن گفت چه می کنی؟ گفت: دست خود را به آتش دنیا می سوزانم شاید از آتش آخرت نجات یابم، زن به عجله بیرون شتافت و فریاد زن عابد را دریابید که دست خود را سوزاند. وقتی مردم رسیدند دیدند دستش سوخته است. (۳۱۱) نصیحت شیطان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ابلیس به حضرت موسی گفت: ای موسی با زن نامحرم تنها مباش که هرگاه مردی با زن نامحرم خلوت کند من خودم حاضر می شوم (برای گمراهی) نه یاورانم (شدیدا در معرض گمراهی خواهد بود). (۳۱۲) نفس انسان بهانه جوست ((النظره بعد النظره تزرع فی القلب الشهوة و کفی بها لصاحبها فتنه)) امام صادق علیه السلام فرمود: نگاه بعد از نگاه (به حرام یا به امور بیهوده) شهوت را در دل می رویاند و همین برای هلاک صاحب آن کافی است (نگاه های بیهوده به اشیاء و افراد موجب پراکندگی ذهن و بهانه جوئی و هوسبازی روح انسان است تا چه رسد به نگاه حرام یعنی روح بسیاری مانند اطفال تا وقتی ندیده در خواست ندارد همین که دید با سر سختی بهانه جوئی می کند). (۳۱۳) اثر چشم پوشی ((غصوا ابصار کم ترون العجائب .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چشمهای خویش را بر هم نهد تا عجائب ببینید (تا دیده ما متوجه امور مادی است دل هم از دیدن معنویات غافل است، همینکه دیده بسته شد دل از سرگرمی دنیا جدا شده به کلمات نظر می کند). (۳۱۴) نگاه دوم ممنوع ((لکم اول نظرة الی المرأة فلا تتبعوها نظرة اخرى و احذروا الفتنة)) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نگاه اول که به نامحرم افتاد مال شما، دنبال آن دیگر نگاه کنید و بترسید از هلاکت. (۳۱۵) پاداش چشم پوشی امام صادق علیه السلام فرمود: هر که نگاهش به زنی افتد و چشم خویش را به آسمان برگرداند و یا چشم را ببندد، پلک چشم او باز نشود مگر اینکه خداوند از زنان بهشتی بدو تزویج کند. (۳۱۶) اینجا نخواهید ((من کان یومن بالله و الیوم الآخر فلا یت فی موضع یسمع نفس امرأة لیست له بمحرم .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد در جائی که صدای نفس زنی که با او محرم نیست شنیده می شود نخواهد. (۳۱۷) در جای زن نشینید ((اذا جلست المرأة مجلسا فقامت عنده فلا یجلس فی مجلسها وجل حتی یرد .)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی بانویی جائی نشست و برخاست تا آن مکان سرد نشده است مرد جای او نشیند (از همین روایت باید به اهمیت و حساسیت روابط مرد و زن توجه کرد و اینکه تا چه حد مرد و زن در معرض تاءثیر هستند بنابراین نباید به دلایل واهی اختلاط زن و مرد را تجویز کرد گرچه هر دو در حجاب و عفاف باشند). (۳۱۸) مرد و دختر کوچک ((اذا بلغت الجاریة ست سنین فلا ینبغی لک ان تقبلها)) امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی دختر به سن شش سالگی رسید سزاوار نیست که او را ببوسی، (زیرا از این سن به بعد زمینه برای تحریک دو طرف موجود است و شیطان مجال وسوسه پیدا می کند). (۳۱۹) به چادر زنها هم نگاه نکنید ((اما یخشی الذین ینظرون فی ادبار النساء ان یتلوا بذلک فی نسائهم .)) امام صادق علیه السلام فرمود: آیا آنها که به پشت سر زنها نگاه می کنند نمی ترسند که این عمل راجع به همسران خودشان انجام شود (بگذارید معابر مسلمین برای بانوان از امنیت کافی برخوردار باشد). (۳۲۰) زن و مرد هر دو باید عفت چشم داشته باشند ((من ملا عینیه من حرام ملا الله عینیه یوم القیامة من النار الا ان یتوب و یرجع .)) امام صادق علیه السلام از پدران خود علیهم السلام روایت کند که فرمودند: هر که چشمان خویش را از حرام پر کند خداوند دو چشم او را در قیامت از آتش پر کند مگر اینکه توبه کند و برگردد. (۳۲۱) به زن نامحرم سلام نکنید ((لا تبدئوا النساء بالسلام و لا تدعوهن الی الطعام)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به زنها (نامحرم) سلام نکنید، و آنها را به غذا دعوت نکنید، (مخصوصا سلام کردن به زنان جوان، که حضرت امیر علیه السلام در روایتی فرمود می ترسم بیشتر از ثواب، به حرام بیفتم، اگر سخن زن در یک مسئله اسلامی مثل جواب سلام برای شخصی چون علی علیه السلام چنین است، پس عکس العمل رفتار دلفریب پسر و دختر چه فاجعه ای خواهد داشت). (۳۲۲) نگاه به زنان کافر ((لا یاس بالنظر الی رؤس نساء اهل الذمة)) امیرالمؤمنین علیه

السلام فرمود: نگاه کردن به موی سرزنهای یهودی و نصرانی و زرتشتی (اهل ذمه) حرام نیست (به شرط اینکه از روی شهوترانی نباشد و در حرام نیفتد) (۳۲۳) زن و پسر بچه ((سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن الصبی یحجم المرأة قال اذا کان یحسن ان یصف فلا)) از امیرالمؤمنین علیه السلام سوال شد پسر بچه می تواند زن را حجامت کند (حجامت، گرفتن خون کثیف و زیادی بدن است که در سابق انجام می شد و از نظر اسلامی هم تاءکید شده است) حضرت فرمود: اگر بچه می تواند تعریف کند حجامت نکند (یعنی بانوان با حیاء می بایست از پسر بچه ای که از امور جنسی آگاه است دوری کنند). (۳۲۴) تیر شیطان ((ایاکم والنظر فانه سهم من سهام ابلیس)) امام صادق علیه السلام فرمود: از نگاه (آلوده) پرهیزید که تیری از تیرهای شیطان است. (۳۲۵) خواهر زن محرم نیست. از امام رضا علیه السلام شخصی سؤال کرد آیا به موی خواهر زن می توان نگاه کرد، فرمود: خیر مگر اینکه از زنهایی باشد که بر اثر پیری امید ازدواج نداشته باشد، راوی پرسید: خواهر زن با زن غریبه یکی است؟ فرمود: بله. (۳۲۶) به نامحرم دست ندهید ((من صافع امرأة تحرم علیه فقد باء بسخط من الله عز و جل)) امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که فرمودند: هر که با زن ماه محرم دست دهد، خشم خدا را برای خود فراهم آورده است. (۳۲۷) با نامحرم شوخی نکنید ابو بصیر گوید: من به زنی قرآن یاد می دادم، روزی با او شوخی کردم، بعدا که خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم حضرت فرمود: ای ابا بصیر به آن زن چه گفتی؟! من از خجالت صورتم را با دستهایم پوشاندم، حضرت فرمود: دیگر پیش او نرو. و در روایت دیگر حضرت به ابو بصیر فرمود: برو و به آن زن بگو: ابو جعفر - یعنی خود حضرت - تو را سلام می رساند و می گوید: خودت را به ابو بصیر ترویج کن، ابو بصیر گفت: تو را به خدا ابو جعفر این سخن را فرمود؟ سوگند یاد کردم که چنین است، او نیز قبول کرد و همسر من شد! (۳۲۸) مردی بنام میسر گوید: به منزل امام باقر علیه السلام آمده در زدم، دخترکی کوچک بیرون آمد، دستم را روی دست دختر گذاردم و گفتم: به مولایت بگو میسر دم در منتظر اجازه است، در این میان ناگاه حضرت از انتهای خانه صدا برآورد: بیا تو - پدر مباد ترا - سپس فرمود: بخدا سوگند ای میسر اگر این دیوارها مانع دید ما باشند همچنانکه مانع دید شما هستند ما و شما یکسان خواهیم بود، میسر گوید: عرض کردم: فدایت شوم به خدا قصدی نداشتم جز اینکه می خواستم (با دیدن نمونه ای از علم غیب شما) ایمان خودم را نسبت به شما افزون کنم. (۳۲۹) دختر بچه شش ساله را به مجالس مردها نیاورید. والی مکه محمد ابن ابراهیم شوهر دختر امام صادق علیه السلام بود، او دختری داشت که لباسهای رنگارنگ بر او پوشانده، او را به مجلس ماه محرم می آورد و او را بغل می کردند تا اینکه روزی دخترک نزد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام (که دائی او می شدند) آمد، حضرت در حالی که دو دست خویش را دراز کرده بود دخترک را گرفته فرمود: دختر وقتی شش ساله شد بر مرد نامحرم جایز نیست او را ببوسد و یا بغل کند. (۳۳۰) حساسیت روابط زن و مرد سعیده و منة دو خواهر محمد ابن ابی عمیر گویند نزد حضرت صادق علیه السلام رفته و پرسیدیم آیا زن می تواند به برادرش سر بزند و از او عیادت کند، حضرت فرمود آری، پرسیدیم آیا می تواند به برادرش دست بدهد، حضرت فرمود: به واسطه لباس (دستهایشان به هم نخورد) یکی از آنها گفت: خواهرم نزد برادرانش می رود، حضرت فرمود: وقتی پیش بردارت می روی لباس رنگارنگ نپوش. (۳۳۱) مؤلف گوید: اندیشمندان و صاحبان فکر و هوش، خوب می فهمند که امام صادق علیه السلام وقتی دست دادن خواهر و برادر را بطور مستقیم یا لباس رنگارنگ را هنگام دیدار برای زن نمی پسندد، روابط زن و مرد را چقدر حساس می داند با این حساب، اختلاط زن و مرد و دختر و پسر نامحرم با آن وضع لباس و بدن در محافل، خدا می داند زمینه ساز چه مفاسدی خواهد بود. در یک بستر نخواستند ((لا ینام الرجل مع الرجل ثوب و احد فمن فعل ذلک و جب علیه الادب و هو التعزیر)) حضرت امیر علیه السلام فرمود: مرد با مرد زیر یک روانداز نخواستند، هر که چنین کند باید با تعزیر (تازیانه) او را ادب کرد، و در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دو زن نیز نباید زیر یک روانداز بخوابند مگر اینکه ناچار شوند و امام صادق علیه السلام فرمود: اگر چنین کنند هر کدام استحقاق سی تازیانه دارند. (۳۳۲) عضو ناشکر ((لیس فی البدن شیء اقل شکرا من

العین فلا- تعطوها سولها فتشغلکم عن ذکر الله عز و جل)) حضرت امیر علیه السلام فرمود: هیچ عضوی ناسپاستر از چشم نیست خواسته چشم را اجابت نکنید که از یاد خدا شما را غافل می کند. (این اولین ضرر نگاههای بیهوده است یعنی غفلت). ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد زنها با نامحرم کمتر صحبت کنند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زنها با نامحرم بیش از پنج کلمه آن هم به هنگام ضرورت صحبت نکنند (صحبت کردن و مقدمات و لوازم آن مانند صدای رقیق و نگاه کردن به یکدیگر و سایر مسائل از موجبات فساد در بسیاری از موارد است، بنابراین از نظر اسلامی برازنده زن مسلمان نیست که هنگام خرید و غیره شروع کند با مرد نامحرم سخنان بیهوده و غیر ضروری گفتن). چهار چیز دل مرده گی می آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز دل را می میراند، گناه روی گناه، با زنها زیاد مناقشه کردن یعنی سخن گفتن (منظور یا زنها نامحرم است و یا بطور کلی زیاد با زنها بگو مگو کردن مخصوصا اگر نامحرم باشند، به هر حال مردان و یا زنانی که بخاطر شغل یا مسائل دیگر با اجنبی صحبت می کنند باید به حداقل اکتفا کنند) و بگو مگو با افراد احمق که او بگوید و تو بگویی و به خیری بر نگردد و چهارم همنشینی با مرده ها! سوال شد: همنشینی با مرده ها یعنی چه؟ حضرت فرمود: هر ثروتمند خوشگذران. (۳۳۳) مؤلف گوید: پیامبر اکرم این چهار کار را موجب دل مرده شدن دانسته است و دل که بمیرد دیگر از صفات انسانی بدور است و قابلیت فیض الهی را هم ندارند، نه از دعا لذت می برد و نه از عذاب الهی می ترسد و نه از تشویقهای او رغبت حاصل می کند. زنگهای خطر را احساس نمی کند و به معنویات و امور دینی ارزش قائل نمی شود، حیوانی می شود انسان نما، که تمام تلاشش در فکر شکم و شهوت است، و معلوم است که گناه زیاد کردن بدون توبه دل را می میراند، با زنها اجانب صحبت کردن کانون فساد اخلاقی است، با زنهائی که محرم هم هستند اما سراسر صحبتشان در محور گناه یا مادیات یا امور بیهوده است نیز همینطور است، بحث و جدل با افراد احمق هم جز گمراه کردن روح و فکر فایده ای ندارد، اما همنشینی با پولداران خوشگذران از آنجا که تمام ظاهر و باطن این افراد نشان دهنده مادیات می باشد، لباسشان، رخسارشان، رفتارشان، منزلشان، اثاث منزلشان، فرزندانشان و فامیلشان و حتی افکار و روحیاتشان تمام مظاهر مادی هستند، چه بسا افراد کم ظرفیتی که با مشاهده و همنشینی با اینان، خود را سبک و پست احساس کنند و ارزشهای معنوی خود را فراموش کرده، به فکر جمع آوری و حرص و آز بیفتند و این است که موجبات مرگ و قساوت دل انسان می گردد و از همین جاست که توصیه می شود، زن و فرزندان خود را تا می توانید از مجالست با اینگونه افراد بدور دارید و گرنه موجبات چشم و کم چشمی و حرص و آز تحقیر را برای خود و خانواده فراهم خواهیم نمود. دکتر محرم است اما: ابو حمزه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم زن مسلمان اگر بلایی به بدنش رسد مثل شکستگی یا زخم در مکانی که بر مرد جایز نیست به آنگاه کند (ولی) مرد بهتر می تواند معالجه کند از زن، آیا بر مرد جایز است (برای مداوا) نگاه کند؟ حضرت فرمود: اگر مضطر شد در مراجعه به مرد، و زن هم رضایت داد مرد می تواند او را معالجه کند. (۳۳۴) مؤلف گوید: این که برخی از بانوان معتقدند دکتر محرم است صحیح است اما به شرط اینکه دکتر زن برای معالجه زن نباشد و یا دکتر مرد برای معالجه مرد نباشد و یا دسترسی به آن غیر مقدور و سنگین باشد و به مقدار ضرورت از دو طرف اکتفا شود، نه اینکه نزد دکتر مثل شوهر حجاب خود را باز کند و بی پروا بدن خود را نشان دهد، اگر باید جایی از دست خود را نشان دهد جایز نیست تمام عضو را نشان دهد بلکه باید مقدار غیر لازم را بپوشاند، بر دکتر هم جایز نیست بیش از مقدار لازم را در نظر کند، بنابراین راننده و بقالی و آب حوضی و دستفروش و غیر اینها هیچکدام محرم نیستند که بانوان بی پروا با آنها صحبت کنند یا به هم نظر کنند همچنان که معلم و استاد نیز به هیچ وجه محرم نیست و مانند سایر مردها و زنها نامحرم حساب می شوند، لازم می دانم در اینجا به حساسیت این مسئله تاءکید کنم که اگر جامعه اسلامی می خواهد روابطش در عین پیشرفت علمی از عفت و دیانت برخوردار باشد باید سعی شود در محیطی بسیار ساده و عفیف با همین امکانات موجود با حداکثر توان تلاش کنند تا بانوان مسلمان برای معالجه یا درس خواندن محتاج نامحرم

نباشد و بالعکس. حضرت فاطمه و مرد نابینا حضرت امیر علیه السلام فرمود: مرد نابینایی خواست وارد شود حضرت فاطمه (س) پنهان شد، پیامبر فرمود: چرا پنهان شدی او که تو را می بیند؟ فاطمه (س) عرض کرد: اگر او مرا نمی بیند من که او را می بینم، و او هم او را احساس می کند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی (بعضی ممکن است بپندارند که رعایت این نکات که کمال عفاف است امروز میسر نیست، بلکه با بافت کنونی جامعه این امر ممکن نیست، اما می توان انتظار داشت حکومت اسلامی با هماهنگی میان بانوان و محیط کار و درس آنها جو بسیار مناسبی ایجاد کند که این نکات نیز رعایت شود و البته این مسئله غیر از ممنوعیت یا محدودیت شغلی بانوان است). (۳۳۵) سه نوبت اجازه بگیرند امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با خانواده ای کار دارد سه بار باید اجازه بگیرد بار اول برای اینکه بشنوند بار دوم برای اینکه آماده شوند و بار سوم که اجازه گرفت اگر خواستند اجازه دهند و اگر نخواستند اجازه ندهند و طرف بر می گردد. (۳۳۶) (پس کسی که نزد دیگری می رود نباید بدون اجازه وارد شود و اگر هم فهمید که در خانه هستند منتظر جواب مثبت نباشد همینکه اجازه ورود نداند برگردد شاید در وضعی نیستند که پذیرای او باشند). بانوان در حجاب خود دقت کنند ام سلمه یکی از همسران پیامبر (ص) است گوید: من با یکی دیگر از همسران حضرت به نام میمونه نزد پیامبر بودیم که نابینائی به نام ابن مکتوم وارد شد، حضرت فرمود: خود را بپوشید (پنهان شوید) گفتیم ای پیامبر خدا مگر او نابینا نیست؟ حضرت فرمود: آیا شما هم نابینائید؟ آیا شما نمی بینید؟! حضرت فاطمه سلام الله علیها به یکی از بانوان به نام اسماء فرمود من خجالت می کشم از اینکه (چون زنی از دنیا رفت) او را روی چیزی (تخته) قرار می دهند و بر روی او پارچه می کشند و بینندگان می توانند حجم بدن او را بازگو کنند، اسماء گفت: ای دختر پیامبر، من در کشور حبشه چیزی دیده ام که به شما نشان می دهم سپس مقداری از چوب نازک و مرطوب فراهم کرده، به صورت تابوت در آورد، و روی آن پارچه ای انداخت، همین که حضرت فاطمه علیه السلام این تابوت را دید لبخندی زد و فرمود: چه نیکو است این تابوت که مرد از زن شناخته نمی شود. آری برادر و خواهر عزیز، این است بانوی نمونه اسلام که در عزت و عظمت جای رقابت برای کمتر کسی بازگذاشته است او چنان به حجاب اهمیت می دهد که حتی راضی نیست حجم بدن زن را هنگام مرگ، نامحرم ببیند، و چقدر فاصله است بین دختر پیامبر و بعضی از بانوان مسلمان که بی حجابی یا بدحجابی و معاشرت با اجانب را برای خود ارزش می دانند. نگاه به زنهای کافر مساءله: نگاه کردن به زنهای کافر و غیر مسلمان بدون لذت و بدون ترس از اینکه در حرام بیفتد جائز است، و احتیاط در آن است که بیش از آن مقدار که عادت آنها به نپوشاندن است نگاه نکند (بنابراین به زنهای غیر مسلمان که به صورتی غیر معمولی و زننده ظاهر می شوند، نگاه کردن خلاف احتیاط است). نگاه از روی شهوت ممنوع است. مساءله: نگاه کردن مرد به مرد و زن به زن در صورتی که از روی لذت جوئی و یا خطر ابتلاء به حرام در کار نباشد جایز است، جز در عورت (یعنی خصوص عقب و جلو نه بالا و پائین تر از آن) و در این مساءله فرقی میان جوان یا پیر و یا زشت و زیبا نیست، بلکه برای زن مسلمان مکروه است نزد زنهای کافر بدن خود را نشان دهد. نگاه جائز و حرام مساءله: جائز نیست برای مرد که به زن نامحرم نگاه کند، برای زن هم جائز نیست به مرد نامحرم بدون ضرورت نگاه کند، و عده ای از فقهاء فقط صورت و دو کف دست را استثناء کرده اند، ولی احتیاط در این است که اصلاً به هم نظر نکنند، بلکه تردد در مجامع عمومی مانند بازار و مانند آن که انسان می داند نگاهش به نامحرم می افتد اشکال ندارد و لازم نیست چشم خود را ببندد تا نگاهش به آنها نیفتد، البته این حکم در جائی است که خطر انحراف گمراهی در بین نباشد. نگاه کردن مرد و زنی که به هم محرم هستند بدون قصد لذت و بدون ترس از وقوع در حرام جائز است. محارم مرد عبارتند از: همسر، مادر، خواهر، دختر و فرزندان دختر، زن پدر، مادر زن، مادر پدر مادر، دختر برادر و دختر خواهر، و زن پسر، عمه و خاله. محارم زن عبارتند از: شوهر، پدر، برادر، پسر و فرزندان پسر، شوهر مادر، پدر شوهر، پدر پدر و پدر مادر، پسر برادر و پسر خواهر، شوهر دختر، عمو و دائی، البته محارم دیگری مثل محرم شدن از راه رضاع مراجعه شود. خودنمائی و شهوترانی حرام نفس اژدرهاست او کی مرده است حضرت امیر

علیه السلام در وصیت خود هب فرزندش می فرماید: مانع شود از اینکه زنها نظرشان به دیگری افتد، که حجاب بیشتر برای زنها موجب دوام بیشتر است، و (بدان که) بیرون رفتن (از خانه) سخت تر از آن نیست که فرد نامطمئنی را پیش آنها بگذاری، اگر بتوانی کاری کنی که جز تو نشناسد (و نبیند) انجام ده. (۳۳۷) آنچه آمار و ارقام در جوامع غربی و یا شرقی از شیوع فساد و فحشاء نشان می دهد، سر منشاء آن خودنمائی و چشم چرانی و طمع ورزی مرد و زن در اجتماع است. نفس انسانی مخصوصاً شهوت جنسی مثل اطفال بهانه گیر است، طبیعت اغلب اطفال چنین است که اگر چیزی را نبینند و یا نشنوند بهانه آن را نمی گیرند، اما اگر دیدند به سختی رغبت می کنند و تمام سعی خود را برای به دست آوردن آن انجام می دهند و در این میان هیچ ضابطه ای هم در نظر نمی گیرند. و به عبارت دیگر نفس انسان به ویژه شهوت جنسی در بسیاری همانند شیرینی است که با دیدن صورتهای زیبا و منظره های مهیج تحریک می شود و چه مشکل است مقاومت در مقابل این هیجانها و چه اندکند کسانی که بتوانند خود را در میان پاکدامن نگاه دارند، آری نکته حساس و مورد غفلت اینجاست که آدمی تا مبتلا به وسوسه شهوت نشود و برایش شرائط آماده نشود، خود نیز از شهوت خویش و ضعف نفس خود آگاه نیست و از این اژدهای مهیب ولی خفته در درونش بی خبر است! به همین جهت نه خود و نه همسر و نه جوان خود را از درگیری با صحنه های مهیج کنترل نمی کند، و موجب سقوط در دام فحشا می گردند، مراقب باشید و به خود اطمینان نداشته باشید، و از درگیری با مسائلی که حس شهوت را تحریک می کند و شما را به گناه می کشاند اجتناب کنید، فیلمها و کتابها و یا نوارهای مبتذل از طریق ویدئو و غیره، جز در معرض فساد قرار دادن خود و خانواده سودی در بر ندارد. بر صیصای عابد در کمند شهوت داستان بر صیصای عابد باید عبرت خوبی باشد برای والدین جوانان و همسران آنها، بر صیصای عابد مردی بود که سالها خدا را عبادت کرده بود، به گونه ای که مستجاب الدعوه شد (۳۳۸)، از اطراف بیماران و دیوانگان را نزد او می آوردند، او دعا می کرد، شفا می یافتند، تا آنکه زنی از زنان اشراف به دیوانگی مبتلا شد او را برای شفا یافتن پیش عابد آوردند و رفتند. شیطان عابد را وسوسه کرد، همان عابدی که آنقدر عبادت کرده بود که دعایش مستجاب می شد با این حال شیطان فهمید که رگ حساس و نقطه ضعف او کجاست، آنقدر عابد را وسوسه کرد تا بالاخره عنان از کف داد و با آن زن زنا کرد، و سپس ترس رسوائی زن را کشت، چون قضیه فاش شد او را گرفتند و بر سر چوبه دار بستند. (دارهای سابق همه به صورت حلق آویز نبوده بلکه محکوم را بردار می بستند تا از گرسنگی بمیرد و یا با تیری او را می کشتند) در حالی که بالای دار بود شیطان بر او ظاهر شد و گفت: من تو را به این روز انداخته ام، اگر سختم را گوش کنی تو را خلاص می کنم، گفت چه کنم؟ شیطان گفت: مرا سجده کن! عابد بیچاره گفت: با این حال چگونه تو را سجده کنم؟ گفت: به اشاره هم کافیت! عابد با اشاره بر شیطان سجده کرد! و کافر شد، شیطان نیز از او بیزاری جست و سپس او را نجات هم نداد تا اینکه در حال کفر مرد. (۳۳۹) تیر شیطان ((النظر سهم من سهام ابلیس مسموم)) امام صادق علیه السلام فرمود: نگاه تیری از تیرهای مسموم شیطان است، چه بسیار نگاهی که حسرت بسیار به دنبال آورده است. (۳۴۰)

زنان و مردان آخر الزمان

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه ها پس از حمد و ثنای الهی سه بار فرمود: ((سلونی ایها الناس قبل ان تفقدونی)) ای مردم سئوالات خود را از من پرسید، قبل از اینکه مرا نیابید. یکی از اصحاب حضرت بنام صعصعه عرض کرد یا امیرالمؤمنین دجال چه وقت خروج می کند؟ حضرت فرمود: بنشین، خداوند سخن تو را شنید و قصد تو را می داند، (گویا می خواسته زمان دقیق ظهور حضرت مهدی یا قیامت را بداند) به خدا قسم سوال شده (یعنی من) در این مساله از سوال کننده داناتر نیست، ولی برای آن عاملاتی است که یکی بعد از دیگری مو به اجرا خواهد شد اگر مایلی به تو خبر دهم؟ صعصعه عرض کرد: آری می خواهم، حضرت فرمود: اینها را حفظ کن، علامت خروج دجال این است: زمانی که مردم نماز را از بین ببرند و امانت را ضایع

گردانند، دروغ را حلال شمرند و ربا بخورند و رشوه بگیرند. ساختمانهای بلند بسازند، دین را به دنیا بفروشند، نادانان را رئیس کنند و با زنها مشورت نمایند، با اقوام و فامیل خود قطع رابطه نموده و به دنبال هوی و هوس روند... قرآنها زینت شود و مساجد طلاکاری گردد و مناره‌ها طولانی و بلند شود، اشرار مورد احترام قرار گیرند و صف‌ها شلوغ شود و خواسته‌ها مختلف گردد و عهدها شکسته گردد و موعود نزدیک شود، زنها با شوهرهایشان در تجارت و کسب برای حرص دنیا شریک شوند... ساز و آواز و سائل غنا را استعمال کنند، و آخر این امت اولش را لعن کند، زنها سوار زینها گردند، و زنان به مردان و مردان به زنان شبیه شوند... لباسهای میش را بر دلهای گرگها بپوشاند، قلبهای آنها از مردار گندیده تر است و از گیاه تلخ صبر تلخ تر است... (۳۴۱) و در روایت دیگری که حضرت علائم آخر الزمان را بیان می نمود فرمود: آشوبگری که در عراق خروج کند، حجاب از زنان و بکارت از دختران برود... (۳۴۲) سکتة اثر اعمال نامشروع ((اذا کثر الزنا من بعدی کثر موت الفجاء)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که بعد از من زنا زیاد می شود، مرگ های ناگهانی (سکتة) نیز زیاد می شود. (۳۴۳) (یعنی این خاصیت عمل نامشروع است که موجب مرگ های زودرس می شود حتی برای دیگران). بهترین عبادت ((ما من عبادة افضل من عفة بطن و فرج)) امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ عبادتی از عفت شکم و شهوت جنسی برتر نیست. (۳۴۴) یعنی اگر انسان بتواند بخاطر شکم که همان تأمین معاش است به حرام یا مکروه نیفتد و خود و روحیات و دین خود را ضایع نکند، شهوت جنسی خود را هم کنترل کند، بهترین عبادت را انجام داده است. عقاب زناکار امام صادق علیه السلام فرمود: زنا کننده را شش صفت لازم آید، سه تا در دنیا و سه تا در آخرت، اما در دنیا، زنا فروغ صورت را می برد و موجب تنگدستی شده و نابودی را نزدیک می کند و اما در آخرت موجب خشم خدا و مشکلی حساب و جاودانگی در جهنم خواهد بود. (۳۴۵) زنهاى آخر الزمان اصبع ابن نباته از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام است، او از حضرت روایت کند که فرمود: در آخر الزمان و هنگام نزدیک شدن ساعت - موعود - که بدترین زمانهاست، زنهایی پیدا می شوند که لخت و عریانند، از دین خارج و در فتنه ها وارد می گردند، به طرف شهوتها متمایل و به لذت جوئی هجوم می آورند، حرامها را حلال می شمرند، اینان در جهنم به عذاب دائم گرفتارند. (۳۴۶) و در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت بر پا نمی شود، تا اینکه حیاء از بچه ها و زنها بیرون می رود. (۳۴۷) حساسیت بانوان ((ان الله عزوجل جعل للمرأة صبر عشرة رجال فاذا هاجت كانت له قوة شهوة عشرة رجال)) امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل برای زنها توان ده مران (در کنترل امور جنسی) قرار داده است، پس چون به هیجان آینده ده برابر مرد خواهد بود. (یعنی کسانی که دارای همسر و یا دختر هستند بدانند که زنها نسبت به مسائل شهوی حساس هستند و مسائلی که ممکن است یک مرد را در خطر قرار دهد یک دهم آن برای هیجان زنها کافی است پس هوشیارانه عمل کنند و مراقب باشند کما اینکه اهمیت ارضاء مسائل شهوی بانوان را به شوهرانشان و عدم تاخیر ازدواج دختران و مادران تذکر می دهد). (۳۴۸) زن و جاده ((لا ینبغی للمرأة ان تمشى فی وسط الطريق و لکن تمشى الی جانب الحائط)) موسی ابن جعفر علیه السلام فرمود: زنها بهتر است که از کنار جاده راه روند، و از وسط راه حرکت نکنند. (۳۴۹) (زیرا کمتر موجب اختلاط زن و مرد است و می توان نتیجه گرفت که اسلام با دو بخش کردن مجامع عمومی موافق است). زن و حمام بیرون ((من کان یومن بالله و الیوم الاخر فلا یدع حلیته تخرج الی الحمام)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که به خدا و قیامت ایمان دارد اجازه ندهد همسرش به حمام بیرون رود. (۳۵۰) میان راه رخ دهد باید انسان را بیدار کند زیرا تمام کسانی که به این مکان می آیند از عفت زبان و بدن برخوردار نیستند). بانوان خودنمائی نکنند ((لا ینبغی للمرأة تجمر ثوبها اذا خرجت من بیتها)) امام صادق علیه السلام فرمود: برای زن سزاوار نیست وقتی از خانه خارج می شود لباسش را خوشبو کند. (۳۵۱) این زن ملعون است ((ای امرأة تطیبت و خرجت من بیتها فهی تلعن حتی ترجع الی بیتها متی ما رجعت)) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود از وقتی که بیرون می رود تا هر وقت که برگردد مورد لعنت قرار می گیرد. (زیرا به همین مقدار موجب جلب

توجه و تهییج شهوت و فساد اجتماع می شود). ارزنده ترین زینت زن ((خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال)) حضرت علی علیه السلام گوید: ما نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم حضرت فرمود: بگوئید بهترین چیز برای زنها چیست؟ ما نتوانستیم جواب بدهیم و متفرق شدیم، من نزد فاطمه علیها السلام آمدم. سخن پیامبر را برای ایشان نقل کردم و گفتم که هیچکدام از ما جوابی نداشت که بدهد. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ولی من جواب را می دانم! بهترین چیز برای زنها این است که مردها را نبینند و مردها هم آنها را نبینند، حضرت علی علیه السلام گوید: نزد پیامبر برگشتم و گفتم: یا رسول الله شما از ما پرسیدید چه چیز برای زنها بهتر است؟ بهترین چیز برای زنها این است که مردها را نبینند و مردها هم آنها را نبینند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: شما وقتی نزد من بودی، نمی دانستی، چه کسی به تو خبر داد؟ عرض کردم: فاطمه، پیامبر اکرم با تعجب فرمود: فاطمه پاره تن من است. (۳۵۲)

فرزندان موفق

۱ - توفیقات مقام معظم رهبری در خدمت به والدین است از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای نقل شده است که ایشان در مورد رمز موفقیت خود (با تواضع حکیمانه) می فرمایند: بنده اگر در زندگی خود در هر زمینه ای توفیقاتی داشته ام، وقتی محاسبه می کنم به نظرم می رسد که این توفیقات باید از یک کارنکی که من نسبت به یکی از والدینم انجام داده ام باشد. سپس در ادامه: خاطره ای را نقل می فرمایند که به نظر ایشان رمز موفقیت ایشان می تواند حساب شود، و مایه اختصار آن را نقل می کنیم می فرمایند: پدرم در سنین پیری - بیست و چند سال قبل از فوت - به بیماری آب چشم که موجب نابینائی می شود مبتلا شد بنده در آن موقع در قم مشغول تحصیل و تدریس بودم، از قم مکررا به مشهد می آمدم و ایشان را به دکتر می بردم، و دوباره باز می گشتم تا اینکه در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی به ناچار برای معالجه، ایشان را به تهران آوردم، اطباء در ابتداء ما را ماء یوس کردند گرچه بعد از دو سه سال یک چشم ایشان معالجه شد و تا آخر عمر هم میدید، اما آن زمان مطلقا نمی توانست با چشمهایش جائی را ببیند و باید دستشات را می گرفتیم. و این برای من یک غصه (بزرگ) شده بودم، زیرا اگر به قم می آمدم، ایشان مجبور بود در گوشه ای از خانه بنشینند و قادر به مطالعه و معاشرت و هیچ کاری نبود، و انس و الفتی هم که با من داشت با دیگر برادران نداشت، با من به دکتر می رفت ولی همراه شدن با دیگران و رفتن به دکتر برایش آسان نبود، وقتی بنده نزد ایشان بودم برایشان کتاب می خواندم و با هم بحث علمی می کردیم و از این رو با من ماء نوس بود، به هر حال احساس کردم اگر ایشان را در مشهد مقدس تنها رها کنم و به قم برگردم، ایشان به یک موجود معطل و از کار افتاد تبدیل می شود که برای خود ایشان بسیار سخت بود، برای من نیز خیلی ناگوار بود از طرفی دوری از قم نیز برای من غیر قابل تحمل بود، زیرا که من با قم انس داشتم و تصمیم گرفته بودم که تا آخر عمر در قم بمانم. بر سر دو راهی گیر کرده بودم، این مسأله در ایامی بود که ما برای معالجه پدرم در تهران بودیم، روزهای سختی را در حال تردید گذارندم. عصر تابستانی بود که سراغ یکی بزرگان و دوستانم در چهار راه حسن آباد تهران رفتم او اهل معنا و آدم با معرفتی بود، جریان ایشان تعریف کردم، در ضمن گفتم: من دنیا و آخرت خودم را در قم می بینم، اگر اهل دنیا باشم دنیای من در قم است و اگر اهل آخرت هم باشم آخرت من در قم است، خلاصه من باید از دنیا و آخرت خودم بگذرم که با پدرم به مشهد بروم و در آنجا بمانم! آن بزرگوار تاءمل مختصری کرد و فرمود: شما برای خدا از قم دست بکش و به مشهد برو، خداوند متعال می تواند دنیا و آخرت تو را از قم به مشهد منتقل کند. من در سخنان ایشان تاءملی کردم عجب حرفی است! انسان می تواند با خداوند معامله کند، با خودم گفتم برای خاطر خدا، پدرم را به مشهد می برم و تردا همانجا می مانم، خداوند هم اگر اراده فرمود، می تواند دنیا و آخرت مرا از شهر قم به مشهد مقدس بیاورد، تصمیم خود را گرفتم، دلم باز شد و ناگهان از این رو به آن رو شدم یعنی کاملا راحت شدم و با حالت بشاش و آسودگی خاطر به منزل آمدم. والدین

من که چند روزی بود که مرا ناراحت میدیدند، از بشاش بودن من تعجب کردند به آنها گفتم: من تصمیم گرفتم با شما به مشهد بیایم و آنجا بمانم، آنها اول باورشان نمی شد که من از قم دست بکشم، با آنها به مشهد قدس رفتم و آنجا ماندم و خداوند متعال بعد از آن، توفیقات زیادی به ماداد و به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم، اگر بنده در زندگی خود توفیقی داشتم اعتقادم این است که ناشی از همان بر و نیکی است به پدر و مادرم انجام داده ام (۳۵۳) ۲ - رمز موفقیت مرجع عالیقدر حضرت آیت الله نجفی مرعشی قدس سره نسبت به پدر و مادر خویش همیشه به صورت متواضعانه ادای احترام میکرد، حتی در همان دوران نوجوانی اگر مادرش به او می گفت: برو پدرت را از خواب بیدار کن، برای وی مشکل بود که با صدا زدن، پدر را از خواب بیدار کند. از ایشان نقل شده است که فرمود: در نجف بودیم، روزی مادرم فرمودند: پدرت را صدا بزن برای صرف نهار تشریف بیاورد، حقیر به طبقه بالا رفتم، دیدم پدرم در حال مطالعه خوابش برده است ماندم که چه کنم، خدایا امر مادر را اطاعت کنم یا با بیدار کردن ایشان از خواب باعث رنجش خاطر مبارکشان شوم؟ خم شدم، لبهایم را کف پای پدرم گذاشتم و چند بوسه از پای پدرم برداشتم تا اینکه بر اثر قلقلک پا، از خواب بیدار شد، ایشان وقتی این علاقه و ادب و احترام را از من دید فرمود: شهاب الدین تو هستی؟ عرض کردم: بلی آقا ایشان دو دوستش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: پسر من: خداوند عزت تو را بالا برد و تو را از خادمین اهل بیت علیه السلام قرار دهد (۳۵۴) حضرت آیت الله نجفی مرعشی قدس سره فرمودند: هر چه دارم از برکت دعای پدر است و بارها می فرمود: من به این مقام و موقعیت نرسیدم مگر به برکت دعای پدرم (۳۵۵) دعا برای مادر و قدر دانی او زنی بود از اهل عبادت بنام باهیه، هنگام مرگ عرض کرد: (خدایا) ای ذخیره (و امید) من ای تکیه گاه من در زندگی و مرگ، مرا هنگام مرگ وامگذار (کمکم کن) و در خانه قبر دچار وحشت مگردان. پس از فوت او پسرش هر شب و روز جمعه بر سر قبر مادر می آمد، مقداری قرآن می خواند و برای مادر و اهل قبرستان دعا میکرد. روزی این جوان مادرش را در خواب دید سلام کرد، و عرض کرد: حال شما چطور است؟ و بر شما چه می گذرد؟ باهیه گفت: پسر من، مرگ دارای سختیها و نگرانیهاست ولی من بحمدالله در جایی هستم که از سبزه فرش شده و به حریر آراسته گردیده است. جوان گفت: مادر آیا حاجتی داری؟ مادر گفت: از تو می خواهم که از دیدن و زیارت و دعا خواندن و قرائت قرآن برای ما دست برداری، من به آمدن تو در شب و روز جمعه مسرور و خوشحال می شوم، پسر من وقتی تو می آیی، اموات به من می گویند: باهیه پسر من (دارد) می آید و من به این مژده خوشحال می شوم، امواتی هم که در اطراف من هستند به آمدن تو مسرور می شوند. آن جوان گوید: من در هر شب و روز جمعه به زیارت قبر مادرم رفته مقداری قرآن می خوانم و اینگونه دعا می کنیم: خداوند وحشت شما (اموات) را انس و همدم باشد و بر غربت شما ترحم کند و از گناهانتان بگذرد و نیکیهای شما را قبول نماید. گوید: یک شب در خواب مشاهده کردم جمعیت زیادی به طرف من آمدند! پرسیدم، شما کیستند و چه حاجتی دارید؟ گفتند: ما اهل قبرستان هستیم، آمده ایم از تو تشکر کنیم و بخواهیم که قرائت قرآن و دعا کردن را از ما قطع نکنی (۳۵۶) ۳ - همنشین موسی علیه السلام در بهشت گویند: روزی حضرت موسی علیه السلام در مناجات، از خداوند متعال خواست که همنشین خود را در بهشت به او نشان دهد، جبرئیل علیه السلام نزد موسی علیه السلام آمد و گفت: ای موسی همنشین شما در بهشت فلان مرد قصاب است و نشانی او را داد. حضرت موسی علیه السلام به درب مغازه مرد قصاب آمد، دید جوانی است شبگردان و مشغول فروختن گوشت است، از دور نظاره گر اعمال او شد و کارهای مرد قصاب را کنترل می کرد تا بینه چه عمل فوق العاده انجام داده که چنین استحقاقی پیدا کرده است؟ همینکه شب شد مرد جوان مقداری گوشت برداشت و به طرف منزل روانه شد، حضرت موسی علیه السلام نیز به دنبال او رفت و بدون آنکه خود را معرفی کند از او خواست تا یک شب میهمان او باشد! مرد جوان با آغوش باز پذیرفت و با کمال ادب مهمان را به درون منزل برد. حضرت موسی علیه السلام مشاهده کرد که جوان غذائی تهیه نموده به سراغ پیر زنی فرتوت و کهنسال رفت که او را درون زنبیلی جای داده بود، او را بیرون آورد و شستشو داد، لباسهای او را عوض کرد و با دست خود غذا در دهان

او گذارد، حضرت موسی علیه السلام مشاهده کرد که این پیرزن در میان این کارها، کلماتی می گوید که برای حضرت موسی علیه السلام نامفهوم بود، بعد از آنکه آن جوان از میهمان نیز پذیرائی کرده مشغول خوردن غذا شدند، حضرت موسی علیه السلام پرسید: این پیرزن کیست؟ جوان عرض کرد: مادر من است و چون توان ندارم که برای او کنیزی (خدمتکار) تهیه کنم به ناچار خودم کارهایش را انجام می دهم و به او خدمت می کنم. حضرت پرسید: کلماتی که مادرت می گفت چه بود؟ جوان گفت: هر وقت او را شستشوی می دهم و غذا به او می خورانم می گوید: خداوند ترا ببخشد و همنشین موسی در درجه او در بهشت قرار دهد، حضرت موسی علیه السلام در این هنگام، خود را معرفی کرد و فرمود: ای جوان، بر تو مژده باد که خداوند متعال دعای مادرت را مستجاب گردانید، از خداوند خواسته ام که همنشین خودم را در بهشت به من نشان دهد و خداوند متعال هم تو را معرفی کرد، من تمام اعمال تو را کنترل کردم و هیچ عملی نیافتم (که ترا مستحق این مقام کند) مگر اینکه دیدم از مادرت تجلیل و احترام کردی و نسبت به او احسان نمودی (۳۵۷) ۴ - بوسه ای بر درب بهشت و صورت حور العین روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حور العین (زنان بهشتی) را ببوسم! حضرت فرمود: برو پای مادر (به منزله صورت حور العین) و پیشانی پدرت را (بمنزله در بهشت) ببوس. عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته اند، فرمود: قبر آنها را ببوس، عرض کرد: مکان قبر آنها را نمی دانم (شاید در حادثه ای از بین رفته اند که در شهر دفن نشده اند و یا در اثر مرور زمان مکان آن مخفی شده است)، حضرت فرمود: دو خط روی زمین به صورت دو قبر بکش به نیت قبر پدر و مادر، و سپس آنجا را ببوس (۳۵۸) ۵ - لبخند رضایت سید الشهداء علیه السلام شهید بزرگوار آیت الله دستغیب قدس سره می فرماید: یکی از افراد مورد اعتماد از اهل علم در نجف اشرف از عالم زاهد شیخ حسن مشکور نقل نمود: در خواب دیدم که در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام هستم، جوان عربی وارد حرم شد، با لبخند به حضرت سلام کرد، حضرت نیز با لبخند پاسخ داد! از خواب بیدار شدم، فردا شب که شب جمعه بود به حرم مطهر مشرف شدم گوشه ای ایستاده بودم که ناگاه همان جوان عرب را که در خواب دیده بودم مشاهده کردم! وارد حرم شد و چون مقابل ضریح رسید با لبخند به آن حضرت سلام کرد، ولی من حضرت سید الشهداء علیه السلام را ندیدم، آن جوان را زیر نظر داشتم تا وقتی از حرم بیرون آمد دنبالش رفتم و خواب خود را نقل کردم و پرسیدم چه کرده ای که امام علیه السلام با لبخند به تو جواب می دهد؟ گفت: من پدر و مادر پیری دارم و در چند فرسخی کربلا ساکن هستیم، شبهای جمعه که برای زیارت می آئیم، یک هفته پدرم را سوار بر الاغ کرده می آورم و هفته دیگر مادرم را، در یک شب جمعه که نوبت پدرم بود وقتی او را سوار کردم، مادرم گریه کرد و گفت: باید مرا هم ببری، شاید تا هفته دیگر من زنده نباشم. گفتم: هوا سرد است، باران می بارد، مشکل است، اما مادرم قبول نکرد به ناچار پدرم را سوار کردم و مادر را به دوش کشیدم و با زحمت بسیار به حرم مطهر آمدم، وقتی با آن حال همراه پدر و مادر وارد حرم شدم، حضرت سید الشهداء علیه السلام را دیدم و سلام کردم، آن بزرگوار به رویم لبخند زد و جواب مرا داد، از آن زمان تا به حال هر شب جمعه که مشرف می شوم: حضرت را می بینم و با تبسم به من جواب می دهد (۳۵۹) ۶ - بوسیدن جای پای پدر گویند ابراهیم خلیل علیه السلام برای دیدار پسرش اسماعیل، از شام به مکه آمد، اما پسرش در خانه نبود (در سفر بود) لذا ابراهیم علیه السلام (بدون دیدن پسر) به سوی شام بازگشت، وقتی که حضرت اسماعیل از سفر برگشت، همسرش آمدن پدرش حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را به او اطلاع داد (طبیعی است که اسماعیل از این جریان بسیار ناراحت گردیده باشد) لذا اسماعیل (که موفق به زیارت پدر نشده بود برای ادای احترام به پدر خویش) جای پای پدرش ابراهیم علیه السلام را پیدا کرد و به عنوان احترام پدر، جای پای پدر را بوسید (۳۶۰)

۱ - گلستان سوخته شهید بزرگوار آیت الله دستغیب قدس سره از مؤ من متقی ملا علی کازرونی که از نیکان و صاحب خوابهای صحیح و مکاشفات درست بود و در سفر حج ملاقات او نصیب ایشان شده بود نقل می نماید که گفت: شبی در عالمی خواب، باغ وسیعی که چشم آخر آنرا نمیدید مشاهده کردم و در وسط آن قصر باشکوه و عظیمی دیدم و در حیرت بودم که صاحب این قصر کیست؟ از یکی از دربانان سوال کردم و گفت: این قصر متعلق به (شخصی بنام) حبیب نجار شیرازی است، من او را می شناختم و با او رفاقت داشتم، و در آن حال غطبه او را می خوردم که ناگاه صاعقه ای از آسمان فرود آمد و یکباره تمام قصر و باغ آتش گرفت و از بین رفت، از وحشت و شدت ترس آن منظره هولناک از خواب بیدار شدم و دانستم که گناهی از او سرزده که موجب نابودی مقام او شده است. فردا به ملاقاتش رفتم و گفتم: شب گذشته چه کار کرده ای؟ گفت: هیچ کاری نکرده ام او را قسم دادم، و گفتم رازی است که باید کشف شود؟ گفت: شب گذشته در فلان ساعت با مادرم گفتگویم شد و بالاخره (در اثر عصبانیت) بر روی مادرم دست بلند کردم!! ایشان گفت: من خواب خود را برای او نقل کردم و گفتم: به مادرت اذیت کردی و چنین مقامی را از دست دادی (۳۶۱) ۲ - نگفتم شاه نمی شوی گفتم آدم نمی شوی! گویند پدری از شرارت و اذیت پسرش نسبت به همسایگان و یا اهالی محله و دیگر کارهای زشت، کلافه شده بود. یک روز که پسرش به خانه آمد، حسابی او را دعوا کرد و در حالیکه او را از خانه بیرون می کرد به او گفت: تو آدم نمی شوی! جوان که اوضاع را چنین دید با عصبانیت گفت: من آدم نمی شوم! به تو ثابت می کنم. بعد از خود را گرفت و رفت، از قضا در همان ایام جنگ بزرگی میان کشورش و کشور دیگر برپا بود، جوان به جنگ شتافت و در اثر لیاقت و فعالیت بسیار، به تدریج به درجات بالاتری رسید، به طوریکه سالهای بعد به سمت فرمانده ای لشکر انتخاب شد و سرانجام در یک فرصت مناسب با کودتا شاه را برکنار کرد و بر تخت پادشاهی نشست. یک روز در کاخ به فکر دوران گذشته اش افتاد و حرفی را که پدر او به او زده بود یاد آورد، از روی خشم لشگری فراهم کرد و به سوی شهر خود و خانه پدر روان شد، درب خانه را بالگد باز کرد و با کمال تکبر با اسب وارد اتاق شد، پدرش با حیرت به سوار نگاه کرد، ولی پسر قهقهه ای زد و گفت: مرا می شناسی؟ من پسر تو هستم، یادت هست که به من گفستی تو آدم نمی شوی؟! پدر که تازه متوجه جریان شده بود گفت: آری یادم هست، پسر گفت: ولی حالا می بینی که من پادشاه شده ام! پیرمرد که فهمید پسرش هنوز گستاخ و خام است با خونسردی گفت: من نگفتم شاه نمی شوی گفتم تو آدم نمی شوی!! به امید آنکه خداوند همه جوانان ما را در خدمت به پدر و مادر و خدمت به فرزندان خویش در راه اطاعت خود و پیشرفت مادی معنوی جامعه اسلامی، هر چه بیشتر موفق به گرداند. الحمدلله رب العالمین

پی نوشتها

۱ تا ۱۵۰

۱- وسائل، ج ۱۴، ص ۳. ۲- من لا یحضر ج ۳ ص ۵۵۶. ۳- کافی ج ۵ ص ۳۲۸. ۴- بحار، ج ۴۳، ص ۱۱۷. ۵- کافی، ج ۵ ص ۳۲۷. ۶- کافی، ج ۴، ص ۴۸. ۷- ریاحین الشریعه ج ۴. ۸- بحار ج ۱۰۰ ص ۲۳۸. ۹- بحار، ج ۴۳ ص ۳۱. ۱۰- وسائل ج ۱۴ ص ۷۸. ۱۱- وسائل ج ۱۴ ص ۱۱۳. ۱۲- کافی ج ۵ ص ۵۰۶. ۱۳- ۱ و ۲ کافی ج ۵ ص ۵۰۸. ۱۴- کافی ج ۵ ص ۵۰۸. ۱۵- مکارم الاخلاق ص ۲۴۸. ۱۶- بحار ج ۴۳ ص ۳۰. ۱۷- کافی، ج ۵، ص ۵۰۹ و ۵۰۸. ۱۸- کافی، ج ۵ ص ۵۰۹ و ۵۰۸. ۱۹- وسائل، ج ۱۴ ص ۱۱۶ و ۱۲۶. ۲۰- وسائل ج ۱۴ ص ۱۱۶ و ۱۲۶. ۲۱- وسائل ج ۱۴ ص ۱۱۳. ۲۲- وسائل ج ۱۴ ص ۱۲. ۲۳- بحار ج ۱۰۰ ص ۲۴۷. ۲۴- وسائل ج ۱۴ ص ۵۶. ۲۵- من لایحضر ج ۳ ص ۵۵۹. ۲۶- بحار، ج ۴۳ ص ۳۱. ۲۷- کان یعنی معدن. ۲۸- بحار: ج ۴۳: باب مناقبها. ۲۹- بحار: ج ۴۳: باب مناقبها. ۳۰- بحار ج ۴۳، باب مناقبها. ۳۱- بحار ج ۴۳، باب مناقبها. ۳۲- سوره نساء، آیه ۱۸. ۳۳- وسائل، ج ۱۴

ص ۱۳۱-۳۴-من لا یحضر، ج ۳ ص ۵۵۶ و ۴۴۳-۳۵-من لا یحضر، ج ۳ ص ۵۵۶ و ۴۴۳-۳۶-من لا یحضر ج ۳ ص ۵۵۴-۳۷-داستانهای شگفت انگیز از حضرت آیه الله دستغیب ، ص ۲۶۹-۳۸-وسائل، ج ۱۴ ص ۲۳-۳۹-داستان شگفت انگیز از حضرت آیه الله دستغیب ، ص ۲۶۹-۴۰-وسائل، ج ۱۴، ص ۲۳-۴۱-وسائل، ج ۱۵ ص ۲۲۳-۴۲-سفینه البحار باب زوج-۴۳-وسائل ج ۱۴ ص ۱۲۴-۴۴-وسائل ج ۱۴ ص ۹-۴۵-وسائل ج ۱۴ ص ۱۰-۴۶-وسائل ج ۱۴ ص ۱۲۱-۴۷-وسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۴-۴۸-وسائل ج ۱۵، ص ۴۹۰-۴۹-وسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۵-۵۰-وسائل، ج ۱۴ ص ۱۰۹-۵۱-وسائل ج ۱۴ ص ۱۷۰ و ۲۷۰-۵۲-وسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۰ و ۲۷۰-۵۳-وسائل ج ۱۴ ص ۷۵ و ۵۴-۵۴-وسائل، ج ۱۴ ص ۷۵ و ۱۱-۵۵-وسائل ج ۱۴ ص ۲۱-۵۶-بحار ج ۱۰۰ ص ۲۴۳-۵۷-وسائل ج ۱۴ ص ۱۳۰-۵۸-بحار الانوار ج ۱۴ ص ۴۹۱-۵۹-سفینه البار ج ۱ باب ربع-۶۰-سفینه البحار ج ۱ باب ربع-۶۱-سفینه البحار ج ۱ باب زوج-۶۲-بحار ج ۱۰۰ ص ۲۳۳-۶۳-من لا یحضر ج ۳ ص ۵۵۸-۶۴-وسائل ج ۱۴ ص ۱۱۵-۶۵-وسائل ج ۱۴ ص ۱۵۴-۶۶-بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۳۹-۶۷-وسائل ج ۵ ص ۱۱-۶۸-مکارم الاخلاق ص ۲۳۱-۶۹-مکارم الاخلاق ص ۲۳۱-۷۰-وسائل ج ۱۵ ص ۴۹۰-۷۱-وسائل ج ۱۴، ص ۲۷-۷۲-وسائل ج ۱۵ ص ۲۶۷-۷۳-وسائل ج ۱۴ ص ۱۸-۷۴-وسائل ج ۱۴ ص ۸-۷۵-سوره فصلت، آیه ۳۴-۷۶-دارالسلام ج ۳، ص ۳۲۶-۷۷-دارالسلام ج ۳، ص ۳۲۷ و ۳۳۳-۷۸-دارالسلام ج ۳، ص ۳۲۷ و ۳۳۳-۷۹-دارالسلام ج ۳، ص ۳۲۷ و ۳۳۳-۸۰-دارالسلام ج ۳، ص ۳۳۷ و ۳۳۸-۸۱-دارالسلام ج ۳، ص ۳۳۷ و ۳۳۸-۸۲-دارالسلام ج ۳، ص ۳۴۸ و ۴۲۰-۸۳-دارالسلام ج ۳، ص ۳۴۸ و ۴۲۰-۸۴-وسائل ج ۱۴ ص ۱۰-۸۵-دارالسلام ج ۳، ص ۳۷۳ و ۳۸۰ و ۴۰۲ و ۴۲۷-۸۶-دارالسلام ج ۳، ص ۳۷۳ و ۳۸۰ و ۴۰۲ و ۴۲۷-۸۷-دارالسلام ج ۳، ص ۳۷۳ و ۳۸۰ و ۴۰۲ و ۴۲۷-۸۸-دارالسلام ج ۳، ص ۳۷۳ و ۳۸۰ و ۴۰۲ و ۴۲۷-۸۹-دارالسلام ج ۳، ص ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۴۵۵ و ۴۵۶-۹۰-دارالسلام ج ۳، ص ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۴۵۵ و ۴۵۶-۹۱-دارالسلام ج ۳، ص ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۴۵۵ و ۴۵۶-۹۲-دارالسلام ج ۳، ص ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۴۵۵ و ۴۵۶-۹۳-دارالسلام ج ۳، ص ۴۲۷ و ۳۸۶-۹۴-دارالسلام ج ۳، ص ۴۲۷ و ۳۸۶-۹۵-دارالسلام ج ۳، ص ۳۸۷ و ۴۵۵ و ۴۵۶-۹۶-دارالسلام ج ۳، ص ۳۸۷ و ۴۵۵ و ۴۵۶-۹۷-دارالسلام ج ۳، ص ۳۸۷ و ۴۵۵ و ۴۵۶-۹۸-دارالسلام ج ۳، ص ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۱۳-۹۹-دارالسلام ج ۳، ص ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۱۳-۱۰۰-دارالسلام ج ۳، ص ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۱۳-۱۰۱-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۱۶-۱۰۲-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۲۱-۱۰۳-سفینه البحار، باب سجد-۱۰۴-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۲۱-۱۰۵-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۲۱-۱۰۶-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۲۱-۱۰۷-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۲۱-۱۰۸-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۲۱-۱۰۹-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۲۱-۱۱۰-دارالسلام ج ۳، ص ۴۱۶ و ۴۲۱-۱۱۱-تحف العقول ص ۳۰۷-۱۱۲-نهج البلاغه-۱۱۳-وسائل ج ۱۲ ص ۴۱-۱۱۴-سوره حجرات آیه-۱۱۵-سفینه ج ۲ باب ظن-۱۱۶-وسائل ج ۱۴ ص ۱۷۵-۱۱۷-بحار ج ۱۰۰ ص ۲۴۹-۱۱۸-بحار ج ۷۸ ص ۳۳۵-۱۱۹-لثالی الاخبار ج ۴ ص ۱۸۲-۱۲۰-مکارم الاخلاق ص ۴۱ و ۴۲-۱۲۱-مکارم الاخلاق ص ۴۱ و ۴۲-۱۲۲-لثالی الاخبار ج ۲ ص ۳۲۲-۱۲۳-بحار ج ۷۳ ص ۸۴-۱۲۴-مکارم الاخلاق، ص ۸۹-۱۲۵-بحار ج ۱۶ ص ۲۸۱-۱۲۶-بحار ج ۱۶ ص ۲۸۵-۱۲۷-سوره نساء، آیه ۱۱۹، یعدم و یمنیهم و ما یعدم الشیطان الا غرورا و در سوره حجر آیه ۳۸ سخن شیطان را نقل می فرماید که می گفت: رب بما اغوتی لازین فی الارض و لا غوینهم اجمعین الایة-۱۲۸-بحار ج ۶۸ ص ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶-۱۲۹-بحار ج ۶۸، ص ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶-۱۳۰-بحار ج ۶۸، ص ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶-۱۳۱-اصول کافی، ج ۴، ص ۳۲۵-۱۳۲-وسائل ج ۶ ص ۳۰۹-۱۳۳-سوره بقره، آیه ۱۵۵-۱۳۴-سوره انفال، آیه ۴۶-۱۳۵-معارض، آیه ۲۰-۱۳۶-سوره والعصر-۱۳۷-سوره الم نشرح-۱۳۸-اصول کافی، ج ۴، ص ۱۴۰، ۱۴۲-۱۳۹-اصول کافی، ج ۴، ص ۱۴۰، ۱۴۲-۱۴۰-اصول کافی ج ۴ ص ۱۴۶-۱۴۱-بحار ج ۶۸-۱۴۲-بحار ج ۶۸-۱۴۳-بحار ج ۶۸-۱۴۴-بحار، ج ۶۸-۱۴۵-بحار، ج ۶۶، ص ۴۰۰-۱۴۶-لثالی الاخبار-۱۴۷-اصول کافی، ج ۴-۱۴۸-وسائل ج ۱۴، ص ۱۲۲-۱۴۹-وسائل ج ۱۵، ص ۲۴۹ و ص ۲۴۹ و ص ۲۵۹-۱۵۰-وسائل ج ۱۵، ص ۲۴۹ و ص ۲۵۹.

۳۶۱ تا ۱۵۱

۱۵۱-سائل ج ۱۵، ص ۲۴۹ و ص ۲۵۰. ۱۵۲-سائل ج ۱۵، ص ۲۴۹ و ص ۲۵۰. ۱۵۳-سائل ج ۱۵ ص ۲۵۷ و ص ۲۴۹ و ص ۲۵۰. ۱۵۴-سائل ج ۱۵، ص ۲۴۹ و ص ۲۵۰. ۱۵۵-سائل ج ۱۵، ص ۲۴۹ و ص ۲۵۰. ۱۵۶-سائل ، ج ۱۵، ص ۱۷۵. ۱۵۷-بحار ج ۱۰۱ ص ۱۵۸-لثالی الاخبار ج ۱ ص ۴۸. ۱۵۹-لثالی الاخبار ج ۳ ص ۱۶. ۱۶۰-لثالی الاخبار ج ۳، ص ۱۴ و ۱۶. ۱۶۱-لثالی الاخبار ج ۳ ص ۱۴ و ۱۶. ۱۶۲-لثالی الاخبار ج ۱ ص ۱۴ و ۱۵. ۱۶۳-لثالی الاخبار ج ۱ ص ۱۴ و ۱۵. ۱۶۴-لثالی الاخبار ج ۱ ص ۱۵ و ۱۶. ۱۶۵-لثالی الاخبار ج ۱ ص ۱۵ و ۱۶. ۱۶۶-لثالی الاخبار ج ۱ ص ۱۵ و ۱۶. ۱۶۷-سائل ج ۱۴ ص ۱۳۱. ۱۶۸-بحار ج ۱۰۰، ص ۲۳۳. ۱۶۹-اصول کافی ج ۴ ص ۸. ۱۷۰-اصول کافی ج ۳. ۱۷۱-اصول کافی ، ج ۳. ۱۷۲-سائل ، ج ۱۵ ص ۲۶۷. ۱۷۳-سائل ج ۱۴ ص ۱۲۲ و ص ۱۸. ۱۷۴-سائل ج ۱۴ ص ۱۲۲ و ص ۱۸. ۱۷۵-روضه کافی ج ۱ ص ۲۴۲. ۱۷۶-سائل ج ۱ ص ۳۹. ۱۷۷-بحار ج ۷۳ ص ۷ و ۱۲. ۱۷۸-بحار ج ۷۳ ص ۷ و ۱۲. ۱۷۹-داستان راستان شهید مطهری به نقل از الکنی و الاقاب ج ۲ ص ۱۰۵. ۱۸۰-منقول از پند تاریخ ج ۵. ۱۸۱-ریاحین الشریعه ج ۳ ص ۴۰۷. ۱۸۲-جهاد با نفس ج ۱. ۱۸۳-تنقیح المقال در ترجمه اسماعیل بن عیاد. ۱۸۴-منقول از کتاب الکلام یجر الکلام ج ۱. ۱۸۵-زنان مرد آفرین . ۱۸۶-سائل ج ۱۵ ص ۱۰۷. ۱۸۷-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۰. ۱۸۸-سائل ج ۱۵ ص ۹۹. ۱۸۹-بحار. ۱۹۰-من لا محضر ج ۳ ص ۵۶۱. ۱۹۱-بحار ج ۱۰۰ ص ۲۸۹. ۱۹۲-سائل ج ۱۴ ص ۱۸۸. ۱۹۳-توصیه های یک پزشک اطفال . ۱۹۴-سائل ج ۱۵ ص ۱۳۳ و ۱۳۵. ۱۹۵-سائل ج ۱۵ ص ۱۳۶. ۱۹۶-سائل ج ۱۲ ص ۵۳. ۱۹۷-کودک ص ۱۰۶. ۱۹۸-کودک ص ۶۴. ۱۹۹-تتمه المنتی ص ۱۲. ۲۰۰-نهج البلاغه کلمات قصار. ۲۰۱-سوره منافقون آیه ۹. ۲۰۲-نهج البلاغه کلمات قصار. ۲۰۳-عروة الوثقی - کتاب النکاح مسأله ۴. ۲۰۴-سائل ج ۱۱ ص ۲۲۳. ۲۰۵-فروع کافی ج ۵ ص ۶۷. ۲۰۶-سائل ج ۱۲ ص ۴۳. ۲۰۷-بحار ج ۷۵ ص ۲۵۱. ۲۰۸-سائل ج ۱۲ ص ۳۱۱. ۲۰۹-بحار ج ۱۰۱ ص ۷۲. ۲۱۰-لثالی الاخبار ج ۲. ۲۱۱-کافی ج ۳ ص ۲۱۰. ۲۱۲-مکارم الاخلاق ص ۵۳۷. ۲۱۳-سائل ج ۱۵ ص ۱۷۵. ۲۱۴-سائل ج ۱۵ ص ۱۷۵. ۲۱۵-بحار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶. ۲۱۶-بحار ج ۱۰۱ ص ۷۱. ۲۱۷-سائل ج ۱۵ ص ۱۴۳. ۲۱۸-سائل ج ۱۵ ص ۱۰۲. ۲۱۹-سائل ج ۱۵ ص ۱۰۱. ۲۲۰-سائل ج ۱۵ ص ۱۰۲. ۲۲۱-حدیقه الشیعه . ۲۲۲-سائل ج ۱۵ ص ۱۳۷. ۲۲۳-سائل ج ۱۵ ص ۱۶. ۲۲۴-کافی ج ۵ ص ۲۴ و ۳۹. ۲۲۵-کافی ج ۵ ص ۱۸. ۲۲۶-کافی ج ۵ ص ۳۴ و ۴۹. ۲۲۷-کافی ج ۵ ص ۳۴ و ۴۹. ۲۲۸-سائل ج ۱۵ ص ۱۲۴ و ۱۲۶. ۲۲۹-سائل ج ۱۵ ص ۱۲۸ و ۱۲۹. ۲۳۰-سائل ج ۱۵ ص ۱۲۸ و ۱۲۹. ۲۳۱-کافی ج ۵ ص ۴۸. ۲۳۲-غرر الحکم . ۲۳۳-سائل ج ۱۵ ص ۱۹۷. ۲۳۴-منقول از لثالی الاخبار. ۲۳۵-نفس المهموم ص ۱۲۲. ۲۳۶-نفس المهموم ص ۱۸۸. ۲۳۷-نفس المهموم ص ۱۳۹. ۲۳۸-سفینه البحار باب ظلم . ۲۳۹-بحار ج ۱۰۱ ص ۷۳. ۲۴۰-سائل ج ۳ ص ۱۳. ۲۴۱-سائل ج ۳ ص ۱۳. ۲۴۲-سائل ج ۱۵ ص ۱۶. ۲۴۳-سائل ج ۱۵ ص ۱۷. ۲۴۴-سائل ج ۳ ص ۲۳. ۲۴۵-سائل ج ۳ ص ۲۲ و ۲۴. ۲۴۶-سائل ج ۳ ص ۲۲ و ۲۴. ۲۴۷-سائل ج ۳ ص ۲۴. ۲۴۸-سائل ج ۱۴ ص ۱۷۱. ۲۴۹-سائل ج ۱۵ ص ۱۹۴. ۲۵۰-سائل ج ۱۵ ص ۱۹۶. ۲۵۱-کافی ، ج ۳، ص ۱۲۴. ۲۵۲-بحار ج ۱۰۱ ص ۴۹. ۲۵۳-سائل ج ۱۶ ص ۱۵۸. ۲۵۴-سائل ج ۱۵ ص ۲۰۴. ۲۵۵-سائل ج ۱۵ ص ۱۹۹. ۲۵۶-سائل ج ۱۴ ص ۲۳. ۲۵۷-سائل ج ۱۵ ص ۱۰۴. ۲۵۸-سائل ج ۱۵ ص ۹۷ و ۹۸. ۲۵۹-سائل ج ۱۵ ص ۹۷ و ۹۸. ۲۶۰-کافی ج ۵ ص ۴۸. ۲۶۱-سائل ج ۱۵ ص ۱۹۴. ۲۶۲-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۸ و ۹۲ و ۹۸ و ۱۰۵. ۲۶۳-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۸ و ۹۲ و ۹۸ و ۱۰۵. ۲۶۴-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۸ و ۹۲ و ۹۸ و ۱۰۵. ۲۶۵-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۸ و ۹۲ و ۹۸ و ۱۰۵. ۲۶۶-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۱ و ۹۵ و ۹۷. ۲۶۷-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۱ و ۹۵ و ۹۷. ۲۶۸-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۱ و ۹۵ و ۹۷. ۲۶۹-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۱ و ۹۵ و ۹۷. ۲۷۰-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۷ و ۹۸. ۲۷۱-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۷ و ۹۸. ۲۷۲-بحار ج ۱۰۱ ص ۹۸. ۲۷۳-سائل ج ۱۵ ص ۲۰۲. ۲۷۴-سائل ج ۱۵ ص ۲۰۳. ۲۷۵-بحار ج ۱۶ ص ۲۴۰. ۲۷۶-بحار ج ۱۶ ص ۲۲۰.

۲۷۷-سائل، ج ۱۱ ص ۳۸۵. ۲۷۸-سائل ج ۱۲ ص ۳۰. ۲۷۹-بحار ج ۲ ص ۱۱۷. ۲۸۰-اصول کافی: ج ۴ ص ۲۱۴. ۲۸۱-من لا یحضر ج ۳ ص ۵۵۹. ۲۸۲-نهج البلاغه - کلمات قصار. ۲۸۳-شرح نهج البلاغه از ابن ابی الحدید ج ۲۰. ۲۸۴-الجمل للمفید(ره) ص ۱۵۵. ۲۸۵-الجمل للمفید(ره) ص ۲۰۸. ۲۸۶-سائل ج ۱۵ ص ۲۰۴ و ۲۰۶. ۲۸۷-سائل ج ۱۵ ص ۲۰۴ و ۲۰۶. ۲۸۸-علل الشرایع باب ۴۷ حدیث ۱. ۲۸۹-علل الشرایع باب ۴۷ حدیث ۲. ۲۹۰-بحار ج ۷۱ ص ۸۱. ۲۹۱-کافی ج ۲. ۲۹۲-بحار، ج ۷۱ ص ۸۲. ۲۹۳-کافی ج ۴، ص ۲۱۴ و ص ۲۱۹. ۲۹۴-بحار الانوار ج ۷۰. ۲۹۵-اصول کافی، ج ۳ ص ۳۷۰. ۲۹۶-اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۸. ۲۹۷-سائل ج ۶ ص ۲۶۷. ۲۹۸-سائل ج ۶ ص ۲۶۷. ۲۹۹-سائل ج ۶. ۳۰۰-سائل ج ۶. ۳۰۱-بحار ج ۷۱ ص ۸۹. ۳۰۲-بحار ج ۷۱ ص ۹۲ و ۹۹ و ۱۰۰. ۳۰۳-بحار ج ۷۱ ص ۹۲ و ۹۹ و ۱۰۰. ۳۰۴-بحار ج ۷۱ ص ۹۲ و ۹۹ و ۱۰۰. ۳۰۵-بحار ج ۷۱ ص ۹۲ و ۹۹ و ۱۰۰. ۳۰۶-کافی ج ۴ ص ۲۱۴ و ۲۱۹. ۳۰۷-کافی ج ۴ ص ۲۱۴ و ۲۱۹. ۳۰۸-کافی ج ۴ ص ۲۱۹ و ۲۱۶. ۳۰۹-کافی ج ۴ ص ۲۱۹ و ۲۱۴ و ۲۱۶. ۳۱۰-کافی ج ۴ ص ۲۱۹ و ۲۱۴ و ۲۱۶. ۳۱۱-بحار ج ۱۴ ص ۴۹۲. ۳۱۲-بحار ج ۱۰۱ ص ۴۸. ۳۱۳-سائل ج ۱۴ ص ۱۳۹. ۳۱۴-بحار ج ۱۰۱ ص ۱۴۱. ۳۱۵-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۱ و ۱۳۹. ۳۱۶-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۱ و ۱۳۹. ۳۱۷-سائل ج ۱۴ ص ۱۳۴. ۳۱۸-سائل ج ۱۴ ص ۱۳۴. ۳۱۹-سائل ج ۱۴ ص ۱۷۱ و ۱۴۵. ۳۲۰-سائل ج ۱۴ ص ۱۷۱ و ۱۴۵. ۳۲۱-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۲ و ۱۷۳. ۳۲۲-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۲ و ۱۷۳. ۳۲۳-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۹ و ۱۷۲. ۳۲۴-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۹ و ۱۷۲. ۳۲۵-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۹ و ۱۷۲. ۳۲۶-سائل الشیعه. ۳۲۷-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۲. ۳۲۸-بحار ج ۴۶ ص ۲۵۸. ۳۲۹-بحار ج ۴۶ ص ۲۵۸. ۳۳۰-سائل ج ۱۴ ص ۱۷ و ۱۵۲. ۳۳۱-سائل ج ۱۴ ص ۱۷ و ۱۵۲. ۳۳۲-سائل ج ۱۴. ۳۳۳-سائل ج ۱۴ ص ۱۴۳. ۳۳۴-سائل، ج ۱۴، ص ۱۷۲. ۳۳۵-بحار ج ۱۰۱ ص ۳۸. ۳۳۶-سائل ج ۱۴ ص ۱۶۱. ۳۳۷-سائل، ج ۱۴، ص ۱۲۰. ۳۳۸-یعنی دعای او قبول می شد. ۳۳۹-بحار ج ۱۴ ص ۴۸۶. ۳۴۰-سائل ج ۱۴ ص ۱۳۸. ۳۴۱-بحار الانوار از کمال الدین. ۳۴۲-بحار ج ۴۱. ۳۴۳-سائل ج ۱۴ ص ۲۳. ۳۴۴-سائل ج ۱۴ ص ۲۷۰. ۳۴۵-سائل ج ۱۴ ص ۲۳۳. ۳۴۶-من لایحضر ج ۳ ص ۳۹۰. ۳۴۷-بحار ج ۶ ص ۳۱۵. ۳۴۸-سائل ج ۱۴ ص ۴۰. ۳۴۹-سائل ج ۱۴ ص ۱۳۲. ۳۵۰-بحار ج ۱۰۰ ص ۲۴۲. ۳۵۱-سائل ج ۱۴ ص ۱۱۵. ۳۵۲-سائل ج ۱۴ ص ۴۳. ۳۵۳-منقول از مجله فیض - امور تربیتی منطقه ۱۴. ۳۵۴-منقول از کتاب حقوق والدین ص ۱۲. ۳۵۵-شهاب شریعت ص ۱۳۴. ۳۵۶-منقول از منتخب التواریخ. ۳۵۷-منقول از پادشاه و کفرها ص ۷۵. ۳۵۸-منقول از قره العین ص ۳۸. ۳۵۹-داستانهای شگفت ص ۱۷۷. ۳۶۰-منقول از حکایت‌های شنیدنی ج ۴ ص ۴۱. ۳۶۱-داستانهای شگفت ص ۱۰۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب

از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاوندن این مؤمن

بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

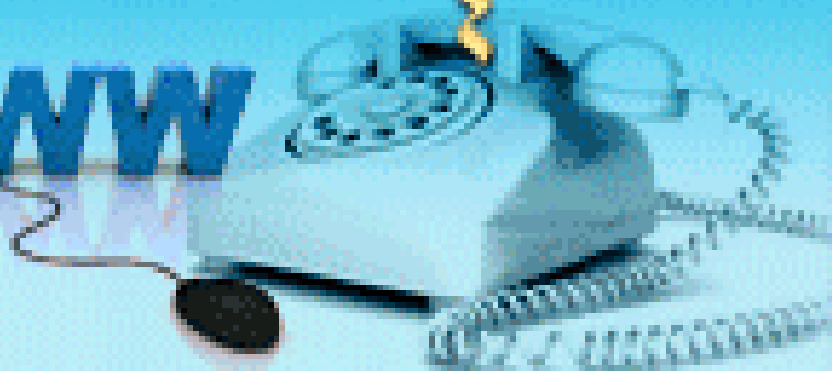


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

